

# اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

شماره ۱۰۴ دوره سوم دوشنبه ۲ آذر ماه ۱۳۶۰ برابر با ۲۶ محرم ۱۴۰۲ و ۲۳ نوامبر ۱۹۸۱ بهار ۴۰۰ ریال

# دشمن اصلی ما آمریکاست!

## ما هرگز با آمریکا سازش نخواهیم کرد

رئیس جمهور

ما وارد آورده... بعد از انقلاب هم آمریکا باز لحظه‌ای از شیطنت و شرارت علیه ما خودداری نکرده، تحرکات و حمله کرده، عوامل خودش را در داخل کشور بکار انداخته... نه فقط خیانت او به ما رسیده، منظره‌ها پر از خیانت و گناه کرده. آنچه در سایه وجود منحوس بقیه در صفحه ۲

... هرگز ما با آمریکا سازش نخواهیم کرد. آمریکا در طول سالیان گذشته به ما خیلی ظلم کرده، روزگار ما را خیلی سیاه کرده، شریکترین انسان‌ها را سالیان دراز بر ما مسلط کرد، ده‌ها هزار از عزیزترین انسان‌ها کشته شدند، اقتصاد ما به این شکل درآمد، اخلاق و فرهنگ ما تباہ شده، خیلی صدمات بر

## باید سرانجام قانون به عمل در آید

حجت الاسلام خامنه‌ای رئیس جمهور در گفتار تلویزیونی که جنسی پیش‌بینی‌کننده‌ی ریاست جمهوری با مردم داشت، بر این نکته مهم تأکید کرد که:

"... ما بایستی امنیت اجتماعی و قضائی و امنیت کامل محیط زندگی و محیط کار را برای همه افراد فراهم کنیم و وجه دیگر این اصل اینست که همه کسانی که وقادار به جمهوری اسلامی هستند و نظام جمهوری اسلامی را قبول دارند، با هر اندیشه و تفکری بتوانند آزادانه زندگی کنند و کسی به آنها تعرض نکند."

حجت الاسلام موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلام، نیز در بقیه در صفحه ۲

## توطئه پاکستان و ترکیه علیه انقلاب ایران وارد مرحله جدی تری می شود

دیروز اعلام شد که رئیس حکومت کودتائی ترکیه به دیدار رئیس حکومت کودتائی پاکستان رفته است. پاکستان و ترکیه هر دو پایگاه نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه هستند. پاکستان و ترکیه هر دو پایگاه ضد-انقلاب فراری ایران علیه ایران انقلابی هستند. با توجه به همه رویداد-های منطقه که حاکی از آماده شدن آمریکا برای عمل نظامی علیه جنبش‌های انقلابی و کشورهای منطقه، و قبل از همه و پیش از همه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، بدون تردید دیدار رؤسای دو کشور پاکستان و ترکیه را باید گام جدید و جدی‌تر برای تدارک هجوم ضدانقلابی آمریکا و دست-نشاندها علیه ایران انقلابی تلقی کرد.

ما به مقامات مسئول و همه مردم و تمام نیروهای انقلابی ایران هشدار میدهم و هشدار می‌دهم که با این توطئه خطرناک می‌طلبیم.

شعار تظاهرات میلیونی مردم در راهپیمائی علیه طرح فهد:

# مرگ بر آمریکا! مرگ بر صهیونیسم!

ملت رشید و مسلمان ایران ضمن تجدید بیعت با امام خمینی همت گمارده که تا آخر با آمریکای جنایتکار دست از مبارزه برندارد.



موجی از دریای خروشان خلق مردم - شعار می - دادند - سازش با آمریکا - سازش با اسرائیل - هرگز!

## تداوم تعطیل دانشگاه‌ها و مدارس عالی:

# فاجعه‌ای که باید از آن جلوگیری کرد

تخصص داشته باشند و در مسیری که ما می‌خواهیم متخصص و قابل بهره‌برداری باشند و کار او سودمند و نافع به اجتماع باشد و عمل او به هیچوجه برخلاف نهضت نباشد، و لولاینکه مسلمان نباشد ما ابایی نخواهیم داشت از سود حستن از کار او و تخصص او، بلکه اصرار داریم که حتما از خدمات اینگونه استادان هم استفاده کنیم و سودجوییم. متأسفانه، علیرغم این تأکیدات و رهنمودهای ارزنده امام خمینی، تا کنون به بازگشایی دانشگاه‌ها و مدارس عالی توجه کافی نشده و چشم انداز نظام آموزش عالی کشور همچنان مبهم و نگرانی آور است.

است. از آغاز سال جاری، رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، به کرات وضع نظام آموزش عالی را مورد توجه قرار داده‌اند و مسئولین انقلاب فرهنگی را به بازگشایی دانشگاه‌ها در سال تحصیلی جاری فراخوانده‌اند. در فروردین ماه امسال، امام خمینی در ملاقات با اعضاء ستاد انقلاب فرهنگی تأکید کردند که:

"همه نیروی خود را برای بازگشایی دانشگاه‌ها تجهیز کنید" و انجام "اصلاحات لازم" راه بازگشایی دانشگاه‌ها و فعالیت آن موکول کردند. امام خمینی با بصیرت و ژرف اندیشی، ضرورت بهره‌گیری از همه نیروهای متخصص و کارآمد را مورد توجه قرار دادند و گفتند:

## باید به استقبال خواستهای مردم شتافت

دستاوردهای انقلاب در مسیر حرکت بسوی اهداف صد امپریالیستی خود در زندگی کوتاه ۳۰ ساله اش سودنی است: امپریالیسم راهزن و غدار آمریکا از کشور بیرون رانده شده که بزرگترین دستاورد است، هشاری مردم انقلابی بر دسیسه‌های اقتصاد امپریالیسم فائق آمده، که اعجاب انگیز است، بر ضد انقلاب - در طیف‌های گوناگون آن - راه بسته مانده، که نشانه توانمندی انقلاب است. انقلاب به سوی بازگشایی دوستان و دشمنان خود دیده گشوده، که علامتی از حرکت بسوی شوع است. اما متأسفانه، به دلایل معین، انقلاب در خط مردمی خود، یعنی حرکت بسوی انجام خواستهای زحمتکشان و رفع دشواری‌های آنان، هنوز توفیقی نداشته است. و چنین است که رئیس جمهور حجت الاسلام خامنه‌ای در دیدار با رهبران انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می‌گوید:

### اسناد سخن می‌گویند:

## آمریکایک سال و نیم قبل از کمک نظامی محدود

اتحاد شوروی به افغانستان، لشکرکشی به منطقه را آغاز کرد بقیه در صفحه ۱۶

## همه چیز برای اجرای قانون آماده است

در صفحه ۱۸

## از ساواکی‌های توطئه‌گر غافل نشوید!

رئیس جمهور: "شما تصور نکنید که همه این انفجارها و ترورها مربوط به گروهکهاست، بلکه فراریان رژیم سابق و ساواکیها هم سهم دارند. همان کسانی که در روزهای اول انقلاب افراد کمیترا ترور می‌کردند و آنها را شهید می ساختند، امروز باز هم مشغول هستند به توطئه که ما نباید از آنها غافل باشیم"

اینکه پس از گذشت ۲ سال و نیم از پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ضد امپریالیستی و مردمی ایران، علیرغم حذف نام ساواکیها - این گروه جنایتکار و اهرم سرکوب در رژیم سرنگون شده پهلوی - از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و اظهارات مسئولین، نسبت به توطئه‌های آنان هشدار می‌دهیم و بقیه در صفحه ۱۹

بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) چگونه بردشواری تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم؟ در صفحه ۷

دشمن اصلی ما...

بقیه از صفحه ۱
رژیم اشغالگر قدس ( اسرائیل صهیونیستی ) بوجود آمده ، سرکوسی نهضت ها و جنبش های اسلامی در منطقه است ، وجود دولت های مرتجع و خبیثی که طوطی وار آنچه را که آمریکا میخواست تکرار میکردند (و میکنند ) مثل سادات و جانشینش که وابسته و معلول آمریکا است ، بنابراین دشمن اصلی برای ما آمریکا است و هرکس که با او همدست و همکار باشد ... ما هرگز با آمریکا سازش نخواهیم کرد .

مبارزه مشترک علیه دشمن مشترک (امپریالیسم سرکردگی آمریکا) ، خط شکستن دشمن و حملات و توطئه های او ، خط برگشت ناپذیر کردن انقلاب پیروزی مند و شکوهمند خلق قهرمان ما است .

این دو خط ، دو خط اساسی سیاست خارجی است ، که مجموعاً آنها را میتوان چنین فرمول بندی کرد : مقابله با دشمن اصلی - آمریکا (و هرکس که با او همدست و همکار باشد) کوشش در جلب "بیطرفان" و دوستی با دوستان .

عین همین سیاست ، در داخل کشور نیز ، سیاستی است انقلابی و پیروزی بخش ، در داخل کشور نیز باید با ضد - انقلاب با قاطعیت مقابله کرد ، نیروهای نظاره گر و "بیطرف" را جلب نمود و حتی به گفته رئیس جمهور خامنه ای ، منحرفین را هدایت کرد "و اتحاد همه نیروهای انقلابی را ، قطع نظر از تفاوت های موجود در عقاید مسلکی و سیاسی و مذهبی آنها ، تا مین نمود .

امام خمینی در پیام های اخیر خود بویژه بر روی لزوم وحدت انگشت تاکید نهادند ، وحدت و همبستگی عمل بین دولت و مردم ، وحدت و همبستگی بین ارگان های حاکمیت ، وحدت و همبستگی بین نیروهای مومن و متعهد به انقلاب .

امروز ایجاد اختلاف ، هر اختلافی باشد و کارهایی که اختلاف انگیز است ، هرکاری باشد ، این مضر به اسلام است ، مضر به انقلاب است " (از سخنان امام ۶۰/۸/۲۴)

اگر این سیاست درست و واقع بینانه و انقلابی ، ضمن "حرکت بطرف آرمان های مستضعفین" (رئیس جمهور) محدوده اجرا شود ، تمام مشکلاتی که هم اکنون انقلاب و کشور ما با آنها روبرو هستند ، یکی پس از دیگری رفع خواهند شد .

اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی ، توأم با "حرکت به طرف آرمان های مستضعفین" ، بسیج شده ، چنان نیروی عظیمی است که هیچ نیروی ضدانقلابی ، با هر نقاب و در هر لباسی ظاهر شود ، تاب مقاومت در برابر آن نخواهد داشت .

دشمن اصلی ما آمریکا است و هر کس که ، چه در خارج کشور و چه در داخل کشور ، با آمریکا همدست و همکار باشد ، این دشمن سلطه گر ، غدار و جنایتکار با همدستان و همکاران خود دو جبهه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گشوده است . یکی جبهه خارجی ، یکی جبهه داخلی . جبهه خارجی او را با وحدت عمل با جبهه ضد امپریالیستی

داریم ...
بدیهی است که این بیان ، دوستی با دوستان را نیز ، به طریق اولی ، در بر میگیرد ، مادام که ما با همه دولت های که به ما تعرض نکنند ، دوست هستیم و با آنها همزیستی مسالمت آمیز داریم ، به طریق اولی با دولت هایی که از انقلاب ما ، از خط ضد امپریالیستی ما ، از خط مردمی انقلاب مایشتیانی کرده و میکنند و دست دوستی به سوی ما دراز میکنند ، دوست هستیم .

و این خط ، خط منفر دگر کردن دشمن اصلی (و هرکس که با او همدست و همکار است) ، خط پرهیز از دشمن تراشی ، خط جدا کردن "بیطرفان" از دشمن ، خط فشردن دست دوستان صدیق ، خط ...
درباره گروه های غیر - محارب ، ببینید یک وقت افرادی در جامعه ما هستند حتی مکتب ماراقبول ندارند . ولی قانون اساسی می گوید اول امام هم اعلام کرده و نظام جمهوری اسلامی هم بر این پایه گذاری شده که آزادیهای فردی و گروهی ، تا حدی که توطئه نباشد ، تا مین خواهد شد و ما می دانیم که حزب توده و یا اکثریت و یا گروه های دیگر ... اینها اگر محاربه نکنند ... نظام ما می گوید که آزاداند و می توانند فعالیت سیاسی داشته باشند . حتی می توانند برای خودشان روزنامه داشته باشند ، برای خودشان تبلیغات کنند ...
حجت الاسلام معادپناه وزیر ارشاد اسلامی نیز درباره "استقرار نظم در جامعه با یادآور شده است :

"... همه ارگانها و نهاد های انقلابی باید با همه انگی کامل بکوشند ، تا فرمایش مهم از مکتب امام را که "اسسال سال قانون است" به عینیت در آورند و تحقق بخشند و حکومت قانون راهمانگونه که بایسته - این حکومت اسلامی است ، جلوی دید دوست و دشمن قرار دهند و باید مسئولیت ها مشخص شود "
آین وعده پرارج رئیس جمهور منتخب مردم ، اعلامیه امامی هادامای شهید قدوسی ، که مکرراً اعتبار آن مورد تأکید آقای موسوی تبریزی دادستان

باید به استقبال ...

بقیه از صفحه ۱
درآمد ناچیز میلیونها مردم محروم کارگر و دهقان و کارمند - را در نظر بگیریم ، روشن میشود که به حساب سوده های کلان سرمایه داران چه بار سنگینی از محرومیت بردوش آنان و کودکانشان تحمیل شده است .

اصلاحات ارضی انقلابی هنوز به مرحله اجرا در نیامده و دهقانان زحمتکش به امید دریافت زمین ، سه سال است که عرق جبین خویش را به کام تشنه زمین می چکانند و بذرا در دل خاک به خوشه تبدیل میکنند .

کارگران در آرزوی رفع بی عدالتی ها و تصویب یک قانون کار مردمی که مدافع حقوق آنان در برابر کارفرمایان باشد و کابوس بیکاری و از کار ماندگی و کهولت همزاد با فقر را از یادشان ببرد ، روز - شاری میکنند ، اما هنوز قانون کار طاغوتی بر سر نوشتشان حکم میراند . کارگران در انتظار کاهش نرخ بهره کشی حذف امتیازات ناروای طبقاتی و تا مین عدالت اجتماعی ، صبر انقلابی نشان میدهند ، تا دست انقلاب از آستین عدالت و نصفت بدر آید و حقوق قانونی آنانرا به رسمیت بشناسد .

توده های محروم زحمتکش با بردباری خواستار برقراری تعادل میان هزینه زندگی و سطح درآمدها هستند ، خواستار آن هستند که دست کلان سرمایه داران ، محترمان ، واسطه ها ، دلال ها و سود جوها از درآمد ناچیزشان کوتاه شود ، اما متأسفانه فقدان قاطعیت انقلابی در این زمینه ، موجب شده که سطح قیمت ها روز بروز افزایش یابد و گرانی و تورم و کمبود ، پشت زحمتکش را خم کند .

یک تاجر بازرگاری معامله فقط در یک معامله چند دقیقه ای می تواند ۱۸ میلیون تومان سود داشته باشد و درآمد میلیونها زحمتکش ، حتی بس از یک عمر کار و تلاش هم نمیتواند به یک میلیون تومان برسد .

علیرغم این ظلم آشکار و این شکاف وحشتناک طبقاتی ، قانون دولتی کردن بازرگانی خارجی بر اثر کار شکنی های پنهان و آشکار "تورویست های اقتصادی" هنوز به مرحله تصویب نرسیده است .

انقلاب شکوهمند بهمن کلاه دیکتاتوری را سرتگون ساخت و برای مردمی که به همت خود بریلدای استبداد فائق آمدند ، پیام آزادی به همراه آورد ، متأسفانه لیبرال های شیفته آزادی برای غارتگری ، و انحصار طلبان خویشتر بین و قشری ، از دوسو کوشیدند ، تا نگذارند مردم انقلابی از موهبت عظیم آزادی های تثبیت شده در قانون اساسی بهره مند شوند و بدون بیم از پیگرد طبق بینش فلسفی و سیاسی خود فعال

تمام سازمانهای سیاسی مدافع انقلاب میسر نیست و هر راه دیگری که پیموده شود ، پندار گزائی است .
اهداف انقلابی برای آن که بتوانند دستاوردهای ارزنده انقلاب اسلامی ضد استبدادی ، ضد امپریالیستی و مردمی ایران را تثبیت و تحکیم کنند و به قتل رفیع پیروزی نهائی دست یابند ، نیازمند به ثبات سیاسی و تثبیت اقتصادی اند . برای رسیدن به مین دو هدف مهم ، همانطور که رئیس جمهور خاطرنشان ساخته است ، امنیت کامل قضائی و اجتماعی ضروری است و این واقعیت زمانی تا مین خواهد شد که انقلاب بتواند ، ضد انقلاب را به هر شکل ، در هر لباس و با هر نقابی که ظاهر شود ، بشناسد و سرکوب کند ، نفوذ پیدا و ناپیدای آن را ریشه کن نماید و اجازه نهانکاری و پیرانگرا نه و توطئه دسیسه به آن ندهد ، انقلاب باید در برابر ترغیب - های امپریالیسم هشیاری و آمادگی کافی داشته باشد ، مردم را برای دفع آن مشکل و مسلح و مجهز کند ، تا توطئه از هر نقطه ای که آغاز شود ، مشت محکم مردم آرا عقیم گذارد ، در عین حال انقلاب باید برای نیروهای مدافع جمهوری و انقلاب محیط امن فعالیت و سازندگی ایجاد کند ، تا پایگاه مردمی انقلاب هر چه بیشتر گسترده گردد .

انجام وظیفه مهم دفاع از انقلاب

جهانی ، که در حال حرکت به طرف آرمان های مستضعفین است ، میتواند شکست جبهه داخلی اوتیز با اتحاد با همه نیروهای راستین انقلابی ، ضمن حرکت بی تزلزل و قاطع به طرف آرمان های مستضعفین ، شکسته میشود .
"آرمان های مستضعفین" قطب - نمای حرکت و هدف حرکت تمام نیرو - های راستین انقلابی ، چه در پیهنه جهان و چه در داخل هر کشور ، از جمله کشور ما است . اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی ، چه در عرصه جهان و چه در عرصه کشور ، سلاح دشمن شکن و ضامن حرکت پیروز مندانه به سوی این هدف و رسیدن به آن است . یک سیاست خارجی و داخلی انقلابی پیروزی - بخش ، سیاستی که بتواند بر آمریکا و همدستان و همکاران او در خارج و داخل کشور غلبه کند و مطمئناً غلبه کند ، سیاستی است که برای رسیدن به آرمان های مستضعفین با سلاح اتحاد تمام نیروهای راستین انقلابی ، چه در عرصه جهانی و چه در داخل کشور عمل کند .

دشمن نیز " با عمل معکوس خود " ، صحت این سیاست انقلابی دشمن شکن و پیروزی بخش را می آموزد . تمام کوشش آمریکا (امپریالیسم به سرکردگی آمریکا) ایجاد اختلاف و تفرقه و نفاق و خصومت بین نیروها و کشورهای انقلابی ، جلوگیری از وحدت عمل آنها ، در سر اسرجهان و در هر کشور است . امام خمینی در رهنمود های اخیر خود (۶۰/۸/۲۴) بار دیگر به این نکته مهم اشاره کردند که ، آمریکا و صهیونیسم تفرقه می افکنند ، تا بتوانند سلطه خود را برقرار کنند ، بدون ایجاد تفرقه و نفاق ، آمریکا هیچ غلظی نمی تواند بکند ، حتی اگر تمام ماشین جنگی خود را یکار اندازد ، هر جا امپریالیسم هار و تجاوز گر آمریکا با شکست مواجه شده ، بوسیله وحدت خلقی بیاخته شده ، اتحاد همه نیروهای راستین انقلابی ، مستضعفین ، بسیج شده ، چنان نیروی عظیمی است که هیچ نیروی ضدانقلابی ، با هر نقاب و در هر لباسی ظاهر شود ، تاب مقاومت در برابر آن نخواهد داشت .

دشمن اصلی ما آمریکا است و هر کس که ، چه در خارج کشور و چه در داخل کشور ، با آمریکا همدست و همکار باشد ، این دشمن سلطه گر ، غدار و جنایتکار با همدستان و همکاران خود دو جبهه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران گشوده است . یکی جبهه خارجی ، یکی جبهه داخلی . جبهه خارجی او را با وحدت عمل با جبهه ضد امپریالیستی

کل انقلاب اسلامی قرار گرفته ، بر نامه شهید دکتر باهنر درباره تا مین آزادی ها ، که به تأکید آقای موسوی نخست وزیر ، برنامه دولت جدید نیز هست ، همچنین تأکید مکرر دادستان کل انقلاب اسلامی و سایر مسئولان ملکتنی میسر آنست که سرانجام مواد صریح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و رهنمود های رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در مورد تا مین آزادی فعالیت برای همه گروه ها و سازمان های سیاسی - مادام که دست به توطئه نزده اند - به مرحله اجرا در آید .

موروی بر دوران پس از پیروزی انقلاب تا به امروز ، نشان می دهد که در داخل جامعه انقلابی ما نیروهایی از راست و "چپ" به عمد و غیر عمد نخواسته اند محتوای ضد استبدادی انقلاب بهمن و پیام مهم این انقلاب را ، که استقرار آزادی و دموکراسی و حکومت قانون در جامعه است ، بفهمند . این نیروها همواره کوشیدند ، تا آزادی را ، آنگونه تفسیر کنند که منافع آنها به عنوان یک گروه سیاسی ضد انقلابی ، غیر انقلابی و یا نادان به مصالح انقلاب ، اقتضا داشته است .

در دوران حاکمیت دولت موقت لیبرالها از دموکراسی ، آزادی بهره کشی سرمایه ، آزادی حفظ بسیاری از روابط و مناسبات و فرهنگ طاغوتی ، آزادی سرکوب پیروان اصیل سوسیالیسم علمی ، آزادی توطئه علیه نظام انقلابی حاکم بر جامعه و آزادی هر چه مورج را می فهمیدند و طبق خواست خود عمل می کردند . به این دلیل مسئله شناسائی فعالیت قانونی احزاب و همدلی تمام نیروهای انقلابی جامعه ،

باشند و برای پاسداری از دستاوردهای انقلاب همه امکانات خود را به کار گیرند . این دو گروه از دوسو ، مانع از آن میشوند که توده های محروم برای حمایت گسترده از انقلاب و در دفاع از حقوق خود مشکل های قانونی خویش را بوجود آورند و نظام شورش و سندیگائی را بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پیاده کنند .

مردمی که این چنین خواست - هایشان در هوا معلق مانده ، بار سنگین همه محرومیت های ناشی از پیامدهای انقلاب ، محاصره اقتصادی ، جنگ ، کمبود و تورم و گرانی را بر دوش میکنند و تمام توان انقلابی خود را در خدمت جبهه و پشت جبهه قرار میدهند ، هر زمان که جبهه به رز مننده انقلابی نیاز دارد این مردم مستضعف و محروم داوطلبانه به جبهه می شتابند و هر گاه تدارک جبهه و پشت جبهه ، تولید بیشتر را می طلبد ، بازوی کار کارگر و دهقان در خدمت اعتلا تولید قرار می گیرد . توده های وسیع مردم زحمتکش با کار خود جبهه اقتصادی را تقویت می کنند با ایاقه های خون خود جبهه جنگ را پایداری و قهرمانی می بخشند و با صبر انقلابی در مقابل باد شوری های زندگی روز مره ، توطئه ضد انقلاب را در ناراضی - تراشی ، در نا امید ساختن مردم از انقلاب و در ایجاد شکاف میان دولت و مردم عقیم می گذارند . ولی آیا صبر انقلابی این مردم متحمل و رز منده و بخشاینده بی پایان است ؟ آیا میتوان همواره از آنان ایثار طلبید و محرومیت پاداش داد ؟ مسلمانان ، اینجاست که امام خمینی به دولتمردان جمهوری اسلامی ایران مدبرانه هشدار میدهند که :

"... آنها (یعنی ضدانقلاب) با یک نقشه هائی بین دولت و ملت شکاف ایجاد میکنند ، بین دولت و روحانیت شکاف ایجاد میکنند . این شکاف کم کم اگر زیاد شد ، اسباب نا رضایتی شده مردم بر دولت منحرف میشوند ."

امام خمینی دولت را در خدمت مردم میخواهند و میگویند : "دولت در خدمت مردم است ." مردمی که به قول پرارج امام خمینی : "اگر مردم نبودند ، خصوصاً این مستضعفین ، جنوب شهری ها ، با صلاح پابرنه ها ، اگر اینها نبودند شاها پادرس حبس لان بودید ، پادرس تبعید بودید پادرس انزوا ... آنی که شما را از آن رنج و آزار عذاب و آزار گرفتاری بیرون آورد و به مقام دولت رساند ، این مردم بودند ." پس باید سرانجام به استقبال خواست های این مردم شتافت ، زیرا که اگر همه فرصت ها از دست برود ، راه برای ضد انقلاب گشوده خواهد شد .

و ایجاد شرایط برای بالندگی آن ، بویژه در شرایطی که امپریالیسم هزار چهره با هزاران فن و حیل رو در روی نظام جمهوری اسلامی ایران ایستاده و ضد انقلاب مامور و مزدور ، پشت مرز های ایران به انتظار نشسته است ، تنها با همکاری همه نیروهای پشتیبان انقلاب میسر است ، تنها در صورتی میسر است که بخشهایی از نیروهای پاسدار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آگاهانه با نا آگاهانه ، خواسته یا ناخواسته ، بی - بال و پیر نشوند و امکان فعالیت خلاق و سازنده از آنان سلب نگردد . رانندن این نیروها به هر بهانه و با هر انگیزه فقط و فقط بسود امپریالیسم جنایت پیشه و توطئه گر تمام خواهد شد ، که مدافعان صمیمی انقلاب را متفرق و پراکنده و رودرو می خواهد و وحدت و انسجام آنانرا به حق برای خود خطر می شمارد .

حاکمیت انقلابی باید این سلاح را از کف دشمن بر باید که نظام جمهوری اسلامی ایران دوست و دشمن نمی شناسد و همه را بایک چوب می راند ، باید میان نیروهای پشتیبان انقلاب و گروهکهای خرابکار و توطئه گر ، دقیقاً مرز بندی به عمل آید ، اولی امکان فعالیت سیاسی قانونی باشد و دوم سرکوب شود ، باید سرانجام قانون به عمل در آید و مواعید فعلیت یابند .

لئونید برژنف:

(در زمینه روابط اتحاد شوروی با جمهوری فدرال آلمان)

اتحاد شوروی احدی را تهدید نمی کند و قصد ندارد

به احدی حمله کند

اخیرا لئونید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدراعظم شوروی عالی اتحاد شوروی، مصاحبه‌ای با هیئت تحریریه مجله "شیگل"، منتشره در آلمان فدرال بعمل آورد. از نظر اهمیت مسائلی که در این مصاحبه مطرح شده، ترجمه آن، در دو قسمت، به اطلاع خوانندگان گرامی اتحاد مردم می‌رسد.

سؤال: شما سومین بار است که بطور رسمی به جمهوری فدرال آلمان مسافرت می‌کنید. از زمان آخرین مسافرت شما در سال ۱۹۷۸ اوضاع جهان از ثبات کمتری برخوردار است و از بعضی لحاظ خطرناک تر شده است. بعقیده شما جمهوری فدرال آلمان، در اوضاع و احوالی که بوجود آمده، چه نقشی می‌تواند داشته باشد و شما در این زمینه چه اهمیتی برای مذاکرات قریب الوقوع خود درین قائلید؟

جواب: از این مطلب شروع می‌کنم که خوشحالم مجدداً از کشور شما دیدن کنم. من دوبار در جمهوری فدرال آلمان بودم. در هر دو مورد مذاکرات و ملاقاتهای مفیدی صورت گرفت. من با رضایت خاطر از آنها یاد می‌کنم.

سفر قریب الوقوع من به جمهوری فدرال آلمان بنا به دعوت صدراعظم اشمیت، ادامه طبیعی خط مشی همکاری متقابل مفید میان کشورهای ما و بسط و توسعه عملی و سازنده مناسبات اتحاد شوروی و آلمان غربی بر اساس قرارداد سال ۱۹۷۰ است این خط مشی ما با تمام صراحت و قاطعیت درکنگره‌های بیست و چهارم و بیست و پنجم و بیست و ششم تأیید شده است. ما می‌دانیم که در بین نیز مناسبات میان جمهوری فدرال آلمان و اتحاد شوروی بعنوان عنصر مهمی از سیاست جهانی ارزیابی می‌شود، که صلح پایدار در اروپا بستگی زیادی به آن دارد.

در بین با صدراعظم هلموت اشمیت و دیگر رهبران جمهوری فدرال آلمان ما در باره تمام مسائل مذاکره و تبادل نظر خواهیم داشت. آنطور که من تصور می‌کنم حالا این موضوع اهمیت خاصی دارد که هر یک از دو کشور هر چه اقداماتی در جهت حل و فصل مبرم ترین و فوری ترین مسئله‌ای که برای بشریت مطرح است، یعنی مسئله جلوگیری از وقوع فاجعه هسته‌ای و ایجاد دورنمای قابل اطمینان برای صلح می‌تواند انجام دهد.

هر دو کشور ما بارها به نفع برقراری تعادل نظامی در اروپا در پائین ترین سطح ممکنه، از جمله در زمینه تسلیحات هسته‌ای، اظهار نظر کرده‌اند. اما مسئله آن است که این کار چگونه انجام شود؟ در این مورد ما نظریات متفاوتی داریم. ولی باید راه حلی برای آن یافت. بخاطر دارم که در اعلامیه مشترکی که در ماه مه سال ۱۹۷۸ به امضاء من و صدراعظم اشمیت رسید، هر دو طرف بطور واضح به نفع این موضوع اظهار نظر کردند که، هیچکس در صدد کسب برتری نظامی نباشد، و اظهار داشتند که برابری و تناسب تقریبی برای تأمین دفاع کفایت میکند. ما اکنون نیز به این موضوع معتقد هستیم. این همان زیربنای و مبداء برای مذاکرات بعدی است.

شما درباره نقش جمهوری فدرال در شرایط دشوار کنونی جهان سؤال کردید. فکرمی‌کنم که در اوایل دهه ۸۰، درست همانند اوایل دهه ۷۰، جمهوری فدرال آلمان در برابر اتحاد یک تصمیم اصولی قرار دارد. آیا خط

مشی که آسهمه در سیاست اروپا و جهان برای جمهوری فدرال آلمان نفوذ و اعتبار تأمین نمود، ادامه خواهد یافت و توسعه بیشتری حاصل خواهد نمود، یا اینکه سرمایه‌های که در این سالها اندوخته شد، صرف مقابله‌های بی‌ثمر و خطرناک خواهد شد؟ میل دارم امیدوار باشم که در نتیجه مذاکرات و گفتگوهای ما با صدراعظم اشمیت و دیگر شخصیت‌های دولتی و سیاسی جمهوری فدرال آلمان، اطمینان متقابل به آن که کشورهای ما خط مشی آزمایش شده‌ای را که صحت خود را بشبوت رسانده است، دنبال کنند، افزایش خواهد یافت. به این معنی که به اعتماد با اعتماد پاسخ خواهند داد، آنچه را که بدست آمده است، حفظ خواهند نمود و بطور خستگی ناپذیری همکاری دو جانبه در زمینه‌های مختلف را بسط و توسعه خواهند داد. این خط مشی می‌تواند در مساعی مشترک برای جلوگیری از مسابقه تسلیحات و برای تقویت تشنج زدایی و امنیت بین‌المللی سهم موثری داشته باشد.

سؤال: در گذشته امیدهای بسیار زیادی به طرح‌های اقتصادی مشترک بسته می‌شد. آنظر شما دورنمای همکاری اقتصادی دو کشور ما در شرایط فعلی از چه قرار است؟

جواب: بنظر ما همکاری اقتصادی میان اتحاد شوروی و جمهوری فدرال آلمان پیشرفت بدی نداشته و آینده خوبی می‌تواند داشته باشد.

جمهوری فدرال آلمان، امروز یکی از طرفهای عمده تجاری اتحاد شوروی در میان کشورهای غربی است. در اتحاد شوروی برای وقت و حسن انجام کار طرف - های آلمان غربی ما، در اجرای تعهداتی که در قبال موافقت نامه‌ها و قراردادهای اقتصادی بعهده گرفته‌اند ارزش زیادی قائلند. ما البته به همین ترتیب پاسخ می‌گوئیم.

تا حدی که من می‌فهمم، بسط و توسعه روابط اقتصادی دراز مدت و با مقیاس بزرگ با اتحاد شوروی، به جمهوری فدرال آلمان کمک می‌کند که مسائل جدی را که در زمینه اقتصاد آن وجود دارند، حل و فصل نماید. کشور شما به اندازه کشورهای دیگر احتیاج به منابع قابل اطمینان انرژی و مواد خام و مصالح و سفارش‌های خارجی برای تأمین اشتغال سکنه دارد. برای اتحاد شوروی نیز همکاری با جمهوری فدرال آلمان در یک سلسله رشته‌های مهم حیات اقتصادی ما مقرون به صرفه است.

این موضوع نیز اهمیت زیادی دارد که روابط اقتصادی ما فقط ناشی از مقتضیات روز نیست، بلکه دورنمای وسیعی دارند. نمونه خوبی از این نوع همکاری بنظر من بعضی از طرح‌های مشترک ماست، که حتی به قرن بیست و یکم هم می‌رسد. این روابط البته فقط جنبه اقتصادی ندارند. آنها به مفهوم خوب این کلمه اهمیت سیاسی هم دارند. جهت گیری در سمت دورنماهای دراز مدت در روابط اقتصادی، همان سنگبری در جهت همزیستی مسالمت آمیز پایدار و حسن همجواری است.

اجلاس کمیسیون مختلط شوروی و آلمان غربی در امور اقتصادی و علمی و فنی و گفتگوهای تیخونف رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی با لایسندورف وزیر اقتصاد فدرال و دیگر نمایندگان جمهوری فدرال آلمان در اینبار، با همین هدف، با آینده نگری برگزار شد.

طبق نتایج این اجلاس پایه و اساس محکمی برای بسط و توسعه بعدی

روابط ما وجود دارد. ما جدی بودن روش جمهوری فدرال آلمان را نسبت به معامله تجاری مربوط به صدور گاز شوروی در مقابل صدور لوله و دربار ساختمان لوله‌گاز بین سیبری و اروپا با شرکت آلمان غربی احساس کرده‌ایم. امکانات دیگری هم برای همکاری متقابل مفید پدید آمده است.

می‌خواهم یک مطلب دیگر هم درباره همکاری اقتصادی ما بگویم و آن این است که، همکاری اقتصادی ما به کسی آسیب و خسارت وارد نمی‌آورد و در نهایت امر به نفع همگان تمام می‌شود، زیرا مابین صلح رادر اروپا و در تمام جهان تقویت میکند.

اتحاد شوروی احدی را

تهدید نمی کند و قصد ندارد

به احدی حمله کند

سؤال: امروزه روابط میان شرق و غرب بطور جدی متشنج شده است شما وضع جهان، از جمله سرنوشت تشنج زدایی را که بنظر بسیاری از سیاستمداران تقریباً بازگشت ناپذیر بود، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب: دنیا امروز آرام نیست. در بخشهای مختلف جهان "نقاط داغ" بوجود می‌آید. مسابقه تسلیحات مرمکار ادامه دارد. انواع جدید سلاح‌های تولید می‌شود. خطر این سلاح‌ها در آن است که، بقول کارشناسان، وقوع جنگ هسته‌ای رانزدیکتری کند. یعنی، بروز آن را محتمل تر می‌سازد. در این شرایط اظهارات بعضی از استراتژیست‌ها و سیاستمداران غربی درباره مجاز بودن نوعی "جنگ محدود" هسته‌ای و امکان پیروز شدن در آن بسیار مزورانه به نظر می‌رسد.

شاید بعضی‌ها امیدوار هستند که میتوان جنگ هسته‌ای را تنها به خاک اروپا محدود نمود و این راه را برای خود راه قابل قبولی میدانند. ولی آیا این راه برای مردم اروپا هم قابل قبول است؟ این راه برای آنها در حکم مرگ است، در حکم فاجعه‌ایست که منجر به نابودی کامل خلق‌ها و تمدن چندین صدساله در اروپا خواهد شد.

ولی اگر در ماهیت امر صحبت کنیم جنگ هسته‌ای "محدود" اصولاً ممکن نیست وجود داشته باشد. اگر جنگ هسته‌ای شعله‌ور گردد، خواه در اروپا باشد و خواه در هر یک از نقاط دیگر، بطور مسلم و اجتناب ناپذیر جنبه جهانی پیدا خواهد کرد، منطق خود جنگ، جنبه تسلیحات امروزی و مناسبات بین المللی این وضع راناکزیر خواهد کرد. این وضع را باید به روشنی دید و درک کرد.

بنابراین، کسانی که احتمالاً حسابشان آنشزدن به انبار هسته‌ای و پناه گرفتن در گوشه و زوایاست، نباید دل خود را به رویاها خوش کنند. چندی پیش در صفحات مجله "شما" مصاحبه‌ای بایک دانشمند، که او را "پدر" بمعنی نوترونی آمریکا مینامند، درج شده بود. او این جمله را بکار برد: "همه انسان‌ها موجودات عجیب الخلقه‌ای هستند." دختر او که در این مصاحبه حضور داشت، سؤال کرد: "پس توهم یک موجود عجیب الخلقه‌ای هستی؟" او پاسخ داد: "بله." و افزود که: "جنگ جز طبیعت انسان است."

این یک نمونه بارز از روان شناسی ضد بشری کسانیست که امروزه با این همه سعی و کوشش در صدد دامن زدن

به مسابقه تسلیحات هسته‌ای هستند. در ضم، حساب‌های آنان روشن است. می‌خواهند از هشیاری مردم اروپا کاسته شود و آنها را عادت دهند، تا همین اسلحه نوترونی را بتوان یک چیز عادی و وسیله "دفاعی" خلاصه به عنوان چیزی نظیر سرنیزه یا نارنجک تلقی کنند. در حالیکه در حقیقت امر به هیچوجه اینطور نیست. آخر، به طوری که کارشناسان می‌گویند، چند خرج نوترونی کافیهست تا تمام موجودات زنده در شهری مثل هامبورگ نابود شوند.

بیان این مطالب تا مطلوب است. اما حقیقتی را که به سرنوشت همه مربوط است باید با صدای رسا و بطور صریح اظهار کرد. این موضوع را باید تادیر نشده و تا موقعیکه هنوز میتوان از مصیبت جلوگیری نمود، اظهار داشت. ایجاد اسلحه نوترونی از نظر فنی مسئله‌ای نیست. مسئله واقعی همان مسئله سیاسی و بشر دوستانه است که، چگونه باید از پیدایش و بکار بردن این اسلحه جلوگیری نمود. یکبار اروپائی‌ها توانستند به این امر نایل شوند. اکنون نیز این قدرت را دارند.

در بعضی از پایتخت‌های کشور - های عضو "ناو" ادعا میکنند که گویا تقصیر از اتحاد شوروی است که ابرهای سیاه افق دنیا را تیره کرده است. ولی اگر دست از افسانه‌های تبلیغاتی بر - داریم و به واقعیت‌ها رجوع کنیم، معلوم میشود که این یک دروغ عمدیست.

اتحاد شوروی احدی را تهدید نمی کند و قصد ندارد به احدی حمله کند. دکنترین نظامی ما، دارای جنبه دفاعی است. دکنترین مزبور جنگ‌های مقدماتی و نظریه "ضربه اول" را رد میکند. هم - چنین میتوانم با تمام مسئولیت بگویم که اتحاد شوروی در هیچ شرایطی از سلاح هسته‌ای بر ضد کشورهاییکه از تولید و امتیاع آن خودداری میکنند و فاقد آن در خاک خود هستند، استفاده نخواهد کرد. ما حاضریم بر اساس قرار دادی این موضوع را بدون هیچگونه حک و اصلاحی برای همه کشورهای متضمن نمائیم.

کوشش ما برای جلوگیری از فاجعه هسته‌ای بطور قانع کننده‌ای در اجلاس فعلی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، که اتحاد شوروی در این اجلاس ابتکار جدید و عملی مهمی ارائه داد، تجلی یافته است. در این ابتکار مهم تر از همه آنستکه، احدی هرگز در بکار بردن سلاح هسته‌ای پیشقدم نشود. حال اگر هیچکس در بکار بردن آن پیشقدم نشود، بنا - بر این اسلحه مزبور اصلاً بکار انداخته نخواهد شد.

و حال که صحبت به مواضع اتحاد شوروی نسبت به مسائل جنگ و صلح کشیده‌است، اجازه دهید مطلب دیگری هم اظهار نمایم. ما، بطوریکه اطلاع دارید، قرارداد دوم مربوط به محدود کردن تسلیحات استراتژیک تهاجمی - "سالت - ۲" را با ایالات متحده آمریکا امضاء کردیم و حاضر بودیم بطور شرافتمندانه این قرارداد را اجرا کنیم.

ما پیشنهاد میکنیم که نه تنها در خصوص قطع همه گونه آزمایش سلاح هسته‌ای، بلکه درباره قطع تولید آن هم توافق کنیم، تا ذخایر آن را محدود و متعاقب آن، ذخایر مزبور را به کلی نابود سازیم.

ما پیشنهاد میکنیم که در یک قرارداد، تولید هر نوع جدید سلاح کشتار جمعی ممنوع گردد. ما پیشنهادهای مشخص، سنجیده، و عادلانه‌ای درباره کاهش تشنج و رفع کانون‌های مناقشه در مناطق گسترده، از اروپای مرکزی تا خاور دور، که شامل

خاور نزدیک، منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند نیز میگردد ارائه دادیم. متأسفانه کشورهای عمده دنیا، غرب، و قبل از همه کشورهای عضو بلوک "ناو"، هنوز نسبت به مذاکره درباره تمام این مسائل مهم حیاتی برای بشریت و آینده صلح آمیز آن تمایل جدی ابراز نمی‌دارند. در آنجا بعضی‌ها با تمایل به مراتب بیشتری نیاز تشنج زدایی، بلکه از رویارویی، نه از همکاری مسالمت - آمیز متقابل مفید، بلکه از استفاده از بازگانی جهت مقاصد نظامی - استرا - تژیکی، نه از حصول توافق بر مبنای برابری و امنیت یکسان، بلکه از تحکم از موضع توفیق نظامی، نه از بر طرف کردن کانون‌های مناقشه از راه تشریک مساعی، بلکه از ایجاد پایگاه‌های نظامی تازه و تازه سترو افزایش حضور نظامی خود در نقاط مختلف جهان، نه از مهار کردن مسابقه تسلیحاتی، بلکه از "تسلیم مجدد"، نه از محدود کردن یا منع این ویلان نوع اسلحه، بلکه از تولید و وسایل مخرب تر جدید امحاء جمعی مردم سخن می‌گویند. و متأسفانه تنها می‌گویند، بلکه عمل هم میکنند. منظور من قبل از همه سیاست دولت فعلی ایالات متحده آمریکا است. این سیاست تاکنون، چه در اظهارات رجال دولتی بلند پایه آن کشور و، از اینهم مهم تر، در اقدامات عملی آنها بازتاب یافته است.

همه اینها عملاً در خلاف جهت تشنج زدایی و معایر با تمایل تمام ملت - های صلح پایدار است. و البته مایه تأسف عمیق است که رهبران یکی از بزرگترین کشورهای جهان مقتضی دیده - اند که سیاست خود را بر چنین مناسباتی بنا نهند. و اما آنچه که مربوط به اتحاد شوروی است، همانگونه که من بارها گفته‌ام، ماصمیمانه می‌خواهیم که با ایالات متحده آمریکا روابط عادی مبتنی بر احترام متقابل با ملحوظ داشتن حقوق و منافع یکدیگر داشته باشیم. قزون بر این، ما می‌خواهیم که با ایالات متحده آمریکا روابط حسنه داشته باشیم و به نام تحکیم صلح در کره زمین همکاری کنیم.

اکنون مذاکرات شوروی و آمریکا درباره محدود کردن سلاح هسته‌ای در اروپا در پیش است. در این باره من باز هم سخن خواهم گفت. بدنبال این مذاکرات، بطوریکه ما امیدواریم، مذاکرات سالت (محدود کردن سلاح - های استراتژیکی) در یک جایی شروع خواهد شد. ما، هم این مذاکرات و هم مذاکرات دیگر را شرافتمندانه و سازنده انجام خواهیم داد و برای حصول توافق عادلانه، البته با در نظر گرفتن منافع امنیت مردم شوروی و دوستان و متحدانش خواهیم کوشید.

تازگی پوزیدنت ریگان اظهار داشت که ایالات متحده آمریکا آماده است که با اتحاد شوروی سایر مسائل مورد اختلاف بین دو کشور را نیز مورد بررسی قرار دهد. ما باین ابراز آمادگی تبریک می‌گوئیم، زیرا همیشه مذاکرات را بهترین وسیله مناسب برای حل مسائل بین المللی می‌شمریم. بدیهی است که نکته عمده آنست که گفتار درست، با کارهای متناسب در عمل تثبیت شود.

آرزوی نیل به برتری نظامی

بر اتحاد شوروی بهتر است

که بدور افکنده شود

و اما آرزوی نیل به برتری نظامی بر اتحاد شوروی، بهتر است که دور افکنده شود. اگر لازم آید، مردم شوروی امکان اتخاذ هرگونه تدبیر تکمیلی را دارند، که تمام اقدامات لازم جهت بقیه در صفحه ۱۷

متحدان بنی صدر - سرمایه‌داری لیبرال - ۵

برنامه دولت لیبرالی

برای سرمایه‌داران همه چیز، برای کارگران هیچ چیز

اشاره

بعد از بررسی رتوس کلی سیاست‌های سرمایه‌داری لیبرال ایران، این متحد اصلی بنی صدر فراری، در شماره گذشته نشان دادیم که لیبرال‌ها نامه حواسپرتی بر حق مردم ما محالفت کردند آنها همگامیکه دولت رادردست داشتند با هر نوع ملی شدن، از مدرسه گرفته تا بانکها و صنایع، مخالفت کردند، به جای مسکن وعده بخورد مردم دادند

مطلب را دنبال می‌کنیم:

دولت لیبرالی که برای رابطه با آمریکا، برای بازگرداندن سرمایه دارها و برنامه‌ها اشتباه کار کرده و از حجت‌نشان بیگار مملکت که می‌رسید چنان "فکرهای سگری به سرش می‌زد که درخشش آن چشم‌ها را خیره می‌کرد:

... برای سیکاران رسمی یک صندوق وام موقت برای عمارت که مختصری به آنها کمک شود ... روبرو می‌شود ... (مهندسین بازرگان، اطلاعات، ۵۸/۱/۲۶)

در لایبلائی این کلمات، جز تحقیر، جز بی‌نوعی به وضع زحمتکشان این مملکت چه می‌بینید؟ آیا از آن ترحم نسبت به هویداها و مقدم‌ها و سرمایه‌دارهای فراری وابسته به شاه و آمریکا در اینجا اثری دیده می‌شود؟ تصور نخست وزیر دولت لیبرالی از "مختصری" حدود، تا کی بود؟ بقیه‌ها را بخوانید: ... آنهایی که کاردارند و حقوق می‌گیرند، بشکرانه این نعمت و موهبت الهی که هم کار دارند و هم حقوق می‌گیرند، از آنها تقاضا (می‌کنیم) وام شرافتسی برای اینکه به خواهران و برادران جوانشان، که هنوز دستشان به کار نرسیده و آماده نگار هستند، به آنها بدهند. اسم این طرح را گذاشته‌ام وام شرافتی ... (همانجا)

تازه اسم این طرح را هم در دوره رژیم گذشته پیدا کرده بودند و ربطی به "ابتکار" دولت لیبرال نداشت.

سیر صعودی قیمت‌ها

دولت لیبرالی، صرف نظر از این که می‌توانست یا نه، نمی‌خواست که قیمت‌هایی را که "سرمایه‌داران مظلوم" بالا می‌بردند، به نفع زحمتکشان مهار کنند. در دوران دولت موقت از کنترل قیمت‌ها تنها حرف زده می‌شد، اما در عمل پایه گران‌ترین بسیاری از کالاهای ضروری نیاز

مطبوعات سرمایه‌مالی بین‌المللی چند روز پیش اطلاعاتی به هیجان انگیز بزرگترین کنسرن شیمی ایالات متحده آمریکا منتشر ساختند: دو بیون دی‌نمورز به کنسرن کونوکو، که به همین شرکت بزرگ نفتی ایالات متحده آمریکا دو مین تولید کنند هذغال سنگ این کشور است پیشنهاد آمیزش دو کنسرن را کرد. در این "والت دوفیل"، آنگونه که در زبان بورس بورس بازان رایج است، یکی از طرفین، یعنی دو بیون دی‌نمورز در سال گذشته ۱۳/۷ میلیارد دلار درآمد داشت و دیگری، یعنی کونوکو نزدیک به ۲ میلیارد دلار. بدین ترتیب، چنانچه "والت نامبرده" صورت گیرد، این سوپر کنسرن در لیستی که فورجون، مجله اقتصاد آمریکا، هر ساله از ۵۰۰ کنسرن بزرگ آمریکا منتشر می‌کند، در مقام هفتم قرار خواهد گرفت. "والت فیل‌ها" - که هنوز قطعی

مردم در این دوران ریخته‌شد. ... چند روز پیش شیر گران شد ... گران‌ترین شیر در شرایطی اعلام می‌شود که قیمت‌ها دارند بالای می‌روند و به مزخرف می‌رسند ... (۱۰ مهر ۵۸ - انقلاب اسلامی)

در توضیح گران‌ترین شیر مدیر عامل شرکت شیرگفت: ... دولت هر ساله مبلغ قابل ملاحظه‌ای به دامداران کمک می‌کرد، تا شیر به قیمت ارزان به دست مصرف‌کننده برسد. ولی شورای اقتصاد تصمیم گرفت، این را به تدریج قطع کند ... (همانجا)

ناتوان هم در این دوران گران‌شد، قیمت گوشت به کیلویی ۷۰ تومان رسید، سم برای کشاورزی گران‌شد و ... البته بخشی از این گران‌ترین طبیعی بود، زیرا: ... کشورهای خارجی برای ما محاصره اقتصادی بوجود آورده‌اند. کشورهای خارجی مواد اولیه را در اختیار ما قرار نمی‌دهند و یا قیمت آنها را سه‌برابر آور بالا برده‌اند و حتی بعضی مواقع که مواد اولیه خریداری می‌کنیم، حرکت به گشتی نمی‌دهند ... (احمد زاده وزیر صنایع و معادن، ۱۹ مهر ۵۸ - کیهان)

اما می‌شد تا یک سیاست انقلابی و مردمی با این محاصره‌ها مقابله کرد. ولی دولت موقت نه تنها در این مورد چاره‌اندیشی نمی‌کرد، بلکه برعکس، پایگاه داخلی امپریالیسم، یعنی بزرگ‌زمین‌داران و کلان سرمایه‌داران وابسته را تقویت می‌کرد. بی‌جهت نبود که در کنار گران‌ترین با کمبود مصنوعی کالاها نیز رو برو بودیم. تخم مرغ و بود درختشویی از همان اوان در بازار نایاب شد. ولی نخست وزیر دولت لیبرالی، به جای مقابله بنیادی با این امر، از کارگران می‌خواست که فکر بالا بردن دستمزد نداشتند. سرمایه‌داران مجاز به بالا بردن قیمت‌ها بودند، امپریالیسم جهانی سرگردگی آمریکا مجاز به محاصره اقتصادی و توطئه علیه کشور ما بود، اما کارگر و کشاورز و قبیله زحمتکشان باید سربزه زبری مانند و فقط در جهت سازندگی کشور مجاهدانه تلاش نمایند ... (کیهان، ۲۷ اسفند ۵۷)

و البته دستمزد این تلاش، همان چیزی بود که در زمان شاه بود: هیچ! برای کارگران: هیچ!

سیاست دولت لیبرالی در صنعت نفت - مشت نمونه خروار - "مشروطه نیست، چون در این میان فیل‌های منقول دیگری نیز به خواستگاری از "عروس" دلریا آمده‌اند - نمونه‌ای از روند گران‌ترین سرمایه‌داری که در دوران اخیر با شدت بیش از پیش، چه در مهم‌ترین کشورهای سرمایه‌داری و چه در جهان سرمایه‌داری بطور کلی در جریان است. در ایالات متحده آمریکا تنها در سه ماه نخست سال میلادی ۱۹۸۱، ۲۵ "والت" بیش از ۱۰ میلیون دلاری به وقوع پیوست.

در آلمان غربی نیز کنسرن‌های هر چه بیشتری در هم می‌آمیزند، به گزارش "اداره فدرال کارتل‌ها" در سالهای ۸۰-۱۹۷۹، روی هم رفته ۱۲۷۳ "والت" صورت گرفت. در صنعت و بخش مالی

چگونه چند ملیتی‌ها "ازدواج" می‌کنند

بریتانیا نیز گرایش‌ها همانند دیده می‌شود. در سال ۱۹۷۹، در کشورهایی پیشرفته سرمایه‌داری ۴۹ "والت" صورت گرفت، که ۴۹ میلیارد دلار در آمد و ۳۳۰۰۰۰۰۰ دلار را شامل می‌گردد. جالب آنکه در سال ۱۹۷۹ افزایش شماره "والت" - های میلیاردی دوباره افزایش تعداد همه "والت" ها بود.

آمیزش انحصارات در سوپر انحصارات در چارچوب ملی و بین‌المللی حاکی از رقابت سرسختانه‌ایست که هم میان کنسرن‌ها و هم بین مراکز قدرت امپریالیستی در جریان است. رقابت و هم‌چنین قدرت‌ها و مراکز امپریالیستی برای بازآرایی و در جستجوی منابع انرژی مواد خام و تکنولوژی جدید بی‌بسته‌شد



بیش نیست ... (همانجا) - باز هم لولوی کمونیسم!

لیکن انجمن‌های اسلامی کارکنان صنایع نفت، بهداشت و بهداشت صنعت نفت، کانون فتح، سنادجهاد سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آبادان در نامه‌ای به امام خمینی، ضمن انتقاد از سخنان مهندس بازرگان یادآور شدند که:

"... مهندس بازرگان بدون اطلاع از واقعیت ... انجام هر گونه انتقادی را از سوی مردم عمل ضد - انقلابی می‌خواند ... (کیهان، ۳ مهر ۵۸) حسن نرینه بعدها به بختیار در پاریس پیوست! (ادامه دارد)

امانخت وزیر دولت لیبرال به جای رسیدگی به این امر، به دفاع از نرینه و انتقاد از کسانی که از کارکنان شرکت ملی نفت (البته کارکنان لیبرال

پسند) خرده می‌گیرند، پرداخت و گفت: ... این توطئه‌ها و سخن چینی‌ها علیه کارمندان و خدمات آقای نرینه به دست یک توده خرابکار تا گوش امام رسید بود و وقتی که خدمات امام رسیدیم، دیدیم که از کاهی کوهی ساخته‌اند ... (کیهان - اول مهر ۵۸)

بعدهم این فتوای لیبرالی که: "چپ‌گرایان افراطی به انواع مختلف در کار شما اخلال می‌کنند. سعی دارند کاسه داغ تراش باشند. آنها می‌خواهند کلیه متخصصین و کارشناسان خود را اخراج کنیم، ولی اینها تصویری

می‌گراید. بدین ترتیب تا نیر سیاسی و اقتصادی سوپر کنسرن‌ها بر سیاست دولت‌های امپریالیستی هر چه بیشتر می‌شود. گرایش بین‌المللی شدن سرمایه سبب می‌گردد که کنسرن‌های قدرتمند در دیگر کشورها نیز در جستجوی "عروس" باشند. در این زمینه، بویژه، کنسرن‌های آلمان غربی و بریتانیا بی‌پیشگام هستند. برای نمونه، بایر، آ.ک.، کنسرن شیمی غول پیکر جمهوری فدرال آلمان کنسرن فتوشیمی آگفا-گورت را، که هنوز بلژیک در آن دارای سرمایه‌هنگفتگی است، به تصاحب خود در خواهد آورد آگفا-گورت با افزایش قیمت مواد خام، هر چه بیشتر در ورطه ورشکستگی قرار می‌گرفت، کنسرن بایر با تصاحب آگفا-گورت، که در اروپای غربی در میان کنسرن‌های فتوشیمی در مقام دوم قرار دارد، رقابت - پذیری خود را با کنسرن‌های آمریکایی، بویژه کداک، افزایش خواهد بخشید.

با تحکیم و تقویت صف متحد نیروهای مردمی و ضد امپریالیستی جبهه متحد ضد انقلاب را در هم شکنیم!

بمب‌های ترکید

هواپیماهای استراتژیک امریکایی ب - ۵۲ که قادر به حمل بمب‌های هسته‌ای هستند از پایگاه‌های خود در داکوتای شمالی بر می - خیزند و پس از طی مسافتی در حدود ۶ هزار میل ، بمب‌های خود را در منطقه‌ای واقع در غرب مصر ، نزدیک مرز لیبی ، فرو می‌ریزند و سپس به پایگاه‌های خود باز میگردند . و باین مبارزات آنها مرحله دوم مانور "ستاره درخشان" امریکایی آغاز میشود . بمب‌ها هنوز خرج هسته‌ای ندارند و تنها بمب‌های کوه پیکر انفجاری هستند . اما تعویض این بمب‌ها با بمب‌ هسته‌ای فقط به چند دقیقه وقت نیاز دارد . مانورهای "ستاره درخشان" تا اوایل سال آینده مسیحی (۱۹۸۲) طول خواهد کشید . منطقه مانور بخش وسیعی از شمال آفریقا تا خلیج فارس را در بر میگیرد . هدف اصلی از اجرای این مانور ، که مطبوعات آمریکا آنرا بزرگترین "نمایش قدرت" آمریکا در خاورمیانه پس از جنگ دوم جهانی می‌نامند ، آزمایش کارایی "سپاه واکنش سریع" آمریکا برای اشغال منابع نفتی خلیج فارس است . البته مانور هدف فرعی دیگری نیز دارد و آن ارباب لیبی است ، که سیاست مستقل ضد - امریکایی آن موی دماغ شیطان بزرگ دزد جهان عرب و آفریقا شده است .

تفسیر وقایع مهم جهان



توطئه‌های امپریالیسم رانقش برآب کند . باید این نیروی بالقوه را به حرکت درآورد ، و متحد ساخت ، آنرا با نیروهای دیگر انقلابی جهان پیوند داد و جنبه متحد ضدانقلابی جهانی را درهم شکست . حافظ اسد رئیس جمهور سوریه ، که بعنوان رهبر یکی از کشورهای خط مقدم جنبه تاکنون نقش موثری در پایداری خلق‌های عرب در برابر تجاوز اسرائیل ایفا نموده است ، طی سخنان خود در پارلمان سوریه گفت : "تنها راه مقابله با طرح‌های امریکا و تل - آویو تقویت قدرت و امکانات اعراب و تحکیم پیوندها با دولت‌های دوست و در درجه اول با اتحاد شوروی و سایر کشورهای اروپای شرقی است ."

تفرقه افکنی و اثرات آن

چندی پیش استیوئی تحقیقات استراتژیک آمریکا تحلیلی درباره جنگ عراق و ایران منتشر کرد و با اصطلاح "تجریبات" این جنگ را شرح داد . یکی از نتایجی که تحلیلگر این استیوئی از جنگ عراق و ایران گرفته بود ، این بود که کشورهای رشد یافته به سادگی میتوانند "خرخره یکدیگر را بچونند" . به عبارت دیگر ، امپریالیست‌ها به سادگی می‌توانند کشورهای رشد یافته را ، که منافع نیایدی آنها ایجاد میکند در جنبه واحدی بر ضد - امپریالیسم ، دشمن اصلی خود میارزه کنند ، با دسایس گوناگون و بوسیله عوامل خود به رویا - رویی بایکدیگر وادار سازند . مکانیسم این تفرقه افکنی بسیار پیچیده تر از آنست که به ظاهر نمایان میگردد . هم اکنون اهرم‌های این سیاست ظریف تفرقه افکنی در منطقه ما به کار افتاده است . طرح فهد تازه ترین نمونه آنست . در زرادخانه امپریالیسم و صهیونیسم صد ها حيله از این نوع برای تفرقه افکنی در بین دشمنان شان وجود دارد . نمیتوان گفت که امپریالیسم و صهیونیسم در پیش برد این سیاست خود موفق نبوده اند . هم اکنون اعراب در آستانه تشکیل کنفرانس سران کشورهای عربی از هر زمان دیگر پراکنده ترند . در این میان دسایس امپریالیسم برای جلوگیری از حل "مسئله افغانستان" ادامه دارد . چندی پیش ایندیرا گاندی نخست وزیر هندوستان گفت که "مسئله افغانستان" را می - توان در ظرف چند هفته حل کرد ، اما غرب به پاکستان فشار وارد میکند ، که با افغانستان وارد مذاکره نشود . گاندی افزود که آمریکا میخواهد "مسئله افغانستان" را معلق نگاهدارد . تا بتواند از آن در جنگ سرد خود علیه اتحاد شوروی استفاده کند .

مصمم هستیم . اما تجربه انقلاب ایران و افغانستان ثابت کرد که نیروهای مترجع محلی ، حتی با پشتیبانی آمریکا و تمام پیشمینی‌هایی که برای بقای آنها انجام گرفته بود ، نتوانستند خود را در برابر ضربات جنبش‌های انقلابی حفظ کنند . اینک امپریالیسم امریکاراه حل نوینی اندیشیده است و آن اشغال مستقیم منابع نفتی در صورت بروز حوادثی نظیر انقلاب ایران و افغانستان است . مانور "ستاره درخشان" تمرینی برای تحقق این راه حل نهایی است که امپریالیسم امریکا حاضر است ، حتی با استفاده از بمب توترونی آنرا بیاد دهد . انتخاب منطقه عربی مصر بعنوان صحنه مانور ، چنانکه مقامات امریکایی بارها گفته اند ، از جهت تشابه قلبی و طبیعی آن با مناطق نفتخیز خلیج فارس انجام گرفته است . طرح مانور نیز با محاسبه درهم شکستن مقاومت خلق‌ها و کشورهای ضد امپریالیستی منطقه ریخته شده است . به ارتش‌های مصر ، پاکستان و اسرائیل هر یک در این طرح ما موریتی واگذار شده است . کشورهای عضو ناتو و بویژه ترکیه دوش بدوش امپریالیسم امریکا وارد عمل خواهند شد .

خطر عظیمی خلق‌های خاورمیانه و بخصوص میهن انقلابی ما را تهدید میکند . تهدید بس جدی است و راه دفع آن نیز به همین اندازه باید جدی باشد . نیروهای انقلابی منطقه ، بشرط آنکه متحد شوند و سیاست عاقلانه و سنجیده‌ای در پیش گیرند ، میتوانند توطئه‌های امپریالیسم امریکا را عقیم گذارند .

راه خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا

گسترش حضور نظامی امریکا در خاور میانه ، در همان حال که خلق‌ها و دولت‌های ضد امپریالیست منطقه را نگران ساخته ، عزم آنها را برای مقابله با توطئه‌های امپریالیسم آمریکا حزم تر کرده است . بی‌آبرویی امریکا و رژیم‌های وابسته به آن در منطقه ، شرایط عینی برای منزوی کردن و سرنگون ساختن رژیم‌های ارتجاعی و ضدانقلابی در منطقه فراهم آورده است . در خاورمیانه و نزدیک نیروی بالقوه انقلابی عظیمی وجود دارد که میتواند تمام

استراتژیک برای رویارویی با خطر شوروی گرد آورد . کشورهایی که در نزدیکی شوروی هستند ، برای ما نقش مهمتری دارند و در این مورد پاکستان که بین کشورهای خلیج و اتحاد شوروی قرار دارد ، از اهمیت ویژه ای برخوردار است . کمک‌های نظامی ماهه پاکستان به این منظور صورت میگیرد . عربستان سعودی با وجود ارائه طرح صلح خاورمیانه ، که برای ما قابل قبول نیست و از نظر امریکا فقط یک طرح صلح وجود دارد و آن نظر امریکا فقط یک است ، با قبول شناسائی ضمنی اسرائیل و قطع نامه ۲۴۲ سازمان ملل متحد در آرام ساختن بحران‌های منطقه نقش فعال داشته و می - تواند یکی از حلقه‌های مهم توافق‌های استراتژیک میان کشورهای خاورمیانه برای رویارویی با خطر شوروی باشد .

ترکیه به عنوان لنگرگاه جناح جنوبی ناتو و حمایت از حضور امریکا در مدیترانه شرقی برای ایالات متحده حائز اهمیت اساسی است . اگر از "خطر شوروی" که وزن شعر دائمی سخنان سیاستگران امریکایی است ، صرف نظر کنیم ، چهره دوستان و دشمنان امریکا در منطقه که مانور "ستاره" درخشان میخواهد به آنها شناخت بیشتری از نقش نیروهای ضربتی امریکایی بدهد ، در این سخنان هر یک به روشنی آشکار میگردد . مصر به دلیل قبول قرارداد کمپ دیوید ، پاکستان به علت نقشی که میتواند در مقابله با جنبش‌های انقلابی منطقه "بین کشورهای خلیج فارس و اتحاد شوروی" بازی کند ، عربستان سعودی از آنرو که اسرائیل را می‌شناسد و در جلوگیری از رشد نیروهای انقلابی و یا به گفته "هیگ" آرام ساختن بحران‌های منطقه "نقش فعالی دارد و ترکیه به دلیل حمایت از حضور امریکا در مدیترانه شرقی دوستان امریکاستند . هر یک از این دوستان ، با بهترین گوئی ، شریکان گرم نقشی در کمک به امپریالیسم امریکا در غارت خلق‌های منطقه به عهده دارند . ادامه این غارت نواستعماری وابسته به بودن و یا نبودن این دوستان است ، که هر یک از آنان نیز بدون تکیه به امپریالیسم امریکا نمیتوانند سرپا بمانند "ستاره درخشان" میخواهد به دوستان آنچنانی امریکا اطمینان بدهد که ما به پشتیبانی از شما

هزمان با این مانور دراز مدت ، تبلیغات گسترده‌ای نیز در سطح جهان و بویژه در میان کشورهای عرب وابسته به آمریکا درباره قدرت - مندی امریکا و تصمیم "قاطانه" باند ریگان در حفظ منافع "حیاتی" امریکا آغاز شده است . رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی و کشور - های مرتجع عرب عملیات فرود آمدن چتر بازها و پیاده کردن تانک‌ها ، توپ‌ها و سایر لوازم جنگی را با آب و تاب شرح میدهند تا فکر قدرت مندی و غلبه ناپذیری امپریالیسم امریکارا به شنوندگان و خوانندگان خود تلقین کنند و توده‌های مردم را به بیپرویی مقاومت در برابر نیروی به این سهمگینی متقاعد سازند .

رادیوی صدای آمریکا پس از شرح جزئیات مانور میگوید : "این نمایشی از سرعت و قدرت نیروی ضربتی امریکا برای دیگران است ، تا بدانند امریکا با چه کارایی و شتاب میتواند در منطقه‌ای دور نیرو پیاده کند . . . سال ۹۸۱ با این مانورها تمام میشود و در سر آغاز سال ۱۹۸۲ دوستان و دشمنان امریکا شناخت بیشتری از نقش نیروهای ضربتی امریکا خواهند داشت ."

دوستان و دشمنان امپریالیسم آمریکا

امپریالیست‌های امریکایی سال‌هاست کشورهای این منطقه را غارت میکنند و دهها سال است نفت را به قیمتی کمتر از آب برده - اند . این غارت نواستعماری همواره بر نظام - های وابسته در کشورهای نفتخیز (نظیر شاه ایران و ملوک سعودی و دیگران) متکی بوده است . موج انقلابی نیرومندی که در منطقه بر - خاسته ، واکنش این خلق‌ها در برابر آن غارت نواستعماری و این نظام‌های وابسته است . مرز بین دوستان و دشمنان امریکا در منطقه ما و در سراسر جهان نیز از همین جا میگذرد . دشمنی آنها با ایران انقلابی و افغانستان انقلابی و دوستیشان با عربستان سعودی و پاکستان بر این پایه بی ریزی شده است . نیروی جهنمی نظامی امریکا برای پیش بردن این سیاست غارتگرانه "سرعت و قدرت" خود را به نمایش میگذارد . رهوس این سیاست امریکا در خاورمیانه راهیک وزیر امور خارجه امریکا در برابر کمیته روابط خارجی مجلس نمایندگان امریکا چنین شرح داد : "امریکا میکوشد عربستان سعودی ، مصر ، اسرائیل و پاکستان را در یک اتحاد

تسخیر رودخانه لیتانی : هدف دیرینه صهیونیست‌ها

اهمیت فراوان است . از سوی دیگر ، صنعت لبنان نیز به این رودخانه وابسته است . سه نیروگاه آبی ، که در کرانه‌های لیتانی احداث شده است ، بخش اعظم تولید انرژی لبنان را تامین می‌کند . چنانکه تجاوز کاران صهیونیست نقشه خود را عملی سازند و مسیر لیتانی را برای آبیاری مناطق کشاورزی اسرائیل تغییر دهند ، باید انتظار پها مدهای فاجعه انگیزی را برای سراسر لبنان داشت .

"برنامه لیتانی ۲" را تدار کی بینند لیتانی ، با طول ۱۵۰ کیلومتری خود ، پرآب ترین رودخانه لبنانی است . این رودخانه پس از جریان در دشت بقاع به سوی غرب سرازیر می‌شود و در نزدیکی شهر بندری صور ، در حدود ۳۰ کیلومتری مرز اسرائیل ، به دریای مدیترانه میریزد . لیتانی برای پاکستانها و میوزار - های بقاع و سواحل مدیترانه دارای

مجهز به جدیدترین جنگ افزارها برای فتح کرانه‌های لیتانی رهسپار جنوب لبنان شدند . این تهاجم بر اثر ایستادگی قاطعانه نیروهای مسلح مشترک جنبش ملی - مترقی لبنان و انقلاب فلسطین و "اعتراض گسترده بین المللی باشکست رو برو گردید . بگزارش ناظران خارجی ، رهبران اسرائیل از آن هنگام تا کنون

پذیرد . اما این هدف کماکان جزئی از مبارزه در راه فضای زندگی صهیونیست - ها باقی ماند و روش‌هایی برای پیشبرد آن بکار رفت ، که انسان را بیاد یکی از ننگین ترین دورانهای تاریخ بشر می‌اندازد . در مارس ۱۹۷۸ ، حکمرانان "تل آویو" عملیات "لیتانی" را آغاز کردند ، بدین معنی که ، ۲۵ هزار سرباز

بیشرفت تارودخانه لیتانی ، در جنوب لبنان ، همیشه یکی از اهداف دیرینه صهیونیست‌ها بوده است . برای نمونه ، پس از جنگ نخست جهانی ، حبیب وایزمن ، رئیس "کنگره جهانی صهیونیسم" ، در نامه‌ای به بلوید جورج ، نخست وزیر بریتانیا ، خواستار تسلط بر این رودخانه شد ، زیرا که "آب لیتانی برای ایجاد کشور اسرائیل دارای اهمیت حیاتی" است . اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تاسیس یافت ، بدون اینکه هدف نامبرده تحقق

مجلس شورای اسلامی در هفته‌ای که گذشت:

ملت ایران با آتش زدن پرچم آمریکا، نفرت خود را نسبت به امپریالیسم،

صهیونیسم، دولت‌های پیمان ناتو و ارتجاع منطقه نشان می‌دهد

مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته ۳ جلسه علنی داشت. در این جلسات نمایندگان مانور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه را بمثابه تجاوز آشکار به همه مردم صلحدوست و آزادخواه منطقه محکوم کردند و بر سردی دراز مدت و همه‌جانبه با این دشمن اصلی بشریت تاکید نمودند. در این جلسات لایحه توقف اجرای احکام تخلیه خانه‌ها، پس از بحث فراوان، با اکثریت قاطع به تصویب رسید و نیز ۲ نماینده برای شرکت در کمیسیون ذکر شده در "قانون احزاب" انتخاب شدند.

اولین جلسه مجلس شورای اسلامی در هفته گذشته، روز یکشنبه ۲۴ آبان ۶۰ تشکیل شد. نخستین ناطق قبل از دستور این جلسه فضلعلی نماینده مردم گرمسار بود. وی در سخنان خود با اشاره به توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب ایران، از همان بدو پیروزی انقلاب و نیز "خوشبینی‌های بیشتر از انقلاب" و رخنه "عناصری که اصلا روحیه انقلابی نداشتند" و از "بستر غرب" برخاسته بودند در شورای انقلاب و دولت موقت و سپس ریاست جمهوری، تاکید کرد.

با اینکه در ۲۲ بهمن ۵۷ امپریالیسم آمریکا با تاج شکستناز در بیرون رانده می‌شود، اینبار از پنجره با یقه چاک و با اوراقی چون کیش شخصیت و تعمیم امامت در دست وارد معرکه شد و چون گرگ بر استخوان انقلاب تاخت و خسارت سنگینی بخاطر یک قالب - گیری ناجور بر این ملت وارد شد.

نیروی واکنش سریع:

ابزار غارت و جنایت آمریکا

ناطق بعدی قبل از دستور حجت الاسلام خلخالی نماینده مردم قم بود، که طی سخنان مشروحی شدیداً به مانور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه حمله کرد و اهداف تجاوزکارانه او را فاش ساخت. وی در بخشی از سخنانش گفت:

"ایالات متحده آمریکا سازمان واکنش سریع نظامی، یعنی لشکرکشی و قشون‌کشی را در این روزها به منطقه به خاک مسلمانان آغاز کرده است. اینجابه اصطلاح ستاره تابناک ۸۱، یعنی چراغ موشی و ایجاد واکنش سریع، یعنی تلاش مذبح‌خانه آمریکا"

ناطق ضمن برشمردن اهداف آمریکا از این مانور گفت:

"یکی از این اهداف مسلماً حفظ پایگاه تجاوزکارانه اسرائیل و نابود کردن وبه خاک و خون کشیدن ملت فلسطین است، ولی باید به آنها گفت ممکن است با قدرت بشری قلل هیمالیا دماوند و آلپ و آند را از صحنه زمین حذف کرد، ولی اراده پرتوان ملت‌ها را نمیتوان کنار زد."

ناطق همچنین گفت: "هدف دیگر آمریکا و واکنش سریع دلداری و ایجاد اطمینان در قلب ترسوی حکام و سگان زنجیری آنان در منطقه است، که یعنی بدانید آمریکا پشت سر شماست."

حجت الاسلام خلخالی سپس با اشاره به "حکام مرتجع عرب و کشورهای خاورمیانه، که وابستگی به ایالات متحده آمریکا و صهیونیسم بین المللی دارند، از سرنوشت امثال آنان در ویتنام واتیوپی و مصر و ایران سخن گفت و از این مرتجعین خواست تا از سرنوشت آنان پند گیرند."

\* رئیس مجلس: اسلام وقتی بروز کرد، اولین مخالفش اشراف بودند و امروز هم ما داریم از اشراف زلوصفت ضربه می‌بینیم.

\* اگر اسلام فکری برای اینها (مستضعفین) نکرده، پس ما دنبال چی می‌گردیم؟

\* تنها مالکیتی محترم است که احقاق حق کند.

\* رئیس مجلس: بگذار بجای مواجه شدن با سرباز فریب خورده عراقی با تفنگداران

رسمی آمریکا مواجه شویم و گلوله‌های ما نیروهای شیر آمریک را از میان بردارد.

\* دولت باید هرچه سریعتر به طرح برنامه‌های اقتصادی به نفع پابره‌ها اقدام کند.

نفرت مردم ایران

از آمریکا، کشورهای ناتو

و مستکبرین جهانی

حجت الاسلام خلخالی در بخش دیگری از سخنانش گفت:

"ما با ملت آمریکا طرف نیستیم. اگر پرچم آمریکا را آتش می‌زنیم، برای آنست که میخواهیم نفرت خودمان را به دولت‌های خودکامه و تجاوز کار و طرفدار صهیونیسم بین المللی نشان بدهیم و همین‌طور در اروپا و همین‌طور دولت‌های پیمان ناتو و دولت‌های ارتجاعی منطقه"

ناطق آنگاه به تشریح هدف دیگر آمریکا از انجام این مانور تجاوزکارانه اشاره کرد و آنرا "جنگ و دندان نشان دادن به انقلابیون منطقه و بخصوص جمهوری اسلامی ایران" نامید. وی گفت:

"اکنون خاورمیانه و تمام مسلمانان در جزیره العرب و در مصر و در هر جا علیه آمریکا قیام نموده‌اند و میخواهند دیگر سایه شوم این ابرقدرت را نبینند."

حجت الاسلام خلخالی آنگاه به بیانیه وزارت امور خارجه کشورمان در مورد محکوم نمودن این مانور اشاره کرد و ضمن تاکید بر ناکافی بودن آن پیشنهاد کرد که:

"همه ملت ایران یک تظاهرات پر شور ی علیه آمریکا سازمان دهند. وی همچنین با اشاره به جنگ تحمیلی عراق، که به خواست و با اشاره آمریکا آغاز شده است و ادامه می‌یابد، تاکید کرد که حتی اگر این جنگ هم تمام شود، ممکنست آمریکا خودش مستقیماً وارد شود و ما باید برای یک جنگ ۲۰ ساله طولانی آماده شویم و آماده هستیم."

نبرد روبرو با آمریکا

آنگاه حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، طی سخنانی به مسئله مانور نظامی امپریالیسم آمریکا اشاره کرد و از جمله گفت:

"حضور چند هزار نیرویی که با چتر مخصوص از هواپیما با اسلحه‌های مدرن به زمین فرود آیند، چه در مصر، چه در عمان و بیادرجای دیگر، هر قدر هم که باشند، بیشتر از نیروی عظیم شاه معدوم ایران نمیتواند باشد. آمریکا ۱۵ لشکر مجهز عراق وارد خاک ما کرد و غیر از سواشی چه نتیجه‌ای گرفت؟ آمریکا این کار را در ویتنام کرد و ۴۰۰ هزار سرباز با مدرن‌ترین امکانات نظامی را

به احاطه رساند و بعد از سال‌ها حوس- ریختن و کشته دادن شکست خورد و منفور بیرون آمد... کجای دنیا (آمریکا) توانسته با این روش‌ها پیروز شود؟"

رئیس مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه در زمان شاه معدوم همه دول مرتجع منطقه از "پاکستان و ترکیه و کشورهای خلیج فارس و عربستان سعودی و عراق" از او حمایت میکردند، گفت:

"ملت مسلح و جان‌برکف امروز ما با نمونه‌هایی که از پیروزی انقلاب دیده‌اند و با غروری که در شکستن ابهت ارتش صدام بدست آورده‌اند و بیداری که در منطقه می‌بینند، چه وحشتی میتوانند داشته باشند از این حرکت آمریکا؟ ما استقبال میکنیم، بگذارید به جای اینک ما مواجه شویم با سربازان فریب خورده عراق، با تفنگداران رسمی آمریکا مواجه بشویم که گلوله‌های کسلیک میکنیم، به جای سوراخ کردن بدن یک سرباز عراقی فریب خورده، نیروهای شیر آمریکا را از میان برداریم."

رئیس مجلس اقدام نمایندگان حزب سوسیال دمکرات آلمان غربی در پارلمان این کشور را، که با صدور بیانیه ای علیه جمهوری اسلامی ایران، ایران انقلابی را بخاطر برخورد با تروریست‌های داخلی محکوم کرده‌اند، محکوم کرد و با اشاره به این که آلمان غربی در محاصره اقتصادی ایران شرکت داشت پارلمان این کشور و این نمایندگان را "شریک جرم" در این اقدام دانست.

وی خطاب به این نمایندگان تاکید کرد: "ما به شما میگوئیم از این به بعد چاه‌های نفت و مراکز مواد خام در منطقه اسلامی به این ارزانی و آسانی به طرف غرب نخواهد آمد."

سپس مجلس وارد دستور شد و بحث در مورد لایحه مستعفی شناختن نمایندگانی که مدت طولانی در مجلس غیبت کنند، ادامه یافت و پس از پایان آن، این ماده واحده با اکثریت قاطع به تصویب رسید.

در این جلسه اعتبارنامه هاشمی نماینده فلاورجان نیز مورد تصویب قرار گرفت.

سپس لایحه راجع به توقف اجرای احکام دادگاه‌های صالحه و مراجع شتی در مورد اسناد اجاره محل‌های مسکونی، که در جلسه قبل دو فوریتی بودن آن به تصویب رسیده بود، در دستور قرار گرفت و بحث در مورد کلیات آن آغاز شد.

فکر بنیادی

برای حل مشکل مسکن

در سخنان موافق و مخالفان این لایحه، مجید انصاری، نماینده زرنند در سخنان خود، بعنوان موافق، از جمله گفت:

"این راه حل (توقف احکام) راه حل بنیادی نیست و دولت مکلف است فکر بنیادی برای حل مشکل کند و این علاج درد نیست. اما در خود لایحه دولت خود را مکلف کرده که ظرف ۳ ماه لایحه اساسی را تقدیم مجلس کند و این نکته مثبتی است در این لایحه."

وی سپس با اشاره به مخالفین لایحه، که از "غیر شرعی بودن لایحه سخن گفته بودند، خطاب به آنان گفت: "من فکرمیکم شـرع همیشه ظرفدار مالک و مالکیت بوده باشد."

ناطق گفت: "مالکیت برای احقاق حق است... شما یک مشت افرادی که دستشان به هیچ جا بند نیست و رژیم شاه دست اینها را کوتاه کرده، آواره میکنید، بعد میگوئید از نظر اخلاقی اسلام گفته هر کس چنین و چنان باشد، مگر الان نظام اخلاق اسلام در جامعه، ما حاکم است؟ مگر مالک‌های بی انصافی که چند صد واحد مسکونی آپارتمانی در تهران و شهرستان‌ها دارند، اینها محدود به اخلاق اسلامی هستند که شما بگوئید حالا قانون را خلاف اینها وضع کنید و اخلاق اینها را ملزم کنید که اینها را بیرون نکنند."

ناطق در پایان گفت: "اگر این لایحه امروز تصویب نشود، من مطمئن خون بسیاری از چاه‌های فقیر و بچه‌های محرومی که در اثر سرما خواهند مرد، به گردن کسانی خواهد بود که در فکر مشکل اینها یا وضع قوانین مناسب برای آنها نبودند."

دکتر زرگر از دیگر موافقان، در برابر سخنان مخالفان، که تصویب این لایحه را "غیر شرعی" میخواندند، گفت:

"آن قانونی که قضات دادگستری طبق آن حکم میکنند، همان قانون طاغوتی رژیم شاه در مورد مالک و مستاجر است و آن غیر شرعی است."

پس از پایان سخنان موافق و مخالف رای گیری شد و در نتیجه کلیات آن با اکثریت قاطع به تصویب نمایندگان رسید. جلسه علنی بعدی مجلس شورای اسلامی روز ۲۵ آبان ماه ۶۰ تشکیل شد. در این جلسه ابتدا حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در گذشت آیت‌الله علامه

اشراف مخالف اسلام انقلابی هستند

سپس لایحه مربوط به اصلاح لایحه تشکیل پلیس قضائی مطرح شد و پس از بحث نمایندگان موافق و مخالف به تصویب رسید.

آنگاه بحث در مورد جزئیات لایحه "توقف اجرای احکام تخلیه..." آغاز شد و پیشنهاد های مختلف نمایندگان در اصلاح و تکمیل این لایحه مورد بحث قرار گرفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در پاسخ مخالفانی که مرتب لایحه را "غیر شرعی" می‌نامیدند، از جمله چنین گفت:

"آدم متأسف میشود که اسلام دست ماها افتاده. اسلامی که وقتی که بروز کرد اولین مخالفش اشراف بودند و امروز هم ما داریم از اشراف زلوصفت ضربه می‌بینیم و متأسفانه شخصیت - هائی هم از این مسائل دفاع میکنند."

رئیس مجلس شورای اسلامی افزود: در شورای عالی قضائی چند نفر مجتهد و مسلم نشستند و آن لایحه را تنظیم کردند. آقایان آنجا مرجع این مسائل هستند. دادگاه‌ها زیر نظر آنهاست. حرج نوعی تشخیص دادند، دولت تشخیص داده، شورای عالی قضائی تشخیص داده، عده‌ای از مردم اهل نظر تشخیص دادند که حرج نوعی در رابطه با مسئله مسکن دارد چاه‌ها را از پا در می‌آورد... یک مشکل عظیمی در زمستان امسال، دارد طبقه محروم را تهدید میکند. اسلام فکری بحال این - هانکرده؟ اگر این اسلام است، پس ما دنبال چی میگردیم؟"

رئیس مجلس شورای اسلامی در ادامه سخنان خود گفت: "چطور همیشه اسلام از این طرف (طرفداری از مالکین) حرف بزند، شده تا حالا قضیه‌ای را که مطرح میشود (بعضی از) آقایان از آن طرف قضیه صحبت کنند... اسلام دو طرف قضیه را دارد."

در پایان بحث در مورد پیشنهاد های مختلف نمایندگان، لایحه "توقف اجرای احکام تخلیه واحدهای مسکونی" که از سوی دادگاه‌های صالحه و مراجع شتی صادر شده است، به مدت یکسال، با اصلاحات جزئی و با اکثریت قاطع آراء نمایندگان، به تصویب رسید.

جلسه بعدی مجلس شورای اسلامی روز ۲۸ آبان ماه ۶۰ تشکیل شد. اولین ناطق قبل از دستور این جلسه مصطفی تبریزی، نماینده مردم بجنورد بود. وی در سخنان خود اعمال و وظایف انقلاب از جمله ملی کردن تجارت خارجی، اجرای اصلاحات ارضی و کوتاه کردن دست تروریست‌های اقتصادی را ذکر کرد. ناطق در قسمتی از سخنان خود خطاب به مسئولان گفت:

"مسئولان در این موقعیت حساس باید با جلوگیری از برخورد های افراطی برخی افراد، که گاه معلول مواضع چپ - روانه و گانگستری گروهک هاست، به استقرار ارزش‌های مکتب و به استقرار کامل قانون و یکپارچگی عمل در کل کشور کمک نمایند و با تشویق منتقدین امر به معروف و نهی از منکر را تحقق بخشند دولت برای مبارزه با تورم و بیکاری و برای بالا بردن تولید و فعال کردن

بقیه در صفحه ۱۵

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها و...

بیانیه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### چگونه بر دشواری‌های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم؟

#### دشواری‌های انقلاب

همه هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع بین جمهوری اسلامی ایران در این ارزیابی متفقند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری‌های فراوان روبروست.

بررسی کمی موشکافانه‌تر نشان می‌دهد که این دشواری‌ها به طور عمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئه همه‌جانبه و پیگیر جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران در خارج و داخل کشور؛

۲. کمبودها و نارسایی‌های ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست، از سوی بخش مهمی از نیروهای مدافع انقلاب و مسئولان جمهوری اسلامی ایران.

آنچه که از سرچشمه اول برون می‌ریزد، مجموعه اقدامات کین‌توزانه‌ای است که به وسیله طیف گسترده جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با دستیاری همه عوامل شناخته شده و شناخته نشده‌اش در جهان و ایران، بی‌دریغ علیه انقلاب میهن ما انجام می‌گیرد. بخشی از این اقدامات قابل دیدن و محسوس است، مانند: محاصره اقتصادی ارسوی آمریکا و هم‌دستانش در اروپای غربی و ژاپن، توقیف دارائی‌های ایران، توطئه کودتای طیس، کودتای نوژه، حمله نظامی رژیم صدام به ایران، ایجاد آشوب و شورش ضدانقلابی در کردستان، توطئه برای مسخ و منحرف ساختن انقلاب به یاری دست‌آموزانی چون امیرانتظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، یزدی‌ها، بنی‌صدرها، سلامیان‌ها و نیوبری‌ها و دیگر لیبرال‌های آمریکازده "جبهه ملی"، "نهضت آزادی"، "رنجیری"ها و سایر گروهک‌های آمریکاساخته، و سرانجام اجرای نقشه‌های تروریستی - بخشی به دست ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و حنایتکاران حرفه‌ای و بخشی به دست گمراهان و بازی خوردگان جوانی که به آلت بی‌اراده اجرای دستورهای تبهکارانه رهبران خائن خود تبدیل شده‌اند.

گروه دیگر دشواری‌های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به آسانی قابل دیدن نیستند. این دشواری‌ها از یک‌سو به دست ستون پنجم امپریالیسم در زمینه‌های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و وابستگان به اقشار ممتاز جامعه ایجاد می‌شود، و از سوی دیگر به دست ستون پنجم سیاسی امپریالیسم، یعنی ساواکی‌ها و سایررتفاله‌های آمریکا که خود را در نهادهای انقلابی و مقامات مسئول کشوری و لشگری و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در نقاب "مسلمان متعهد" جازده‌اند. این عناصر با خرابکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود نظام جمهوری اسلامی ایران را مانند خوره از درون می‌خورند و ناتوان می‌کنند و به شیوه‌های مزورانه تخم‌نفاق و دشمنی در میان مبارزان راه انقلاب - اعم از مسلمانان مبارز و دیگر نیروهای مدافع راستین انقلاب می‌کارند.

توطئه ناراضی‌تراشی یکی از عمده‌ترین ترفندهای دشمنان انقلاب، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست. این دشمنان سوگندخورده انقلاب، در دوران دو سال ونیمی که از پیروزی انقلاب می‌گذرد، با این واقعیت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده‌اند که، بدون ایجاد تزلزل در زیاده‌ای اصلی انقلاب، یعنی در میان توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا، ضربت زدن به انقلاب نتیجه مطلوب برایشان بار نخواهد آورد.

از این رو است که ناراضی‌کردن توده‌های میلیونی یکی از مهم‌ترین بخش‌های فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می‌دهد. این عمل به شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد: هم از راه جلوگیری از دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه، تخریب در تولید و افزایش بیکاری، گران کردن کالاهای مورد نیاز همگان و غارت روزافزون درآمد ناچیز زحمتکشان به دست سرمایه‌داران زالوصفت، و هم از راه‌های بسیار زیرکانه و مودیان‌های مانند ایراد فشارهای به‌کلی غیرضرور به مردم در زمینه‌های مختلف زندگی آنان، و سرانجام از راه تصفیه‌های مشکوک که هدفش در بسیاری موارد برکنار کردن عناصر وفادار به انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران از کار و جایگزین کردن آنان با عناصری از قماش امیر انتظام‌ها، کلاهی‌ها، کشمیری‌ها، صادق‌ها و معری‌ها در سطوح مختلف است.

مجموعه این دشواری‌ها، یعنی هرآن چه که محصول مقاومت کین‌توزانه و آشتی‌ناپذیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکاست، از همان روزهایی که پیروزی انقلاب در افق پدیدار شد، قابل پیش‌بینی و بخش عمده‌ای از آن‌ها بی‌تردید قابل پیش‌بینی و اجتناب بود. تجربه ده‌ها و ده‌ها انقلاب مردمی و ضدامپریالیستی در سراسر جهان نشان می‌دهد که در آن انقلاب‌ها نیز نیروهای ضدانقلاب خارجی و داخلی تقریباً عین همین توطئه‌های تبهکارانه را عملی کرده‌اند. این که این توطئه‌ها تا چه حد توانسته است در این یا آن انقلاب مشخص موفقیت‌آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم‌بستگی و آمادگی نیروهای پاسدار و نگهبان انقلاب برای روبرویی با این توطئه‌ها داشته است.

با کمال تأسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی

انقلاب شکوهمند صده سلطنتی، ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی میهن عزیز ما، که به درستی یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی سال‌های اخیر جهان ارزیابی می‌شود، لحظات بسیار حساس و سرنوشت‌ساز را می‌گذراند. این حساس بودن از آن‌جا ناشی می‌شود که انقلاب بزرگ مادرلحظه کنونی، درگیر یکی از سخت‌ترین تیردهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است. ویژگی برجسته لحظه کنونی انقلاب ما در این است که از یکسو پادشاه شکسته‌شدن توطئه سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال و گمراهان چپ‌رو، سد برگی از سر راه برای زرقش انقلاب در دو سمت گیری اساسی اش یعنی سمت گیری ضدامپریالیستی و سمت گیری مردمی برداشته شده است و از سوی دیگر مقاومت عنودانه و خیانت‌کارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش شدت می‌یابد. بدون تردید رهمود امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در - باره لروم اتخاذ تصمیمات همه‌جانبه‌سود محرومان و تفویض اختیارات مهمی در این زمینه به مجلس شورای اسلامی، گام تاریخی است که در جهت ایجاد شرایط ضروری برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و پیشروی بسوی تأمین عدالت اجتماعی برداشته شده است. این گام تاریخی همه نیروهای انقلابی را هم در جهت سازندگی و هم در جهت مبارزه علیه همه توطئه‌های ضدانقلابی و سرچشمه‌های این توطئه‌ها پرتوان‌تر ساخته است. مقاومت عنودانه و سرسختانه دشمنان انقلاب شدت پیدای کندوآراده نیرو - های عظیم انقلابی میهن ما را برای درهم شکستن این مقاومت هر روز رسوخ‌تر و توان‌تر آن‌ها هر روز بیشتر خواهد شد. دشواری بر سر راه پیشرفت انقلاب شکوهمند میهن ما هنوز بسیار است ولی توان انقلاب برای چیره شدن بر این دشواری‌ها به مراتب زیادتر است.

انقلاب شکوهمند ما که با شرکت همه نیروهای ضدامپریالیستی، آزادپخواه و مردمی و با ایثار کم‌ظنیر توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش شهر و روستا و به رهبری بادرایت امام خمینی، با پیروزی بزرگ تاریخی خود، صربه بسیار دردناکی بر پیکر دشمنان سوگندخورده خلق‌های کشور ما و بیش از همه - امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا وارد ساخت، از همان دوران اوج‌گیری خود، آماج کینه آشتی‌ناپذیر این دشمنان فرارگرفت. اکنون وضع چنین است که امپریالیسم آمریکا، در مقام سرکرده همه دشمنان انقلاب ایران، یعنی: امپریالیسم جهانی، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضدانقلاب کشور ما، پس از آن که تجاوز حنایت‌بار آمریکایی - صدامی به خاک میهن ما به اهداف خود نرسید و آخرین توطئه‌شان که به دست بنی‌صدر پیاده می‌شد، با ناکامی روبرو گردید، تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئه تازه‌ای در جهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

عناصر پنجگانه این توطئه خطرناک چنین اند:

۱. جلوگیری از تثبیت حاکمیت متکی به قانون و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج در جامعه، به کمک ترویج تروریسم کور، و ایجاد کانون‌های شورش و بهره‌گیری از تجاوز نظامی عراق و جنگ تحمیل شده به میهن ما، تجاوز در مرزها و درگیر کردن کشور ما در جبهه‌های دیگر؛

۲. تشدید دشواری‌های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از خارج و خرابکاری‌های اقتصادی از راه احتکار - گرانفروشی و غیره به وسیله غارتگران داخلی؛

۳. روشن کردن و دامن زدن به آتش نفاق، چنددستگی و زدوخورد میان نیروهای ضدامپریالیستی و مردمی؛

۴. تشدید همه‌جانبه عوامل ناراضی‌کننده قشرهای گسترده مردم شهر و روستا؛

۵. اخلال هرچه بیشتر در مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورها و جنبش‌ها و همه نیروهای جهانی پشتیبان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امیدوارند که با کامیابی در این پنج جهت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن‌چنان ناتوان سازند که بر انداختن آن از راه اختراش‌های از درون و یا از بیرون و با از راه جازدن خائنی مانند سادات و باحیظ‌الله امین، بدون دشواری انجام پذیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود در برابر انقلاب، بر آنند که تنها با تجهیز و اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب می‌توان این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را با کم‌ترین تلفات عقیم گذاشت، انقلاب را در جهت رسیدن به این آماج‌ها به پیش برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، در برابر توطئه‌های آینده دشمنان انقلاب گزندناپذیر ساخت.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اعتقاد راسخ به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب شکوهمندمان، نخستین گام را برای پایه‌ریزی چنین اتحادی بر می‌دارند و با ارائه یک تحلیل مشترک از لحظه کنونی، از دشواری‌ها و راه چیره‌شدن بر آن‌ها، همه نیروهای انقلابی راستین را، صرف‌نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین که صربه مهلکی بر همه توطئه‌های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرامی‌خوانند.

بقیاض ص ۷

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

امیرالایسم جبهه‌خوار آمریکا، نوانسهند، یا بهره‌دگری از نقاط ضعف نیروهای انقلابی، برای بخش مهمی از توطئه‌های خود پوشش‌هایی به دست آوردند.

دشواری‌هایی که از سرچشمه دوم بیرون می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این دسته از دشواری‌ها، در مجموع خود، محصول برخی عملکردهای منفی نیروهای فعال انقلابی است، چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند و چه آن بخش که، بدون شرکت در حاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته در این میان مسئولیت بخش اول طبعاً سنگین‌تر از مسئولیت بخش دوم است، در عین این که هر دو بخش در برابر خلق و تاریخ و انقلاب جوابگوی عملکرد خویشند و اشتباه یکی نمی‌تواند به عنوان عذر و بهانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

در این دسته از دشواری‌ها، آنچه از بی‌تجربگی و یا کم‌تجربگی و یا حتی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند در چارچوب معینی قابل بخشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را در دست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که در آن‌ها تجربه ندارد و فقط در جریان تلاش برای حل آن‌هاست که تجربه می‌آید و ولی این تلاش هر اندازه هم که همه‌جانبه و فداکارانه باشد، خالی از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. چنین اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آن‌چه ناخوشودنی است، دشواری‌های ناشی از تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که در حاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین‌کننده، سرچشمه روند انقلاب را در دست دارند. این دسته از دشواری‌ها، به ویژه در دوران ما، یعنی در دوران فروپاشی سلطه جهانی جابرانه، امیرالایسم، نقش تعیین‌کننده در سرچشمه انقلاب دارند، زیرا تجربه انقلاب‌های چنددهساله پس از جنگ دوم جهانی نشان داده است که در پیامد تغییر کیفی در ساختار نیروهای سیاسی و نظامی و اقتصادی در جهان به سود انقلاب‌های رهایی‌بخش ملی و دولت‌های رها شده از زنجیر اسارت استعمارکننده و استعمارگر، رهبری‌های انقلاب‌های صد امیرالایستی و مردمی، در صورتی که نتوانند با درایت و سربستی همه، نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تجهیز کنند، می‌توانند بر همه، دستان دشمنان انقلاب چیره شوند و، علی‌رغم برخی اشتباهات ناشی از کم‌تجربگی و بی‌تجربگی، انقلاب را تثبیت و تحکیم بخشند و آن را به سوی پیشرفت گسترش دهند. و برعکس، غلبه، تنگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نفوذ عناصر دشمن از یک سو و برای رشد دشواری‌های ناشی از بی‌تجربگی و اشتباه از سوی دیگر، وسیله کمک آن‌ها برای دسیسه‌های خطرناک و توطئه‌های رنگارنگ ضدانقلاب، و به ویژه توطئه، جداسازی و به‌جان هم اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی پدید آورد.

با کمال تأسف مردم انقلابی ایران با نگرانی بسیار شاهد این واقعیت دردناک هستند که این بیماری خطرناک در انقلاب ما راه پیدا کرده و ریشه دوانده است. جامعه انقلابی ما در مرحله کنونی با طیف پهناوری از همه این دشواری‌ها، یعنی هم با دشواری‌های ناشی از فعالیت دشمنان و هم با دشواری‌های ناشی از عملکرد منفی خودی، دست به‌گریبان است. ضمن تاریخ انقلاب‌های پیرو شده و شکست خورده به ما می‌آموزد که چیره شدن بر بی‌آمدهای اشتباهات و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره شدن بر دشواری‌های ناشی از فعالیت ضدانقلاب مهاجم و دسیسه‌گر، در درجه اول مستلزم آنست که نیروهای مؤثر و تعیین‌کننده و به ویژه حاکمیت انقلابی بتوانند برگرایش‌های خودمحوری و تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست و پیش‌دآوری‌های بی‌پایه در صفوف خود چیره شوند.

برای چیره شدن بر دشواری‌ها باید بیش از هر چیز این دشواری‌ها را شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را که برای ریشه کن ساختن این دشواری‌ها وجود دارند، تشخیص داد و همه این نیروها را، بدون هدر دادن، در جبهه متحدی گردآورد، و با در نظر گرفتن نیروها و امکانات موجود و ذخیره خودی و امکانات و نیروهای موجود و ذخیره حریف، نقشه دقیقی برای نبرد تنظیم کرد و مبارزه را از راه وارد ساختن ضربه اصلی بر ضعیف‌ترین نقطه جبهه دشمن آغاز کرد. کوتاه سخن، چیره شدن بر دشواری‌هایی که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قد علم کرده‌اند، تنها با برخورد و برداشت انقلابی، با سمت‌گیری، ژرف‌بینی و پیگیری انقلابی، امکان‌پذیر است.

## شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر

خوشبختانه امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انقلابی راستین (گرچه پس از پرداختن بهای سنگین)، امیرالایسم آمریکا، امیرالایسم اروپای غربی و ژاپن، رژیم‌های ارتجاعی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، مائوئیست‌ها و سایر گروهک‌های آمریکازده، بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و حامیان‌شان را به عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است.

ولی متأسفانه هنوز در بخش قابل‌توجهی از نیروهای انقلابی که اهرم‌های حاکمیت را در دست دارند، در زمینه شناخت کامل دوستان انقلاب ما، نقاط ضعف جدی وجود دارد.

به نظر ما، عمده‌ترین عامل افزایش دشواری‌های ناشی از نفوذ ضدانقلاب در درون حاکمیت و نهادها، انقلابی، همین ضعف نیروهای راستین انقلاب در

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی‌ناپذیر است. در درون بخش مهمی از نیروهای انقلابی، این اصل برای سنجش به کار گرفته شده و می‌شود که: "هرکس به ظاهر مرا صد درصد تایید کند، دوست است و هرکس مرا انتقاد کند، دشمن است." با این سنجش، اگر کسی تظاهر به شاعر مذهبی کند، حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را "خائن" خطاب کند و "مرگ بر شوری" را مطرح کند که شعار مرگ بر آمریکا از یادها برود، او "دوست" است، حتی اگر کشمیری و کلاهی و فخارزاده و صادق... باشد. و اگر کسی با صداقت و صراحت بگوید: من پیرو سوسیالیسم علمی هستم، با تکیه بر اعتقاداتم، از خط ضد استبدادی و ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنم و حاضرم برای دفاع از میهنم در مقابل تجاوز آمریکائی صدام جان خود را فدا کنم، او دشمن است، و باید طرد شود.

با کمال تأسف، در پیامد عملکرد همین ضعف بزرگ و خطرناک، در نخستین دو سال پس از پیروزی فرصت‌های بسیار مناسبی برای سرکوب ضدانقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب از دست رفت. در این دو سال دشمنان انقلاب ایران موفق شدند با استفاده از عناصر خود در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز به اتکای دولت "گام به گام" لیبرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خود فروختگانی چون قطب‌زاده و بنی‌صدر و سلامتیان و نظائرشان، که هنوز هم نمونه‌های شناخته نشده، آنان چه بسا در جاهای حساس نشستند، از یک سو، و امثال کشمیری و فخارزاده و کلاهی و صادق و معزی و... و بسیاری دیگر لطمات سنگینی به انقلاب بزنند. درست است که نیروی لایزال توده‌های انقلابی و فداکاری و از خودگذشتگی و ایثار کم‌سابقه مبارزان راستین راه انقلاب، چه در حاکمیت و نهادها و چه در میان نیروهای پشتیبان انقلاب در خارج از حاکمیت، زیر رهبری با درایت، بی‌ترلز و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عقیم گذاشته است، ولی در همین حال ساده‌نگری است اگر تصور شود که این توطئه منحرف ساختن انقلاب ایران از راه اصلی، برای همیشه با شکست روبرو شده است. اشتباه فاحشی است اگر پذیرفته نشود که زمینه این توطئه، همان‌طور که امام خمینی یادآور شدند، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلت ضرباتی بر بیکر انقلاب وارد ساخته، که تاکنون برای میهن ما بسیار گران تمام شده است. بجاست اگر همه مبارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفته تاریخی امام خمینی را به یاد آورند و در تمام کار روزانه خود همواره بدان توجه داشته باشند:

"نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا هستیم و تفاله‌های آمریکا. این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم. الان هم هستند."

امام خمینی - گفتار ۵ شنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۰

تنها با بکار بستن این رهنمود، نیروهای راستین انقلابی می‌توانند این خطرناک‌ترین سرچشمه ایجاد تشنج و نفاق را در درون جبهه نیروهای انقلابی شناسایی کنند و این سرطان خطرناک را دور سازند. در این ارتباط بسیار بجاست اگر توجه کنیم که همه عناصری که امروز خیانتشان مسلم شده است، با چند جنگ‌افزار سیاسی وارد میدان شدند: تظاهر به اسلام، حتی در مواردی تظاهر به "اسلام افراطی و قشری"، دسمی کین‌توزانه با بخشی از پشتیبانان راستین انقلاب و به ویژه با حزب توده ایران، و برعکس گذشت و دوستی و پشتیبانی از ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، ضدانقلابی‌ها، مائوئیست‌ها و سایر تفاله‌های آمریکا و دشمنی لجام‌گسیخته با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی از یک سو و دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی و ژاپن از سوی دیگر؛ حمایت از منافع غارتگرانه کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و سایر زالوهای اقتصاد و مخالفت با سمت‌گیری مردمی انقلاب و جلوگیری از اجرای آن موادی از قانون اساسی، که مدافع منافع محرومان و محدودکننده غارت چپاولگران است.

بدین سان، نیروهای انقلابی برای شناخت دوستان راستین و دشمنان کین‌توز انقلاب پیش از هر چیز باید معیارهای درست برگزینند. بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین مانع در این زمینه خودمحوری و تنگ‌نگری است. برپایه خودمحوری و تنگ‌نگری قشری یا اجتماعی - طبقاتی هرگز نمی‌توان به معیارهای درست برای تشخیص دوست از دشمن دست یافت.

## معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

مؤثرترین معیار سنجش در این زمینه، همان وفاداری به آماج‌هایی است که توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکش، میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دست یافتن به آن‌ها، علیه جبهه متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به نبرد برخاستند و با جان‌بازی و ایثار کم‌نظیر انقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب، که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی‌اش متبلور گردید، عبارت بود از:

- پایان بخشیدن به تسلط جابرانه و غارتگرانه امپریالیست‌ها و تأمین همه‌جانبه استقلال ملی؛

- سرنگون ساختن کاخ استبداد و بیدادگری و تأمین آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛

- لجام زدن به غارتگری بی‌بندوبار چپاولگران اجتماعی و تأمین عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم و غارت‌شده.

اگر ما این معیار را، که امام خمینی همواره و بدون کوچک‌ترین تغییر، مورد تأکید قرار داده‌اند، چه در مورد مناسبات با نیروهای اجتماعی درون جامعه انقلابی خودمان و چه در مناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی سراسر جهان، درست به کار ببریم، بی‌تردید خود را از بسیاری از اشتباهات، و شاید از عمده‌ترین بخش آن، نجات خواهیم داد.



## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

بزرگ‌ترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی، که خود را پیرو خط امام خمینی می‌دانند، شناخت درست و کاربرد عقلانی همین معیار است.

### قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که برای تعیین معیارهای مورد بحث دارای ارزش بسیار است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون، صرف‌نظر از برخی کاستی‌ها و نارسایی‌ها، جهات اصلی سمت‌گیری انقلاب صد استنادی، صدامیرالیستی و مردمی ایران برسم شده و اصول ضروری برای رسیدن به آماج‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" تاحد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش عهد صادقانه در اجرای بدون خدشه قانون اساسی، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم ماست و به نیروهای انقلابی کمک می‌کند، تا معیارهای واقعی را برای شناخت دوستان و دشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب توده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی، مبنی دوست و آزادخواه، که به دست آوردن استقلال همه‌جانبه، برادختن کامل سلطه جابرانه استعمار و استثمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی - اجتماعی در جهت حواست‌های انقلابی - اجتماعی نوده‌های ده‌ها میلیون کارگران و سایر رزمندگان سهر و روستا را اساس برنامه خود قرار داده‌اند، نظر خود را در این زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. ما اعتقاد راسخ داریم که این برنامه در چارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، پیروان راستین خط امام خمینی در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، مطبق و با حداقل خسارت در یک است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ به مانی عقده‌ی خود، با تمام نیرو از خط صدامیرالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنیم و با یکدیگر خستکی - نایدیر در راه ایجاد جنبه متحدی از همه نیروهای پیرو خط امام خمینی، از همه نیروهای پشتیبان خط امام، که صادقانه به آماج‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌کوشیم.

### الف. استقلال ملی

به نظر ما، استقلال ملی برای خلق‌های مبنی ما هنگامی ناممکن است که ریشه‌های هرگونه تسلط جابرانه سیاسی، تسلط غارتگرانه اقتصادی، تسلط آمرانه نظامی و تسلط گمراه کننده و منحرف‌سازنده فرهنگی استعمار و استعمارنو خشکانده شود و سرنوش مبنی ما و خلق‌هایی که در آن به سر می‌برند، تنها با اعمال اراده، آزاد نوده‌های ده‌ها میلیون رزمندگان تعیین گردد.

طی دو سال و نیمی که از پیروزی انقلاب شکوهمند مبنی ما می‌گذرد، کامیابی‌های چشم‌گیری در زمینه ناممکن استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون نیز مردم مبنی ما به بیکاری سرنوش‌ساز برای تنب و تحکیم و گسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگر تصور شود که انقلاب ایران در زمینه استقلال همه‌جانبه به همه آماج‌های خود رسیده است:

**در زمینه استقلال سیاسی امیرالیسم جهانی، به سرکردگی امیرالیسم آمریکا** طی دو سال و نیم گذشته، در حاکمیت سیاسی، به وسیله عملی که در نهاد های انقلابی جاری شده، در مجموعه جوساسی فعال، پایگاه‌های نیرومندی را در اختیار داشت و از آن‌ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی حاکمیت جمهوری اسلامی ایران به طور موثر بهره‌گیری می‌کرد، با کمال تأسف باید گفت که، هنوز هم می‌کند. حالا دیگر راز پوشیده‌ای نیست که ناهمین اواخر وزارت خارجه ایران تقریباً تمام ترکیب هیئت‌های نمایندگی ایران در سراسر جهان در دست بارماندگان عیان و نهان رژیم گذشته و پیاده‌کنندگان راه سازش با امیرالیسم، یعنی سنجایی‌ها، بر دی‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و سایر دستارانشان قرار داشت.

در آن زمان سیاست خارجی ایران به طور مشخص در جهت هموار کردن راه سازش با امیرالیسم آمریکا، در جهت جلوگیری آشکار و بی‌پروا از گسترش مناسبات دوستانه با کشورهای انقلابی و جنبش‌های آزادی‌بخش صدامیرالیستی که در جنبه واحدی با انقلاب ایران علیه امیرالیسم و صهیونیسم مبارزه می‌کنند، در جهت تیره‌ساختن مصنوعی مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی، که همه‌جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند، سیر می‌کرد.

در برخورد با رویدادهای کشور همسایه و برادر ایران، افغانستان، بر دی‌ها و قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها سیاست ایران را درست به صورت دنباله سیاست دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران و همه انقلاب‌های مردمی جهان، یعنی آمریکا، انگلیس، پاکستان، چین، عربستان، مصر و عمان در آوردند.

تصادفی نیست که پس از گذشت بیش از دو سال و نیم از پیروزی انقلاب، میان کشور ما و کشورهایی چون جمهوری دموکراتیک خلق یمن و جمهوری سوسیالیستی ویتنام، که در اولین سگرهای مبارزه علیه امیرالیسم جهانی قرار گرفته‌اند، ناره دارد روابط سیاسی برقرار می‌شود و دولت ایران هنوز از به رسمیت شناختن دولت انقلابی کامبوجیا خودداری می‌کند، و آن‌هم در شرایطی که این دولت انقلابی از طرف همه کشورهای جنبه جهانی صدامیرالیستی و همه جنبش‌های آزادی‌بخش ملی به رسمیت شناخته شده و تنها از طرف امیرالیست‌های آمریکا، اروپای غربی و ژاپن، و نیز چین و اسرائیل و رژیم پینوشه و آفریقای جنوبی و سایر

دشمنان انقلاب ایران تحریم شده است.

مردم ایران و همه نیروهای راستین انقلاب با خشنودی این واقعیت را مورد توجه قرار می‌دهند که از مدتی پیش از برکناری بنی‌صدر، و به ویژه پس از رسوایی و برکناری خط آمریکایی سازش و تسلیم از میدان فعالیت سیاست خارجی ایران، گام‌های چندی در جهت تصحیح این گرایش بیمارگون برداشته شده است. امید است که این گام‌ها سرآغاز یک چرخش تاریخی در شناخت درست دوستان و دشمنان انقلاب ایران در میدان بزرگ امیرالیستی باشد.

به نظر ما دردنیای امروز استقلال واقعی و عدم وابستگی هر کشور بدون همبستگی با جنبه عظیم و نیرومند جهانی صدامیرالیستی امکان‌پذیر نیست. این جنبه، به طور تفکیک‌ناپذیر، تشکیل می‌شود از کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل و انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته و جنبش‌های راستین آزادی‌بخش ملی و صدامیرالیستی چه آن‌هایی که در کشورهای خود به پیروزی رسیده و دولت‌های صدامیرالیستی و مردمی به وجود آورده‌اند و چه آن‌ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی و استقلال سیر می‌کنند.

این جنبه محصول یک سیر تاریخی بسیار دراز مدت نیروهای مردمی، محصول مبارزات نزدیک به دو بیست ساله طعنه کارگر در سراسر جهان، محصول پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر در روسیه، محصول پیروزی اتحاد شوروی و سایر نیروهای انقلابی خلقی و آزادیخواه علیه فاشیسم آلمان و ایتالیای نظامی - گری ژاپن در جنگ دوم جهانی، محصول دگرگونی‌های سوسیالیستی در نزدیک به بیست کشور جهان در دوران پس از جنگ، و سرانجام محصول کامیابی‌های عظیم و بر دزدگی و مرگ جنبش‌های صدامیرالیستی و استقلال طلب در ده‌ها و ده‌ها کشور دیگر است. این جنبه محصول عالی تلاش تمام بشریت مترقی دوران ما علیه سیدادگری و غارتگری سرمایه است. تجربه نشان داده است که تنها در چارچوب همبستگی با این جنبه جهانی، جنبش‌های راستین و اصیل آزادی‌بخش ملی می‌توانند به آماج‌های استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت‌پروانه خود دست یابند و، درست برعکس، بریدن پیوندهای همبستگی با این جنبه نیرومند جهانی، نخستین گام در جهت افتادن در دام‌های امیرالیسم جهانی است. سرنوش انقلاب‌های ویتنام، کوبا، لائوس، کامبوجیا، موزامبیک، آنگولا، الجزایر، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان، هندوستان و ده‌ها کشور دیگر از یک سو، و کشورهای اندونزی، مصر، سودان، سومالی، عراق، مالی و پاکستان از سوی دیگر، به بهترین وجهی این واقعیت دوران ما را نشان می‌دهد. دشمنان همبستگی با این جنبه نیرومند جهانی و آن عناصر ناآگاه که در دام این دشمنان افتاده‌اند می‌کوشند از راه بازی با واژه‌ها این همبستگی و کمک متقابل برادرانه و برابر حقوق را به عنوان وابستگی حایرسد و نوده‌های مردم انقلابی را از حرکت در این راه بازدارند.

واقعیت انکارناپذیر دوران ما در سراسر جهان نشان می‌دهد که دشمنان سرسخت دوستی و همبستگی با جنبه جهانی صدامیرالیستی، زیر هر نقابی که ظاهر شوند، بالاخره مانند قطب‌زاده‌ها و بنی‌صدرها از اتالیق تسلیم به امیرالیسم سردرمی‌آورند.

### دفاع ملی

ناممکن استقلال سیاسی بدون امکان‌ات اطمینان‌بخش برای دفاع ملی میسر نیست. دردنیای کنونی، که نیروهای منحاز امیرالیستی و رژیم‌های ارتجاعی برای تثبیت پایه‌های متزلزل شده کاخ‌های فرمانروایی غارتگرانه و حایرانه خود، از دست بازیدن به هیچ گونه حیاتی روگردان نیستند. سازماندهی یک سیستم نیرومند دفاع ملی، هم در زمینه دفاع نظامی و هم در زمینه امنیتی، یعنی دفاع در برابر نفوذ خرابکاران و توطئه‌گران وابسته به دشمن، از ضرورت‌های درجه اول انقلاب است.

تجاوز نظامی رژیم ضد مردمی و جنایتکار صدام پیمان تجاوزهای نظامی امیرالیستی نیست. امیرالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه خود را برای وارد آوردن ضربات بعدی به جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کنند. آمریکا پایگاه‌های نظامی خود را در پیرامون ایران گسترش می‌دهد. در ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی پایگاه‌های نظامی جدید بوجود می‌آید و پایگاه‌های موجود فعال می‌شود. ارتش آمریکا نیروی ضربتی واکنش سریع را برای ورود به عمل آماده می‌کند. و هم - پیمانان اروپایی او در ناتو تعهدات معینی در این زمینه به عهده می‌گیرند. خلیج فارس عملاً در محاصره نیروی دریایی و پایگاه‌های نظامی آمریکا قرار دارد.

اسرائیل، تسهکاری خود را در کشورهای عربی هر روز تشدید می‌کند و رژیم‌های ارتجاعی مصر و سودان و اردن و عربستان وارد بندوست‌های خطرناکی با امیرالیسم و صهیونیسم می‌شوند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین و حساس‌ترین آماج‌های نظامی امیرالیسم در خاور میانه است و برای این که در برابر توطئه‌های نظامی امیرالیستی بتواند از خود دفاع کند به ارتشی نیرومند، انقلابی و مردمی نیاز دارد. نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هرگونه تجاوزی باید هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری خدشه‌ناپذیر این نیروها در تمام سطوحش به آرمان‌ها و آماج‌های انقلاب و در اختیار گرفتن جنگاوارهای امروزین و کاربرد و آمادگی فنی و ورزشی. باید ترتیبی داد که ارتش ایران بهترین سلاح‌ها را بدون وابستگی و قید و شرط به دست آورد و از همه امکانات برای خودکفائی ارتش تاحدممکن بهره‌گیری شود.

ولی همان‌طور که تجربه دو سال و نیم انقلاب نشان داده، شرط اول و اساسی برای ایجاد چنین سیستمی، پاکسازی دقیق دستگاه‌های دفاعی و امنیتی و انتظامی از عناصر وابسته به دشمن و ایجاد سدی بر سر راه نفوذ ستون تحم ساواکی، سلطنت طلب، مائوئیستی، لیبرال و خرابکار در این سیستم است.

بقیه از صفحه ۹

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

تجربه دو سال ونیم گذشته نشان داد که هتدادهای سازمان‌های مرفقی در این زمینه تاجه اندازه درست بوده است.

این تجربه از طرف دیگر به خوبی نشان داد که توده‌های ستیزی، فدائی ستیزی و کمونیسم ستیزی، زیرچتر تظاهر افراطی به اسلام، تنها و تنها جاده صاف کنی برای نفوذ عناصر ضدانقلاب نظیر کشمیری، کلاهی، فخرزاده، معری و دهها و دهها افسر کودتاجی از نوع باقری و علوی دردسنگاه‌های ارتشی، پلیس و امنیتی بوده است. این اصل در آینده هم مسلما به قوت خود باقی خواهد ماند.

هرگونه تلاش برای جلوگیری از شرکت نیروهای راستین انقلاب در امر دفاع ملی، خواسته یا ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، خدمتی است به نیروهای کین‌تور ضدانقلاب. تاریخ آینده انقلاب ما صحت این حقیقت انکارناپذیر را تایید خواهد کرد و چهره کریه قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌های افشاء شده را از زیرنقاب‌های ریاکاری بیرون خواهد کشید.

در امر سازماندهی دفاع ملی، تقویت همه‌جانبه سپاه پاسداران - ازلحاظ آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزی سبک و سنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه بیش از پیش نیروگرفته و جای شایسته خود را در دفاع از انقلاب احراز کند.

در امر سازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش‌های گوناگون نیروهای دفاع ملی از ارتش تا سپاه ضرورت حتمی دارد. این هماهنگی باید بر مبنای اصول انقلابی تحکیم شود و در خدمت آماج‌های مردمی و ضدامپریالیستی انقلاب قرار گیرد.

### استقلال اقتصادی ضامن بی‌چون و چرای استقلال سیاسی است

در این زمینه نیز انقلاب شکوهمند میهن ما به دستاوردهای گرانسپاهی رسیده است، که هر یک بر سلطه بی‌چون و چرای امپریالیستی بر اقتصاد ما، ضربه‌ای کاری وارد آورده است. یکی از مهمترین این دستاوردها همان کوتاه کردن دست غارتگر امپریالیست‌های جهان‌خوار از صنایع سرشار نفت ایران است که با لغو کلبه قرار - دادهای تحمیلی استعماری، به آخرین مرحله رهایی از تسلط انحصارهای امپریالیستی رسید. ولی علی‌رغم این دستاورد بزرگ و دستاوردهای دیگر، اقتصاد ما هنوز در تار عنکبوت وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دست‌وپا می‌زند و هنوز با صدها زنجیر به آن بسته است. تجارت خارجی ما، که اکنون وسیع‌ترین و فعال‌ترین بخش اقتصاد کشور است، به طور عمده و تعیین کننده در دست سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی یک‌جانبه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع مونتاژ، که بخش عمده صنایع ساخته شده در چارچوب وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را تشکیل می‌دهد، هنوز در این چارچوب دست‌وپا می‌زند و آینده روشنی برای آن دیده نمی‌شود. همان‌طور که سیاست مزورانه و دورویانه امپریالیست‌های ژاپنی در مورد خودداری از ادامه بخش کوچک، بایایی ساختمان مجتمع پتروشیمی نشان می‌دهد، ایس غارتگران جهانی تنها در شرایط مناسب دوران آریامهری، یعنی دوران غارت بی‌بندوبار ثروت‌های ملی ما، حاضر به همکاری با کشور ما هستند. از همان روز پیروزی انقلاب ایران، برای کسانی که امپریالیسم را در تمام تار و پودش می‌شناختند، روشن بود که سیاست رسیدن به استقلال اقتصادی برای ایران انقلابی، تنها و تنها از راه بریدن همه زنجیرهای وابستگی به اقتصاد امپریالیستی و تلاش برای بهره‌گیری از مناسبات برابر حقوق با کشورهای که حاضر به برقراری چنین مناسباتی هستند، و در درجه اول با کشورهای جنبه عظیم ضدامپریالیستی جهان امکان پذیر است. تنها در چارچوب این مناسبات است که کشور ما می‌تواند از ثروت‌های عظیمی که در اختیار دارد، برای پایه‌ریزی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، به بهترین نحو استفاده کند. مقایسه نتایج کار مجتمع‌های بزرگ صنعتی ذوب آهن اصفهان و پتروشیمی با تمام ونیز کارخانجات گران قیمت فولاد گازی یا یکدیگر، بهترین نشانگر راهی است که انقلاب ایران باید برای توسعه صنایع خود، به عنوان پایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزیند. راه رسیدن به استقلال اقتصادی میهن ما از کارمیدان‌های وسیع صنایع ذوب فلزات، ماشین‌سازی و پتروشیمی، که باید هرچه زودتر دست به کار احداث آن‌ها شد، می‌گذرد. و این صنایع را تنها و تنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسیالیستی می‌توان پایه‌گذاری کرد. دشمنان و مخالفان این سمت‌گیری در اقتصاد کشور ما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا ناآگاهانه، ذرجهت نابودی استقلال سیاسی و تجدید وابستگی استعماری دوران آریامهری عمل می‌کنند.

در مورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست‌های جهان‌خوار، به ویژه اکنون که از تجدید سلطه خود بر کشور ما روزبه روز ناامیدتر می‌شوند، در مورد کشور ما، چنانچه در مواضع ضدامپریالیستی و ضدصهیونیستی خود پایدارمانند، همان سیاستی را اعمال خواهند کرد که ۲۰ سال است در مورد کوبای انقلابی و چندین سال است در مورد ویتنام انقلابی اعمال می‌کنند، یعنی ادامه و تشدید فشارهای اقتصادی تا حد تحریم خرید نفت ایران. در این زمینه امپریالیست‌ها از حمایت دستیاران خود در عربستان سعودی و دیگر رژیم‌های ارتجاعی کشورهای صادرکننده نفت، بهره‌گیری می‌کنند. امتناع ۱۳ شرکت ژاپنی از ادامه خرید نفت ایران، که مسلما در رابطه با کارتل غارتگر آمریکایی، انگلیسی - هلندی نفت انجام گرفته، حلقه‌ای از زنجیر این اعمال فشار اقتصادی است. ساده‌بینانه است اگر تصور شود که امپریالیست‌های جهانی، با توجه به امکاناتی که در عربستان سعودی و دیگر کشورهای نفت خیز زیر تسلط خود دارند، پیش از انفجار انقلابی در این کشورها

به علت احتیاج به نفت ایران، اجاری به پذیرش شرایط ایران انقلابی خواهند داشت. دولت ایران باید در زمینه اقتصاد نفت و گاز هرچه زودتر این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش بسیار مهم از اقتصاد، هم‌اکنون جهت تامین بازار فروش نفت و گاز و هم‌اکنون جهت تامین تکنولوژی و وسایل ضرور برای استخراج و بهره‌برداری صنعتی، تنها در چارچوب همکاری همه‌جانبه با کشورهای جنبه جهانی ضدامپریالیستی و کشورهای که در راه تامین استقلال اقتصادی خود کوشا هستند، امکان پذیر است.

تأمین و تضمین استقلال اقتصادی، یعنی رهایی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوتاه کردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته به اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و از بخش تعیین کننده توزیع کالاهای ضرور در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، امکان پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید در این زمینه مواضع مسلط به دست آورند. جامعه تنها از این راه می‌تواند بر فعالیت بخش خصوصی نظارت کند و به غارتگری بی‌بندوبار کلان سرمایه‌داران و محترکان و واسطه‌های بزرگ زالوصفت که در طول دو سال ونیم پس از انقلاب، به گونه‌ای لحام گسیخته، زحمتکشان میهن ما را غارت کرده‌اند، لگام زند.

### لزوم پی‌ریزی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی

رسیدن به استقلال اقتصادی بدون پی‌ریزی و سازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی و دام‌داری، برپایه آخرین دستاوردهای علمی و تجارب اجتماعی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

نخستین گام در این راه پایان بخشیدن به نظام جنایت‌بار بزرگ مالکی است که هنوز، چون هشت‌پای خون‌آشام، آخرین رمق میلیون‌ها خانوار زحمتکش روستا را می‌مکد و بزرگ‌ترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشد اقتصاد کشاورزی است. تصویب و اجرای بی‌خدشه و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایه آنچه در شورای انقلاب مورد تایید قرار گرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموار می‌کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است. پی‌ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه‌های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم‌رشد، میسر خواهد بود. برای کشور ما، که زحمتکش روستایش از ابتدایی‌ترین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی و دامپروری محرومند، یگانه وسیله برای بازگردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی‌های کشاورزی و دامداری و شرکت دواطلبانه دهقانان، با کمک همه‌جانبه دولت، در آن‌ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

- ایجاد مراکز تحویل و تعمیر ماشین‌های کشاورزی و تامین سوخت آن‌ها.
- تامین و تحویل کود ضرور و بیدر مغوب و پرمحصول.
- تاسیس و گسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین‌آلات، تحویل بذر و کود، خدمات عمرانی و راهنمایی دهقانان.
- واگذاری اعتبارات دراز مدت و کم بهره.
- فعالیت دامنه‌دار برای تهیه آب، آبرسانی، برق رسانی و ساختمان راه‌های روستایی.
- خرید یکجا و با بها مناسب مازاد محصولات کشاورزی و قطع دست غارتگر سلف‌خران، واسطه‌ها و محترکان.
- کمک به ایجاد شبکه وسیع تعاونی‌های مصرف برای رفع نیازمندی‌های روزمره روستائیان.
- کمک به ایجاد شوراهای ده در کلیه روستاها و دادن اختیارات و امکانات مالی و قانونی به آن‌ها و تبدیل آن‌ها به ارگان‌های فعال و موثر قدرت دولتی در روستا.

### استقلال فرهنگی

به موازات وابستگی اسارت‌بار سیاسی و اقتصادی، رژیم ننگ‌بار پهلوی اسارت فرهنگی میهن عزیز ما را، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزش‌ترین فرهنگ‌های جهان است، به فرهنگ در حال انحطاط غرب و به ویژه به فرهنگ "منحط آمریکایی به بالاترین درجه خود رسانید، - به جایی رسانید که گذاشتن نام "عطاری" و یا "داروگری" روی تابلوها ننگ و عار به حساب می‌آمد و "سوپر مارکت" و "دراک استور"، که ۹۹ درصد از مردم ایران معنای آن را نمی‌فهمیدند و نمی‌فهمند، نشانه تشخیص و اعتبار شد.

کریه‌ترین داغ ننگ بر سیاست فرهنگی رژیم وابسته آریامهری واقعیت‌های سوادآموزی است. در کشوری با این همه امکانات اقتصادی و مالی، که کم‌تر کشور در حال رشد در جهان از آن برخوردار بوده است، در کشوری با این فرهنگ غنی و اصیل، کندی پیشرفت ابتدایی‌ترین پایه فرهنگ مرفقی، که با سواد کردن توده‌های میلیونی زحمتکش است، کم‌نظیر بوده است. همین بس که در آخرین سال فرمانروایی رژیم وابسته سرنگون شده، خود رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۹۴ درصد زنان روستایی از نعمت خواندن و نوشتن محرومند و امکان سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین و مبرم‌ترین وظایفی که انقلاب شکوهمند میهن ما در برابر حاکمیت انقلابی گذاشت، همین پاره کردن زنجیرهای وابستگی اسارت‌بار فرهنگی به فرهنگ در حال انحطاط غرب و بی‌ریزی یک فرهنگ شکوفای ملی بود. امام - خمینی در رهنمودهای خود به مناسبت نهضت سوادآموزی و گسترش شبکه مدارس و مبارزه با غرب زدگی در فرهنگ، اهمیت این نبرد را به مسئولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکه مدارس ابتدایی در روستاها و شهرها و تصمیم دولت درباره کمک مالی به هر گروه مردمی که بخواهد مدرسه‌ای باز کند، البته گام‌های قابل تائیدی در این راه بوده است. ولی این‌ها فقط قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان میلیون‌ها مردم به فرهنگ.

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

کمیون‌ها، اشتباهات، خرابکاری‌ها... که در همه زمینه‌ها اثر گذاشته است. در این میدان هم به صورت مانع اصلی در برابر روند پیشرفت درآمد. به علت تسلط غرب‌زدگان و آمریکازدگان و پیروان خط لیبرالی سازش و تسلیم بردولت موقت و دنباله‌روان آن، از یکسو، و عملکرد گروه‌های واپس‌گرا، که با هرگونه اعتلای فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزند، از سوی دیگر، امکانات بسیار مساعد و بزرگی در دو سال و نیم دوران انقلاب از دست رفت، و ما امروز در برابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعه فرهنگ مردمی پیشرو، قرار گرفته‌ایم.

دانشگاه‌ها، که وظیفه تربیت کادر علمی و فنی برای رشته‌های گوناگون اقتصاد، صنایع، کشاورزی، ساختمان، فرهنگ، آموزش و پرورش، سازماندهی کشور و غیره را برعهده دارند، به جز دانشگاه‌های علوم دینی و گوشه‌ای از دانشکده‌های پزشکی، در حال تعطیلند. بیش از صد هزار جوان دانشجو، که در دانشگاه‌ها مشغول تحصیل بودند، بیکار و بی‌هیچ دورتمایی برای زندگی، شنه آموختن و به‌کار انداختن آموخته‌های خود در راه اعتلای فرهنگی و اقتصادی میهن، در حال انتظارند. هر سال ده‌ها هزار دانش‌آموز، دبیرستان‌ها را ترک می‌کنند و به این خیل عظیم می‌پیوندند. همه این‌ها در مجموع خود، زمین حاصلخیزی برای بدرفاشانی‌های ضدانقلاب و رویاندن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد.

ولی به موازات این محرومیت‌ها برای صدها هزار جوان میهن‌ما، که اکثرشان از وایستگان به اقشار میانه و بخشی از فرزندان طبقات محروم‌اند، برای بیش از یکصد هزار نفر، که اکثراً از اقشار ثروتمند و حتی از خانواده‌های غارتگران هستند، در دانشگاه‌های آمریکا، انگلیس، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب، با برخوردارگی از همه‌گونه تسهیلات، امکان تحصیل فراهم می‌شود. پذیرش این دعوی دشوار است که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق، زیر نظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، غرب‌زدگی پیدا می‌کنند، ولی فرزندان اقشار مرفه، با هزینه ماهیانه ۱۰۰۰ دلار و پرداخت هزینه تحصیلی سالیانه در حدود ۱۵ هزار دلار برای هنر، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس، درست آن‌طور تربیت می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران خواهان آنست!

این نقیض آشکار با هیچ "برهانی" قابل توجیه نیست. نهضت سوادآموزی، که در آغاز نیروی عظیمی را با شور و شوق بخود جلب کرد، به علت تنگ‌نگری و قشری‌گری مسئولان در حقیقت به حال رکود افتاده است. ناسف‌انگیز است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم، که بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و سمت‌گیری سیاسی وابستگی ندارند، تنها به این علت که از پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی که بسیاری از طلاب علوم دینی نیز از آن عاجزند از شرکت در بیکار علیه بیسوادی محروم می‌مانند.

ما نمی‌توانیم تردید کنیم که در این میدان مهم نبرد هم امیرانظام‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها و کشمیری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند، تا با کمک آگاهانه و یا ناآگاهانه عناصر تنگ‌نگر و قشری و با به‌کار بردن همان شیوه‌هایی که در میدان فعالیت سیاسی و اقتصادی به‌طور موثر به‌کار برده‌اند، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند و هر جا بتوانند آن را به بیراهه بکشانند. رشد یک جامعه در دنیای کنونی و آینده، بدون رشد همه‌جانبه فرهنگ عمومی آن، در زمینه‌های علوم، فنون، ادبیات، هنر و زمینه‌های دیگر غیر قابل تصورات. مسلماً می‌توان با چارچوب‌های یولادین جلو رشد طبیعی و مترقی فرهنگ یک جامعه را برای مدت زمان معینی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگر در جهت سیر تکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیرتاریخ اسلام انقلابی و مردمی و نیز سیرتاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشه انقلابی دوران معاصر ما، نمونه‌های برجسته این حکم تخطی‌ناپذیر تاریخند.

برپایه این اعتقادات است که حزب توده ایران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یکسو، و عملکرد عناصر ناآگاه و خودمحور و تنگ‌نگر و واپس‌گرا از سوی دیگر، جریان عظیم و سرنوشت‌ساز انقلاب فرهنگی را از سمت‌گیری اصیل خود منحرف سازند. هدف این سمت‌گیری نمی‌تواند چیزی جز پاره کردن زنجیرهای اسارت غرب‌زدگی و انحطاط از دست و پای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همه‌جانبه و آزاد فرهنگ مردمی مترقی، با بهره‌گیری از همه ارزش‌های فرهنگی مترقی و مردمی جهان پیرامون ما، باشد.

## ب. آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند میهن ما "آزادی" است. میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد سیاه سلطنتی خاندان پهلوی و سایر عمال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده و قیام کردند که آن نظام سنگین خودکامه را براندازند و نظامی برخاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرار کنند.

پس از پیروزی انقلاب، طبقات بهره‌کش و گروه‌های سیاسی بیانگرمناغ این طبقات کوشیدند تا شعار آزادی را نه آنچنان که توده مردم می‌خواستند، بلکه آنچنان که منافع تنگ‌طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند تعبیر و اجرا کنند: سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال کلمه "آزادی" را برای فریب مردم به‌کار برده و به معنای آزادی منحرف کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم جهانی

گرفتند و سرمایه‌داران غارتگر به معنای آزادی انباشت و کاربرد آزاد سرمایه و آزادی بهره‌کشی از کارگران و زحمتکشان و آزادی غارت بی‌بندوبار تلقی کردند، تنگ‌نگران و خودمحوران آزادی را فقط برای خود به قصد سرکوب "دگراندیشان" و تحمیل نظر خود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، چه در صفوف مبارزان مسلمان و چه در صفوف پیروان راستین سوسیالیسم علمی، شعار آزادی را به معنای واقعی که توده مردم می‌خواستند و می‌خواهند درک کرده و برای استقرار آن رزمیدند. این نیروهای انقلابی راستین که با تمام نیرو از ابعاد استقلال‌طلبانه، آزادمنشانه و عدالت‌خواهانه خط امام خمینی پشتیبانی می‌کنند، آزادی را برای توده‌های ده‌ها میلیونی کوخ‌نشینان، محرومان، مستضعفان، و یا با کلامی دیگر، برای زحمتکشان شهر و روستا، می‌خواهند. آن آزادی که ما پیوندگان راه توده‌های محروم برایش مبارزه می‌کنیم، از نوعی است که توده‌های زحمتکش میهن ما، به‌ویژه در دوران استبداد سیاه آریامهری، از آن محروم بوده‌اند، معنی آزاد شدن از غارتگری چپاولگران، آزاد شدن از یوغ اسارت سیاسی و فرهنگی نظام استبدادی وابسته به استعمارنو، آزادی از ترس و دلهره دائمی به مناسبت داشتن این یا آن اندیشه اجتماعی، آزادی از بردگی و بندگی، آزادی از گرسنگی، رهائی از بیماری‌ها، آزادی از بی‌خانگی، آزادی از بی‌فرهنگی، آزادی از ستم و محرومیت‌های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده‌های زحمتکش، که ایجادگران همه ارزش‌های واقعی جامعه هستند، بر آنیم که تأمین آزادی‌های واقعی برای این توده‌های ده‌ها میلیونی، خواه ناخواه با محدودیت‌هایی برای "آزادی" مورد خواست طبقاتی که موجودیتشان برپایه محرومیت این توده‌ها استوار است، نوام خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت و چپاول نمی‌توان توده‌ها را از غارت شدن آزاد کرد.

بدین سان، مبارزه در راه تأمین آزادی برای توده‌های ده‌ها میلیونی، حتماً با سرکوب آشتی‌ناپذیر ضدانقلاب، با قطع همه ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با لحام زدن به همه خودمحوران و تنگ‌نگران و قشری‌گرایان، که برای سایر انقلابیون حقی قائل نیستند و می‌کوشند تا زورمندی را جانشین آزادی برای توده‌ها سازند، همراه خواهد بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ارزنده و بسیار مهمی در زمینه تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی تثبیت شده است. امام خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت و اهمیت رعایت این آزادی‌ها را برای همه کسانی که قصد توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته باشند، تأکید کرده‌اند.

ولی باکمال ناسف جریان اوضاع در کشور ما بخش بزرگی از نکات تصریح شده در قانون اساسی را در زمینه آزادی‌های فردی و اجتماعی، به حال تعطیل درآورده است. بخش قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، که با تمام نیروی خود در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان، در مبارزه برای درهم‌کوبیدن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا، در مبارزه برای اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب گام برداشته و برمی‌دارند، از بسیاری از آزادی‌های قانونی محرومند. افراد غیرمستول، با دستگیری گروه‌های غیرقانونی اعمال فشار، دفاتر احزاب و گروه‌های سیاسی را غارت می‌کنند، از فعالیت آنان جلوگیری می‌کنند، به کتابفروشی‌ها هجوم می‌برند، کتابسوزان راه می‌اندازند و از این راه، جو ترس و وحشت را جایگزین آزادی تصریح‌شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

با بهره‌گیری از همین جو ناسالم است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ریا و تزویر و داشتن ریش و نسج، مانند کشمیری‌ها و کلاهی‌ها و فخارزاده‌ها، نه تنها در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی، بلکه در رسانه‌های گروهی و برخی نشریات منتسب به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده‌اند و با آزادی کامل در سم‌پاشی و بغاف‌افکنی جنبه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب ناتوان می‌کنند. کارگران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموزگاران و پرستاران و غیره، از تشکیل سازمان‌های صنفی، که بعنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی ثبت شده است، محرومند، ولی در عوض کلان سرمایه‌داران و واسطه‌ها با آزادی کم‌نظیری به غارت و حشایشانه ثروت‌های ملی و محصول کار زحمتکشان مشغولند. گروه‌های فشار، نظیر گروه "حجتیه" در سراسر کشور، و گروه "شیت" در غرب کشور و نظائر آن‌ها در دیگر نقاط، با تظاهر افراطی به مذهب، همه‌جا مردم را از ابتدائی‌ترین آزادی‌هایی که، نه به جامعه و نه به هیچ فردی صدمه می‌زند، محروم می‌سازند.

حرب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئولیت پیدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه‌های جدی تهدید برای روند تثبیت و تحکیم انقلاب درآمده است، در درجه اول متوجه طیف پهن‌اور جنبه متحد ضد-انقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه‌های افراطی راست در حاکمیت و یا در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه‌های افراطی "چپ" در جامعه، می‌دانند.

جنبه متحد ضدانقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی‌های مردمی و توده‌های در جامعه انقلابی ما است. این جنبه در عین اینکه فریادهای طرفداری از آزادی‌اش گوش همه را کر کرده، در واقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. "آزادی" موردعلاقه ساواکی‌ها، بختیار، اویسی، لیبرال‌ها، قطب‌زاده‌ها، بنی‌صدرها از این قماش است. آنها خواهان "آزادی" برای تدارک کودتای نوزدهم، "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امپریالیسم آمریکا و اروپای غربی و ژاپن، "آزادی" برای همکاری با حکومت‌های مرتجع و

بقیه از صفحه ۱۱

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

وابسته مطلقه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین صدامیریالیستی و مردمی - اعم از پیروان خط امام خمینی و یا پیروان سوسیالیسم علمی، هستند. جنبه متحد ضدانقلاب از این تاکتیک مزورانه خود، یعنی فریادکشیدن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای ایجاد محیط عدم ثبات، با توسل به همه اقدامات جنایتکارانه - از ترور مسئولان گرفته تا آتشزدن خرمن‌ها، تخریب کارخانه‌ها، فلج کردن اقتصاد کشور، ترویج گرانی، بی‌اعتمادی و غیره - از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، با این اقدامات آنقدر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، تا بتواند آن را براندازد و راه را برای به قدرت رسیدن "دولت میانه‌رو"ی باطبع آمریکا هموار سازد، دوم اینکه اگر فعلا این هدف دسترس‌پذیر نباشد، از راه کشتار مسئولان واقع بین، راه را برای به قدرت رسیدن جناح راست افراطی در حاکمیت، هموار کند. جنبه متحد ضد-انقلاب امیدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را نارضی کند و بطور غیرمستقیم محیط را برای توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری "سازمان مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌رو، که روزگاری از آزادی برای توده‌های مردم، آزادی برای پاره‌کردن بندهای اسارت ملی و طبقاتی دم می‌زدند، به این خیل ننگین "آزادخواهان"، که در حقیقت گورکبان آزادی هستند، پیوسته و پیروان گمراه‌شده خویش را به ابزار توطئه‌های خائنانه برانداز ضدانقلابی جنبه متحد ضدانقلاب مبدل کرده‌است. نتیجه عملی فعالیت این نیرو همین است که امروز شاهدش هستیم. هر هفته، در خیابان‌های شهرهای ایران و در زندان‌ها، ده‌ها و گاه صدها جوان بابت آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از میان گمراه‌شده‌گان کشته می‌شوند و چندین نفر از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می‌شوند. ساواکی‌ها و ضدانقلابیون حرفه‌ای و سلطنت‌طلبان و لیبرال‌ها و سنون‌بنجم مائوئیستی آمریکا در کنار این معرکه خون‌آلود پایکوبی می‌کنند. هم‌اکنون از یکسو صدها نفر از مسئولان درجه اول جمهوری و بسیاری از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند. و از سوی دیگر بیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده‌اند.

ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که بسود انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان گمراه جدا کند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگند خورده انقلاب، خائنین به خلق و گریختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین مماشات سرکوب کند. در عین حال باید با اتخاذ سیاست ارشادی شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و گمراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند نیستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملاً مبرم انقلاب آنست که از اعدام‌های عجولانه و ناسمجده مطلقاً "احتیاط شود و موازین حقوقی و فساوونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اعدام کسانی که به اشتباه خودی می‌بینند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در بیکار صدامیریالیستی اعلام آمادگی می‌کنند معوق بماند تا در زندان به آنان فرصت داده شود که پیرامون راهی که رفته‌اند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بنادیند و صداقت خود را عملاً به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که پایبندی مقامات انتظامی و قضائی به اطلاع‌دهی ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که قانون اساسی را محترم می‌شمارند کاملاً سیاسی بسیار مهمی است در جهت بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

ما اطمینان داریم که چنین کام مهم سیاسی، بخش بزرگی از گمراهان را از خیانتکاران اصلاح‌ناپذیر و همچنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و جنایتکاران حرفه‌ای جدا خواهد ساخت و گمراهان را، بدون ترس و وحشت از مرگ، بدون توسل به دروغ و سیرک، صادقانه به زندگی مقصد سیاسی و اجتماعی باز خواهد گرداند. اطمینان داشته‌باشیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع و چندگانگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته‌است. این تصور که هم می‌توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق‌تر کرد و هم حق دفاع از آن را از بخش مهمی از نیروهای انقلابی سلب نمود، اشتباه بزرگی است و تلاش در پیاده‌کردن چنین برداشتی عملاً به‌زبان انقلاب و بسود دشمنان آن تمام خواهد شد.

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده‌است که نه با ترور و کشتار و نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم پیرامنه باشد نمی‌توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته‌اند، نابود کرد. افکاری که در مغزها جای گرفته‌اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و اقناع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می‌دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن‌عده از "مجاهدین خلق" و "چریک‌های اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج‌های صدامیریالیستی، آزادخواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می‌دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی که بر دوش دارند، از آنها می‌طلبند که بدون درنگ، با پندگرفتن از گام جسورانه هم‌رزمان سعادت، تمام نیروی خود را برای خنثی کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به این فجایع به‌کارانند.

به‌نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این برخوردها تنها و تنها به کیسه ارتجاع و ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های خونخوار حامی آنان سرازیر می‌شود و زبان‌های جبران‌ناپذیر آن، مانند آواری به‌سر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهد ریخت.

اشاعه ترور ضدانقلابی یک نقشه شوم امپریالیستی برای تضعیف نیروهای صدامیریالیستی است، مجری این نقشه پلید نشوید. رجوی‌ها و خیابانی‌ها با محافل ارتجاعی و عناصر طرفدار سرمایه‌دارها و فتودال‌ها ساخته‌اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده‌اند، آنها را از خود برانید. بدانید که این جمهوری با وجود همه نارسائی‌ها و کمبودهایش در تمام دوران موجودیتش و بویژه در ماه‌های اخیر ضربات دردناکی بر امپریالیسم وارد آورده‌است.

ارزیابی‌های نادرست را از فکر خود بیرون کنید، تبلیغات امپریالیستی را باور نکنید که می‌گویند رژیم در حال سقوط است. حصار فکری را که سازمان‌هایتان با تحریم همه رسانه‌های گروهی صدامیریالیستی دور ذهن شما کشیده‌اند، بشکنید حرف‌های سعادت را بیکار دیگر بخواهید. همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید. ارزیابی‌ها و نظرات خود را بر نارسائی‌ها و کمبودها و اشتباهات بخشی از حاکمیت استوار نکنید. ضدیت با امپریالیسم و تلاش برای لجام‌زدن به غارتگری بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران را مبداء قرار دهید. امپریالیست‌ها و مرتجعین همگی خط مشی مجاهدین را می‌ستایند و از رجوی حمایت می‌کنند. تمام کشورهای مترقی و انقلابی از جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌ها و تحاویزات امپریالیستی حمایت می‌کنند.

تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهد که ادامه دشمنی با نیروهای که با امپریالیسم می‌ستیزند، بلااستثناء و بدون تردید به همدستی با امپریالیست‌ها کشیده می‌شود و هر چه آن دشمنی کینه‌تورانه‌تر باشد این همدستی ناگزیرتر و در عین حال مخلصانه‌تر خواهد شد. آیا سرنوشت غمبار ما تو و دارودسته‌اش هنوز هم برای شما درس عبرت نیست؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان راستین راه انقلاب ایران علیه بر اشتباهات و خودمحوری‌ها را آرزو می‌کنند و آنان را فرا می‌خوانند که با تمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد هر چه وسیع‌تر نیروهای خلق، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند. ما آرزو می‌کنیم شرایطی فراهم آید که همه نیروهای صدامیریالیستی بجای آنکه بروی یکدیگر سلاح بکشند و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند، توان آنرا بیابند که مسایل خود را با یکدیگر از طریق انتقاد خلاق حل‌کنند و جنبه خلق را متحدتر سازند، ما برای فراهم آوردن چنین فضائی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای راستین انقلاب را مخاطب قرار می‌دهند و از آنها می‌طلبند تا تمام نیروی خود را برای پایان بخشیدن به این فجایع خونین که بدون تردید از طرف دشمنان انقلاب ایران به سرکردگی آمریکا به جامعه رنج‌دیده میهن ما تحمیل شده‌است، بیکار اندازند.

به‌نظر ما تنها و یگانه راه چیره‌شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه است.

ما بیکار دیگر پیشنهادهای خود را تکرار می‌کنیم و امیدواریم که مورد توجه مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد.

ما پیشنهاد می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه اعضاء و هواداران سازمان‌های چپ‌رو، که مستقیماً در عملیات مسلحانه و خرابکاری‌های انجام شده دخالت و مشارکت نداشته‌اند، متوقف گردد و از سوی دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده‌شود که در آینده هم، در صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده، محکوم به اعدام نخواهند شد، و در صورت فاصله‌گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن آن، می‌توانند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت سیاسی قانونی بپردازند.

## ج. عدالت اجتماعی

انقلاب ایران رژیمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌نظیر بود. بنیاد نظام آریامهری را حاکمیت بی‌بندوبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جنایت‌بار امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرکردگی خاندان فاسد پهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه آریامهری دره میان زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی محرومان شهر و روستا و اقشار ممتاز جامعه و کارگران و دستیارانشان چنان ژرف بود که در سراسر جهان به زحمت می‌شد نظیری برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یا یک کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود، درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار شده‌بود و این ثروت عظیم را انحصارهای امپریالیستی تولیدکننده جنگ‌افزار و اتومبیل و اشیاء لوکس و وسائل مصرفی، با همدستی خاندان پهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی و ساواکی‌های محافظ آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و ماموران بلندپایه دولت آریامهری، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند میهن ما این نظام را سرنگون ساخت. توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، انجام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تأمین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انگل‌ها و به‌کار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالابردن رفاه عمومی، بهداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، خواستار شدند.

بقیه در صفحه ۱۳

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

اکنون پس از گذشت دو سال و نیم از انقلاب، با قاطعیت می‌توان اعلام کرد: علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که در جهت محدود ساختن غارتگری کلان چپاولگران امپریالیستی و خودی انجام گرفته، در زمینه بهبود شرایط زندگی توده‌های ده‌ها میلیونی زحمتکشان گام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است. کاملاً درست بود که شهید رجایی به این محرومان می‌گفت:

"شما هم باید فریاد بزنید: رجایی! مستضعفین هیچ چیز گیرشان نیامده."

"ما نگران آن بخش عظیم از اسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نتوانسته‌ایم مستضعفین ایران را هنوز بهشان برسیم. هنوز نتوانسته‌ایم بر متولین که نماز می‌خوانند بگوئیم که نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری."

از روزنامه جمهوری اسلامی

۲۳ شهریور ۱۳۶۰

این اعتراف صادقانه را با گزارش مهندس سبحانی، رئیس کمیسیون بودجه و سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس، کنار هم بگذاریم:

"بخش خصوصی بدون استثناء سود برده است. به اعتراف خودشان در بخش تجارت... به خود بنده گفتند سودی را که در این دو ساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است."

پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرف‌کننده فروخته شده است. سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. در بخش کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده‌اند. برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده‌اند. متقال هزینه تمام شده‌اش، با تمام افزایشی که در نرخ پنبه هست، حدود متری ۶۵ ریال می‌شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی متقال را به متری ۱۷۰ ریال به بنکدارها فروختند و آنها نیز به مصرف‌کننده تا متری ۲۳۰ ریال. یک سازمان به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته الیاف مصنوعی را کیلویی ۶۵ ریال وارد می‌کند و در بازار کیلویی ۱۸۰ ریال عرضه می‌کند."

پیامد این غارتگری بی‌بندوبار، گرانی سرسام‌آور است که مانند کابوس بر کرده ده‌ها میلیون زحمتکش کم‌درآمد جامعه ما فشار می‌آورد و این فشار هر روز سنگین‌تر و طاقت‌فرس‌تر می‌شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور، در عین اینکه درست و مورد پشتیبانی است، ولی قطره‌ای است در دریا و همین‌طور است مسئله مسکن، مسئله بهداشت...

علیرغم خدمات گرانبهایی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمک‌رسانی به عقب‌افتاده‌ترین بخش جامعه ما، یعنی روستاها انجام داده و می‌دهند، هنوز بزرگ‌مالکان و خان‌ها اختاپوت‌وار بر اکثر روستاهای ایران چنگ انداخته، بر حیات روستا حکومت می‌کنند و با جازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می‌کنند.

چنین است گوشه‌هایی از آنچه که در دو سال و نیم گذشته در زمینه تامین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و با بهتر بگوئیم، هنوز دست نخورده مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری بصورت دولت موقت و بازرگان‌ها و ایزدی‌ها و صدرها و صباغیان‌ها و پس از آن بنی‌صدرها و نویری‌ها بر سیاست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری زالوهای خون‌آشام اجتماعی، بلکه برای تشدید بی‌بندوبار این غارتگری آماده می‌ساخت. غارتگران اجتماعی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، با بهره‌گیری از دشواری‌های ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی‌شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با چنگ و دندان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تامین عدالت اجتماعی جلوگیری می‌کنند.

علیرغم اینکه مردم انقلابی ایران بسیاری از خواسته‌های خود را در زمینه تامین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی - اصول ۴۴ - ۴۹ - و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان... هنوز گامی برداشته نشده است.

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت‌ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم شکستن همه توطئه‌های جبهه متحد ضدانقلاب، که می‌کوشد توده‌های میلیونی زحمتکشان را از انقلاب ناامید سازد، به این خواست برحق محرومان، یعنی پیاده کردن اصول قانون اساسی در زمینه تامین عدالت اجتماعی، جامه عمل بپوشاند.

باید با خارج ساختن شریان‌های اقتصادی از دست غارتگران سرمایه‌دار، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یعنی با تقویت همه جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدود ساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی، نظام اقتصادی آریامهری را از بنیاد دگرگون ساخت. همان‌گونه که تجربه نشان داده است، با شلاق زدن و جریمه گرفتن و یک ماه

تبعید کردن کاری از پیش نمی‌رود، و نیز ارشاد و تحریک بشردوستی و نوع‌پروری هم در سرمایه‌دار زالوصفت تاثیری ندارد. او به این ارشاد می‌خندد، شلاق را می‌خورد، جریمه را می‌پردازد، ولی از همان فردا و یا حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری، نه تنها چند برابر جریمه‌های پرداخت شده، بلکه چندین برابر "حق‌الدرد" شلاق‌ها را هم از جیب مصرف‌کنندگان بیرون می‌کشد. یگانه راه، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، تدارک و توزیع کالاهای ضرور و محدود نگاه داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است. این تنها شیوه‌ای است که در ده‌ها و ده‌ها کشور دیگر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده‌اند، موفقیت داشته است.

باید با برقراری هرچه سریع‌تر و ریشه‌دارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها، امکان تراکم بی‌بندوبار ثروت و سرمایه را از زالوها گرفت.

باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه‌جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی‌سابقه‌ای را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازستاند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تامین خواسته‌های حیاتی مردم زحمتکش، به صاحبان اصلی‌اش رسانید.

باید آنچه را که شهید دکتر باهنر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه بیان داشت، هرچه زودتر عملی ساخت.

باید مسئله تامین مسکن را جدی گرفت و با برنامه‌های فوری و درازمدت، گام اساسی در این راه برداشت. همین‌طور است مسئله تامین بهداشت عمومی برای محرومان، که باکمال تأسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده، بلکه بطور محسوس بدتر شده است. فداکاری و گذشت قابل‌ستایش گروهی از پزشکان و کارکنان متعهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانسته و نمی‌تواند بر دشواری‌های ناشی از عقب‌افتادگی دهشت‌آور در این زمینه، خیره شود.

اختیاراتی که امام خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ به نمایندگان مجلس داده، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی در جهت تامین عدالت اجتماعی فراهم کرده است. با این پاسخ امام، دشواری‌های شبه‌قانونی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی، انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تامین خواسته‌های زحمتکشان وجود داشته، از میان برداشته شده است. اینک بعهدده مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود پشتیبانی خواهند کرد.

### عدالت اجتماعی در زمینه حقوق زنان

زنان میهن ما و بویژه زنان طبقات محروم جامعه سهم بسیار بزرگی در پیروزی انقلاب و در روند تثبیت و تحکیم آن داشته و دارند. امام خمینی رهبر انقلاب بارها اهمیت مبارزه زنان برای تحقق آرمان‌های انقلاب را یادآوری کرده‌اند. زنان جامعه، علاوه بر همه محرومیت‌های اجتماعی که گریبانگیر همه زحمتکشان میهن ما از زن و مرد است بار محرومیت‌های اضافی دیگری را نیز بعنوان "زن" در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه‌های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد "درجه دوم" زیر فشار آداب و رسوم کهنه و قوانین و مقررات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان با مردان در زندگی اجتماعی هستند قرار دارند که دست‌وپای آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه‌های کار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده‌اند.

زنان نیمی از ملت ما را تشکیل می‌دهند و بدون شرکت فعال آنان در سازندگی جامعه نوین پیشرفت اجتماعی بسیار کند خواهد بود.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستار آنند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سمتگیری عدالت‌پژوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما بتوانند در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی - در میدان کار و فعالیت‌های سازندگی، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت و احترام متقابل از همه حقوق متکی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند.

### عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق‌های غیرفارسی

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از صدها سال به این سو خلق‌های فارس، آذربایجانی، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب در یک اتحاد برادرانه و برای آماج‌های مشترک اجتماعی و انسانی در جهت بدست آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن میهن واحدشان در تلاشند. ولی علیرغم این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسته به امپریالیسم خلق‌های غیرفارسی جامعه ما علاوه بر بار محرومیت‌های ناشی از سلطه استعمار و استعمارنو و غارتگری جنایت‌بار طبقات حاکمه بار سنگین محرومیت‌های ملی را بدوش کشیده‌اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی و خودگردانی محروم بوده‌اند.

محرومیت‌های ملی صرفنظر از اینکه در دروان‌های معینی امپریالیسم و ارتجاع داخلی توانسته‌اند این محرومیت‌ها را پایه‌ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت عینی جامعه ماست.

پیام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایان بخشیدن به آنست.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده‌اند که تنها با برانداختن ستم ملی که قرن‌هاست بر خلق‌های غیرفارسی اعمال شده است و تامین حقوق تصبیع شده آنان در چارچوب "خودگردانی" و "خود-مختاری" فرهنگی و اداری می‌توان عوامل ایجاد تحریک و تشنج را از دشما

بقماز صفحه ۱۲

## احزاب، جمعیت‌ها، سازمان‌ها...

انقلاب گرفت و اتحاد داوطلبانه و صادقانه همه خلق‌های ایران را براساس دوستی و حقوق برابرملی تأمین نمود. اتحادی که بدون تردید، یکی از مهمترین عناصر ثبات جامعه انقلابی ما و کامیابی‌اش در نبرد علیه دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکاست.

\*\*\*

نگاهی به واقعیت‌های حاکم بر جامعه کنونی، مابادشواری‌های بسیاری که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند میهن عزیزمان قد علم کرده‌اند، آشنا می‌سازد. چیره‌شدن بر این دشواری‌ها مسلماً کار آسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان نبرد جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع، از چنان نیروها و امکانات بالفعل و بالقوه‌ای برخوردار است که می‌تواند، در صورت بهره‌گیری عقلانی از آنها، همه دشواری‌ها را از سر راه خود بردارد. یکی از عمده‌ترین این نیروها و امکانات، گنجینه عظیم تجارب خلق‌های محروم جهان در نبردهای بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب‌های مردمی است.

بدون تردید انقلاب شکوهمند میهن ما دارای ارزش‌های والایی است که ما به حق بهره‌گیری از آنها را به دیگر خلق‌های محروم توصیه می‌کنیم. ولی تصور این که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه زمینه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع جدی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تأسف این شیوه برخورد زبان‌آور اکنون در بخش چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران بچشم می‌خورد.

واقعیت این است که پیش از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های یوسیده جنایت‌بار و غارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را تثبیت و تحکیم بخشیده و گسترش داده‌اند، و پس از ما نیز بدون تردید خلق‌های دیگری به چنین پیروزی‌ها دست خواهند یافت، و هر یک از این خلق‌ها ارزش‌های والای تازه‌ای به گنجینه پیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند افزود. ما باید در همه میدان‌های نبرد اجتماعی و بویژه در نبرد برای انجام دگرگونی‌های بنیادی بسود محرومان، از تجارب گرانبهای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعیت تاریخی بارها آزمون شده‌ای است، که برپاداشتن یک نظام نو و منکی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام جايرانه سرنگون‌شده، ده‌ها بار دشوارتر و بعرج‌تر از براندازی نظام کهنه است.

### پیام ما به همه نیروهای راستین هوادار انقلاب

خواهران و برادران و هم‌زمان ارجمند

پیام ما به شماست :

به شما مسلمانان پیرو راستین امام خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم استوار ایستاده‌اید و با هرگونه مسح محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید :

به شما رحمتکشان و میهن‌دوستانی که در راه پیاده‌کردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمید :

به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندمان، آرزوهای حق طلبانه خود را منعکس می‌بینید.

پیام ما به همه احزاب، یازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران - از هر مسلک و عقیده‌ای است.

پیام ما، نیز به شما هواداران راه‌گم‌کرده "مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که به سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از جاده انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شماست :

بباید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران، یعنی توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم شکیم و جنبه متحد دفاع از انقلاب شکوهمندمان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران هم‌زم !

بباید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جنبه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از

جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان بلید آن را سازمان دهیم و

ظومار همه توطئه‌های کنونی و آینده آنها را در هم پیچیم !

مردم زحمتکش میهن‌مادست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام

استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی

برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال،

آزادی، عدالت اجتماعی را تأمین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در

یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی

از آن می‌گذرد، ضربه کاری و جبران‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط جابرانه و

غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین

روزهای اوجگیری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود

برانگیخت. امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که هنوز

بعنوان قدرت بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند، بهیچ‌وجه نمی‌توانند با

انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش

سازگار باشند.

ما می‌بینیم که اتحاد شوروی، پس از ۶۴ سال که از انقلابش می‌گذرد و با آن

که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم‌چنان آماج انواع

توطئه‌های جنایتکارانه آمریکای جهانخوار است. خلق کره بیش از سی سال است که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای بیرون‌کشیدن بخش جنوبی میهن خود از چنگال خونین راهزنان غاصب، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق کوبا بیست سال است که با محاصره اقتصادی و دیگر توطئه‌های برانداختن امپریالیسم آمریکا در نبرد است. خلق ویتنام سی سال آرگار قهرمانانه رزمید تا به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت و هنوز هم مدام، از شمال و غرب و جنوب و شرق، آماج توطئه‌های آمریکا و خائنان چینی و مزدوران آمریکا و چین در کشورهای همسایه خویش است.

خلق آنگولا، که پس از قرن‌ها نبرد و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید، امروز دستخوش هجوم امپریالیسم آمریکا و نژادپرستان آفریقای جنوبی است. خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اسویبی، افغانستان و هر خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که توانسته‌است استقلال خود را بدست آورد و در راه نامی آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد، هدف توطئه‌های راهزنانه پایان‌ناپذیر امپریالیسم آمریکا و دستیارانش قرار دارد. خلق فلسطین با اسرائیل آمریکائی دست و پنجه نرم می‌کند، خلق صحرا با شاه حسن، دست‌نشانده دیگر آمریکا، و خلق نامی‌بیا یا آفریقای جنوبی، دستیار امپریالیسم جهانی، در پیکار مرگ و زندگی است.

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا، دشمن شماره یک جامعه بشری، مبارزه‌ای است طولانی، و دشوار و بعرج. ساده‌بینانه است اگر تصور شود که با پیروزی ما در این یا آن نبرد جداگانه، مبارزه با امپریالیسم جهانخوار آمریکا، پایان خواهد پذیرفت. این دشمن تاکنون توانسته‌است در کشورهای چون اندونزی، شیلی، مصر، کنگو، سودان، پرتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبرو سازد. تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ایثار در مبارزه مرگ و زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گزند این دشمن شریر جامعه انسانی مصون دارد.

تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگ‌نگری، خودمحوری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد. در چنین محیط‌هایی است که دشمن مکار و کارگشته انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زند، با کمک آنها نهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کند و به صورت دشمن آشتی‌ناپذیر، تا حد ایجاد برخورد‌های خونین برادرکشی، می‌روایند.

مسافرت هیئتی از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دبیرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دمکراتیک خلق کره، مسافرت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الجزایر و لیبی، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جنبه پایداری، دیدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دمکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دیدار با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا - همه گواه بر این واقعیت است که در جهان ما، همه نیروهایی که در یک آماج اساسی و تعیین کننده، یعنی در مبارزه علیه تسلط جابرانه امپریالیسم جهانخوار و ارتجاع سیاه جهانی به سرکردگی آمریکا، با یکدیگر شریکند، صرفنظر از معنقات مذهبی، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود، جنبه جهانی مشترک عظیمی را علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند.

بانوجه به این واقعیت، این سؤال پیش می‌آید که: پس چرا نمی‌شود همان عاملی را که کم‌ایرس و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را در یک جنبه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند، و یا حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشته مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم، یعنی مسائل مربوط به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی، به موافقت می‌رساند، در کشورمان نیز به کارگرفته شود تا مبارزان بیروخط امام خمینی و توده‌های و فدائی (اکثریت) پیشنیان، سمتگیری استقلال‌طلبانه و آزادیخواهانه و عدالت‌جویانه امام، و سایر نیروهای وفادار به این آماج‌ها، در یک صف واحد متحد گردند.

به‌نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، این عامل تاریخی جهانی، یعنی ضرورت اتحاد همه نیروهای مبارز ضد امپریالیسم و ضد بیدادگری درون یک کشور و سراسر جهان را می‌توان و باید در جامعه ما بکار گرفت. سرنوشته انقلاب ما به این امر بستگی دارد.

این آن حلقه اساسی در زنجیر عوامل گوناگون است که، با بدست گرفتن آن می‌توان کلاف درهم پیچیده را گشود و کونا‌ه‌ترین، درست‌ترین و کم‌رنج‌ترین راه را برای چیره‌شدن بر دشواری‌ها یافت.

بباعتنایی به این ضرورت تاریخی، انقلاب ما را در بی‌راهه‌ها سرگردان

خواهد کرد.

برادران و خواهران هم‌زم !

بباید، همه نیروهای خود را برای تحقق اتحاد بزرگ تاریخی خویش به کار

گیریم. فراموش نکنیم که اتحاد، برنده‌ترین سلاح ما در پیکار علیه دشمنان

انقلاب است و درست به همین جهت نیز دشمنان انقلاب ما تمام

سیروی جهمی خود را برای جلوگیری از تحقق چنین اتحادی

به کار انداخته‌اند.

برما است که این توطئه، دشمنان انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران

را با ناکامی روبرو سازیم.

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال، آزادی و عدالت

اجتماعی !

پیروز باد انقلاب بزرگ ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران !

کمیته مرکزی حزب توده ایران - کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمناسبت روز جمهوری دوم در ژنر (۱۳ آذر - ۲۴ نوامبر ۱۹۸۱)

جمهوری زئیر

سیاست ملی (زئیر) مخالف هر نوع ایدئولوژی تحمیلی بوده و بعد از انقلاب ۱۹۶۵ نفوذ و سلطه خارجی کشورهای بلوک شرق و غرب را از خود رانده است. (از پاسخ سفارت زئیر در تهران به روزنامه اطلاعات ۱۳ مرداد ۱۳۶۰)

این "مسیح" آمریکایی آغاز میشد. اما گویا این نمایش جناب مبتدل بوده که موبوتو از آن عالتا دست برداشته است. نوشته "نیوزویک" (همانجا):

"او (موبوتو) هنگامیکه مشاهده کرد "موبوتوئیسم" دیگر الهام بخش مردم نیست، از آن دست برداشت."

چهار سال پیش مردم استان "شایا"، به رهبری "حبه آزادیبخش ملی کنگو" علیه نیروهای مسلح زئیر قیام کردند. این رستاخیز ۱۴ ماه بعد با حذتی بیشتر تکرار شد. دولت زئیر تنها بیاری وسیع نظامی بلژیک، فرانسه، ایالات متحده آمریکا و مراکش توانست این قیام را درهم شکند.

رژیم زئیر خویش را "غیر متعهد" معرفی می کند، اما، در واقع، وابسته به امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، است. "نیوزویک" (همانجا) در اینباره می نویسد:

"موبوتو می خواهد "واشنگتن" را به بازسازی نیروهای مسلح و اقتصاد متزلزل خود اغوا (!) کند. ... به نظر می رسد که رونالد ریگان خیلی بیشتر (از کارتر) به موقعیت محوری زئیر در قلب آفریقا و ثروت هنگفت آن در زمینه مواد معدنی استراتژیک علاقمند باشد. ... چنین می نماید که رئیس جمهور مایل باشد بیشتر دست رهبری را بگیرد که دولت (آمریکا) او را بعنوان هم - پیمانی دیرین می شمرد - بویژه آن که دیگر کشورهای آفریقای سیاه به خاطر آنچه آنان تمایل سیاسی ایالات متحده به جمهوری آفریقای جنوبی می خوانند، از آمریکا روی برمی گردانند."

اما بنظر می رسد که به این "هم پیمان دیرین" چندان نرسد. اطمینان داشت، چه او مدت ها است که نزد عام و خاص رسوا شده است. "نیوزویک" (همانجا)، به نقل از یکی از کارمندان متوسط دولت "در زئیر، می نویسد:

"اگر ایالات متحده علیه موبوتو اقدام نکند، شما این کشور را به کمونیست ها خواهید باخت."

وی سپس به آمریکائی ها توصیه می نماید: "شما که او را خلق کردید، الان هم او را ببرید." اما "نیوزویک" در این باره چندان مطمئن نیست و پاسخ می دهد: "ولی ما کمی کمک از سوی "واشنگتن"، موبوتو می تواند کشور خود و تخت و تاج خویش را برای مدت ها حفظ کند."

ایست امید محافل امپریالیستی آمریکا، که "نیوزویک"، این ارگان کلان بورژوازی ایالات متحده، چنین گستاخانه به زبان می آورد.

زئیر پنج سال بی درپسی است که رو به کاهش می رود و نرخ تورم در سال گذشته ۸۰٪ بوده است. سال پیش بد هکاری خارجی زئیر در حدود ۵ میلیارد دلار ایالات متحده بود و در ۵ سال آینده این کشور باید ۲/۷ میلیارد دلار آن را بازپردازد. در بهار سال گذشته، صندوق بین المللی پول و "بانک جهانی" از زئیر تعهد گرفتند که بد هکاری خارجی خود را کام بگام کاهش دهد. سرمایه مالی بین المللی همچنان برای خلق زئیر تصمیم می گیرد. وضع ناسامان اقتصادی زئیر دولت این کشور را مجبور می سازد که پیوسته دست به دامان کشور - های امپریالیستی شود و از ایالات متحده آمریکا، بلژیک، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان و بریتانیا در - خواست کمک کند. "صندوق بین المللی پول" چندی پیش در ازای ۱/۲ میلیون دلار اعتبار به زئیر، اهرم های مهم اقتصادی کشور، از جمله سمتهای حساسی را در ارگانهای اقتصادی - مالی به کارشناسان خود سپرد. "نیوزویک" (۲۶ مرداد ۱۳۶۰ / ۱۷ اوت ۱۹۸۱) با اشاره به تحمیل اینگونه توصیه ها از سوی محافل امپریالیستی بر زئیر و به نقل از "یک بانکد از غربی در کین شازا" می نویسد:

"زئیر ... توصیه خارجی را، هر چند که ناگوار بود، پذیرفت." "علیرغم همه این کمک ها، وضع اجتماعی اکثریت مطلق مردم زئیر پیوسته بدتر می شود. از یکسو، بودجه آموزش و پرورش، بهداشت و بیمه اجتماعی تقلیل می یابد و از سوی دیگر بازار محتکران و گرانفروشان بسیار گرم است. کالاهای روزمره کمیاب اغلب به قیمت چهار برابر در بازار سیاه بفروش می رسد. در زئیر، فساد گسترده بیداد می کند در حالیکه موبوتو برخی از نزدیکان خود را بخاطر فساد (بقول او "بیماری زئیری") از کار برکنار ساخت، یگفته نگوزا کاسدل ایونده، نخست وزیر سابق زئیر که بهار امسال به بلژیک گریخت، خود رئیس جمهور در سال گذشته حداقل ۱۰۰ میلیون دلار از خزانه کشور به حیب زد. "نیوزویک" در شماره پیشگفته، به نقل از دیپلمات های غربی در زئیر، می - نویسد که وزارت فرهنگ زئیر ۱۰ هزار کارمند ساختگی دارد، که حقوقشان به حیب مسئولان فاسد ریخته می شود. موبوتو، که خود را "راهگشا"ی زئیر می خواند، تا همین چندی پیش خود را با "حضرت مسیح" مقایسه میکرد برنامه تلویزیون زئیر شب با "نزول"

ارزی زئیر صنایع استخراجی، بویژه تولید مس و کوبالت است. اما، از جمله بعثت رکود و دیگری پدیده های بحرانی در کشورهای صنعتی سرمایه داری، در نیمه دوم سالهای ۷۰ تولید مس به سطحی بمراتب کمتر از رقم ۱۹۷۴ (۴۷۱۰۰۰ تن) تقلیل یافت و تنها دو سال پیش باریگه ۴۰ هزار تن رسید مهم ترین موسسه معدن زئیر شرکت دولتی "زگامین" است. زئیر دو سال پیش با ۱۴ هزار تن، ۶۰٪ تولید جهانی کوبالت را بدست داشت. بیشتر کارخانه های صنعتی زئیر (متالورژی، شیمی و مصالح ساختمانی) در سالهای اخیر تنها در سطح ۳۵ - ۲۵ درصد ظرفیت خود تولید می کرده اند.

از ۹۰٪ زمین های زیر کشت زئیر با وسائل سنتی بهره برداری می شود. بخش بزرگی از کشتزارهای قهوه و کاکائو و نخلستانهای این کشور در دست دولت یا خارجیان است و تقریباً تنها برای صدور تولید می کنند. در صادرات زئیر همچنین موز، چای و پنبه سهم هستند این کشور حاصلخیز مجبور است که از یکسو مقدار معتنا سبزی از نیاز مند بهای غذایی خود (برنج، غلات و غیره) را از خارج وارد کند (بهارش ۴۰ میلیون دلار در سال) و از سوی دیگر تنها از یک درصد زمین های خود بدین منظور بهره - برداری کند.

مهم ترین شریکان بازرگانی خارجی زئیر عبارتند از: بلژیک، ژاپن و ایالات متحده آمریکا؛ مهم ترین کالاهای صادراتی: مس، قهوه و الماس. پنج سال پیش، زئیر بخش اعظم کارخانه های را، که در سالهای ۵۳ - ۱۳۵۲ ملی شده بود، به صاحبان پیشین آنها، یعنی خارجیان، بازگرداند و سرمایه خارجی (بلژیک، ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، ژاپن و جمهوری فدرال آلمان) را فراخواند تا هر چه بیشتر در اقتصاد کشور، بویژه در صنایع استخراجی، سرمایه گذاری کنند. اوضاع کنونی: شش سال است که وضع اقتصادی زئیر پیوسته به وخامت می گراید. علت این امر را باید، در درجه نخست، در وابستگی به اقتصاد بحران زده کشورهای سرمایه داری جستجو کرد. فرآورده ناویژه اجتماعی

این منطقه بود. از ۱۰۵ سال پیش (۱۸۷۶)، لئوپولد دوم، پادشاه بلژیک مأمورانی برای عقد باصطلاح قرارداد - های حفاظت با رؤسای قبیله های کنگو به این سرزمین گسیل داشت. هشت سال بعد (۸۵ - ۱۸۸۴)، هنگام تقسیم آفریقای مرکزی در "کنفرانس کنگو" در برلین، ۱۵ کشور شرکت کننده "مستعمره خصوصی" لئوپولد دوم را به عنوان "کشور آزاد کنگو" برسمیت شناختند. در اوایل سده بیستم (۱۹۰۸) پادشاه بلژیک "مستعمره خصوصی" خود را به دولت واگذار کرد. در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸)، "جنش ملی کنگو" ("موموم ناسیونال کنگوله") پدید آمد، که مبارزه آن بر رهبری پاتریس لومومبا در ۹ تیر ۱۳۳۹ (۳۰ ژوئن ۱۹۶۰) به اعلام "جمهوری دمکراتیک کنگو" انجامید. اما یک هفته بعد بلژیک به مداخله علیه جمهوری اقدام ورزید و عنصر جدایی طلبی بنام جومبه، که در واقع نماینده سرمایه انحصارات بین المللی بود، در ایالت جنوبی و ثروت خیز "کاتانگا" ("شایا"ی امروز) تشکیل به اصطلاح "جمهوری کاتانگا" را اعلام داشت. لومومبا نیروهای سازمان ملل متحد را کمک طلبید، ولی کشورهای "نا تو"، به رغم فراخوان "شورای امنیت" منسی بر خاتمه فوری تجاوز بلژیک، از این نیرو - ها برای پشتیبانی از جومبه و دارو دسته جدایی طلبش در برابر دولت قانونی لومومبا استفاده جستند. لومومبا به ایالت کاتانگا برده شد و، چنانکه همین چند روز پیش فاش گشت در تاریخ ۲۸ دی ۱۳۴۰ (۱۸ ژانویه ۱۹۶۱)، به دستور مستقیم پوزیدنت آیزنهاور بقتل رسید. چهار سال بعد (۱۹۶۵) ارتش به سرکردگی موبوتو، رئیس ستاد، زمام امور را بدست گرفت در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱)، "جمهوری دمکراتیک کنگو" به "جمهوری زئیر" تغییر نام یافت. اقتصاد: مهم ترین منابع زئیر زمینی زئیر عبارتند از: مس، کوبالت، اوران و لوفرام، روی، قلع، منکنز، الماس طلا، نقره و نفت. ۴۴٪ خاک "زئیر" را جنگل می پوشاند. ۹۰٪ نیازمندی زئیر در زمینه تولید انرژی از منبع نیروگاه - های آبی تامین می شود. مهم ترین منبع درآمد بودجه و

نام رسمی: "جمهوری زئیر" رپوبلیک دوزئیر " سکنه ۲۹/۲۰ میلیون نفر (۱۹۸۰) سهم شهرنشینان در زئیر ۲۴٪ بالاتر از میانگین آفریقا است. پایتخت: کین شازا (۲/۱۵۲) میلیون نفر - (۱۳۵۵). دیگر شهرها: لوموماشی (۴۰۴۰۰۰ نفر)، مپوزی - مایی (۳۲۷۰۰۰ نفر)، کاتانگا (۶۰۱۰۰۰)، کیسانجانی (۳۱۱۰۰۰ نفر) و بوگوو (۱۸۲۰۰۰ نفر). مهمترین اقوام زئیر عبارتند از: "بالوبا"، "بالوندا"، "باکونگو" و غیره. در حدود نیمی از مردم زئیر پیروان مذهب های طبیعی و ۴۵ - ۴۰ درصد مسیحی (بیش از همه کاتولیک) هستند. فزون بر این ۱۱۵۰۰۰ مسلمان در زئیر زندگی می کنند. زبان اداری: فرانسه. در حدود ۸۰٪ مردم بزبانهای بانتوسخن می - گویند. مهم ترین زبانهای قبیله ای در زئیر عبارتست از: "سواهلی"، "کسی کونگو"، و "چیلوبا". پول: ا زئیر = ۱۰۰ ماکسوتا (مفرد): (لاکوتا) ۱۰ دلار ایالات متحده = ۵/۵۵ زئیر.

حکومت زئیر جمهوری است. که در آن رئیس جمهور از اختیارات تقریباً نامحدود برخوردار است. بر پایه قانون اساسی کنونی، "جنش خلقی انقلاب" تنها حزب قانونی و حاکم این کشور است. صدر حزب در عین حال رئیس جمهور، فرمانده کل قوا، صدر همه نهاد های "جنش خلقی انقلاب"، "شورای ملی اجرائی" (دولت)، "شورای ملی قانون گذاری" (پارلمان) و "شورای قضایی" است. رئیس جمهور زئیر هر پنج سال یک بار در انتخابات همگانی و مستقیم بر - گزیده می شود. چهارده سال است که موبوتو سه سالگه این سمت را به عهده دارد. رئیس جمهور زئیر می تواند ریاست "شورای ملی قانونگذاری" را به شخصی دیگر واگذار کند. بر پایه قانون اساسی زئیر، ۲۱۰ نماینده "شورای ملی قانونگذاری" هر پنج سال یکبار در "انتخابات همگانی، مستقیم و مخفی" برگزیده می شوند.

زئیر به هشت منطقه تقسیم می - گردد. کین شازا خودگردان است. حزب و سازمانهای اجتماعی: همانگونه که در بالا گفته شد، "جنش خلقی انقلاب" تنها حزب کشور است. این حزب را موبوتو در سال ۱۳۴۶ پایه گذاشت. همه شهروندان زئیر به مجرد تولد عضوا این حزب محسوب می شوند. چهارده سال پیش همچنین "اتحادیه ملی سندیکا های زئیر" تاسیس یافت. همزئیر به تازگی ۲۷ سالگی عضو "جوانان جنبش خلقی انقلاب" به شمار می آیند. تاریخ: در سده های ۱۶ - ۱۳ امپراطوری کنگو مهم ترین کشور فتودالی

مجلس شورای ...

بقیماز صفحه اقتصاد کشور نباید لحظاتی درنگ کنند. در انتخاب مدیران باتوجه به سابقه زندگی آنها از رشد عناصر فرصت طلب و نوکران دست چندم سرمایه داری جلوگیری کند که این دسته با جلوگیری از انجام تحولات بنیادی جامعه، سعی در مایوس کردن مستضعفین از انقلاب خواهند کرد.

برنامه ریزی به نفع پابرهناها

دومین ناطق قبل از دستور سازگار نژاد، طی سخنانی، توطئه های امپریالیسم آمریکا در به خاک و خون کشیدن جنبش های انقلابی در سطح منطقه را تشریح کرد و طرح فهد را توطئه جدید آمریکا دانست و مانور نظامی اخیر آمریکا در منطقه را تهدیدی علیه تمام جنبش های انقلابی ارزیابی نمود. وی در سخنان خود همچنین خواستار "برنامه ریزی اقتصادی به نفع پابرهناها" از سوی دولت و نهادهای مسئول شد.



هنوز کسی هست که در آمد دگی من برای مذاکرات سازنده شک کند!

باز فندی نماینده درود، و دامنی نماینده خاش طرح و تصویب شدند اعتبار نامه آقای کاشی نماینده تویسرکان نیز برای بررسی بیشتر به کمیسیون تحقیق ارجاع گشت. سپس مجلس به انتخاب دوتن نماینده برای شرکت در کمیسیون فید شده در "قانون احزاب" پرداخت و بعد از رای گیری، آقایان موحدی کرمانی و علی بشارتی برای این منظور انتخاب شدند. سپس کلیات لایحه مرسوط به تغییر نام خیرگزاری پارس به خیرگزاری جمهوری اسلامی ایران طرح شد و پس از بحث مختصر به تصویب رسید. دستور بعدی، لایحه "لعوقق مرغوبیت" بود که پس از بحث نمایندگان موافق و مخالف و توضیحات وزیر کشور، این لایحه به رای گذاشته و تصویب شد.

ناطق بعدی حجت الاسلام فاضل هرندی نماینده اقلید بود که، طی سخنانی، با اشاره به سه رکن اساسی برنامه دولت شهید رجائی، شهید با هنر و مهندس موسوی، درباره هر کدام از آنها مشروحا مطالبی بیان داشت و از جمله با اشاره به اقتصاد کشور، متذکر شد که "تاکنون نتوانسته ایم اقدامات اساسی در این زمینه به عمل آوریم." وی با اشاره به "خط حاکم بر مجلس"، که همان خط امام است، گفت: "چشم امید مردم و چشم امید امام امت به مجلس است. اگر مجلس در بهبود بخشیدن به وضع اقتصاد مملکت گام های سریع بردارد، آینده مملکت، خطرناک و فاجعه آمیز خواهد بود."

ناطق اولین گام در سرو سامان دادن به اقتصاد کشور را "مسئله کشاورزی و اراضی کشور" نام برد و با اشاره به طرح شورای انقلاب، که با شرکت و نظارت "سه مجتهد عادل و جامع شرایط" تهیه شده، آن را طرحی "اسلامی و انقلابی" نامید. وی ضمن تاکید بر لزوم اجرای سریع این طرح همچنین خواستار قرارداددن امکانات لازم در اختیار کشاورزان از سوی مسئولان شد. حجت الاسلام هرندی در

قسمت دیگری از سخنانش، با اشاره به طرح ۱۶ نماینده در مورد مسئله اراضی کشاورزی، گفت: "اما طرحی که ما بگوئیم، یک قسمت و یک بخش از اصل ۴۹ قانون اساسی پیاده شود و بعد هم شعار بدهیم، که با این طرح ما مالکین بزرگ را پای میز محاکمه میکشیم، این دردی را از روستائی دوان نمیکند. اولاً مالکیت - ها به هم مرتبط است. اصل ۴۹ قانون اساسی باید مستقلا در مجلس طرح بشود، پیش بینی های لازم بشود و کادر لازم برای آن در نظر گرفته شود، چون آن مالکی که در روستا مالک زمین بزرگی است، همان شخصی است که در شهر هم صاحب کارخانه و مستغلات است."

آنگاه مجلس وارد دستور شد و شور اول طرح دیوان محاسبات مورد بحث قرار گرفت. دستور بعدی، تفویض اجازه تصویب اسامی سه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به کمیسیون مشترک امور داخلی و دفاع بود. دکتر روحانی مخبر کمیسیون دفاع درباره لزوم این کار توضیحاتی داد و چند تن از نمایندگان در موافقت و مخالفت سخن گفتند. سپس رای گیری شد و تفویض اجازه مورد تصویب نمایندگان قرار گرفت. آنگاه اعتبار نامه های آقایان

اسناد سخن می گویند :

آمریکایک سال و نیم قبل از کمک نظامی محدود اتحاد شوروی

تاریخ چند لشکرکشی آمریکا به منطقه

۱۶ اسفند ۱۳۵۷: ناو هواپیمابر ۸۵ هزارتنی کانستلیشن، متعلق به ناوگان هفتم آمریکا، دستور یافت که رهسپار خلیج فارس شود.

۲۱ اسفند ۱۳۵۷: والتر ماندیل، معاون رئیس جمهوری آمریکا، حق دارد به مبارزه طلبی هایی که نسبت به تقویتش در خاورمیانه و خلیج فارس می شود و با تقویت حضور نظامی در منطقه عکس العمل نشان دهد. علاقه مایه ثبات منطقه با وخیم تر شدن اوضاع ایران آغاز شده است.

اول مهر ۱۳۵۸: شش هزار سرباز آمریکائی در بحرین مستقر شدند. ۲۳ آبان ۱۳۵۸: چند ناو جنگی آمریکا در خلیج فارس سگرم انداخت. ۲۴ آذر ۱۳۵۸: یک گروه ناو هواپیمابر به طرف خلیج فارس حرکت کرد.

اینجا و آنجا، در سطوح مختلف و با نیت های متفاوت و حتی با حسن نیت کامل، گفته میشود که "حضور نظامی اتحاد شوروی در افغانستان"، "بهبانۀ لشکرکشی های آمریکا به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس و تهدید نظامی ایران توسط امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا شده است. به همین جهت عنوان می شود که اگر نیروهای نظامی شوروی خاک افغانستان را ترک کنند، آمریکائیز خود به خود راهی جز عقب نشینی و رها کردن ملل منطقه به حال خود نخواهد داشت. به اعتقاد ما، این سر خوردن صرف نظر از هر نیتی که در پس آن است درست و واقع بنیانه نیست و با دلایل واقعی و ماهوی حضور نظامی و ناخوانده امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا در منطقه و بیاد هر جای دیگر جهان نمی خواند.

اگر این نظر درست باشد که آمریکا به بهانه "حضور نیروهای شوروی در افغانستان"، نیروهای خود را به منطقه اعزام کرده است، قاعدتا باید لشکرکشی امپریالیسم جهانی، به سرگردگی آمریکا، به منطقه و بویژه خلیج فارس بعد از ورود نیروهای اتحاد شوروی به افغانستان انجام شده باشد.

صرف نظر از این که حضور نظامی آمریکا در منطقه چند دهه سابقه دارد و به قیل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برمی گردد (وما اکنون قصد بحث درباره آن را نداریم)، اسناد موجود، که روزنامه های ایران را منتشر کرده اند، نشان میدهد که لااقل یک سال و نیم قبل از کمک نظامی محدود اتحاد شوروی به افغانستان، آمریکا لشکرکشی خود را به منطقه آغاز کرده و بر دامنه آن افزودند.

اسناد موجود، که بخشی از آن را ارائه می دهیم، به روشنی تمام بیانگر این واقعیت است که نیروهای تجاوزگر آمریکا و ابادی آن، با آغاز انقلاب اسلامی ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران عازم منطقه شده اند و هنگامیکه روز ۶ بهمن ۱۳۵۸ نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی، به خواست دولت انقلابی افغانستان و بر طبق قرار داد دوستی بین دو کشور، وارد این کشور شدند، امپریالیسم آمریکا یک زرادخانه تمام و کمال را در منطقه مستقر کرده و دست نشاندهگان خود را تا دندان مسلح کرده بود.

در واقع بزرگترین "بهبانۀ آمریکا برای حضور در منطقه، انقلاب ایران بود. بگذارید، اسناد سخن بگویند: "کمک آمریکا به پاکستان از سر گرفته شد... این خبر روز دوم آبان

به افغانستان، لشکرکشی به منطقه را آغاز کرد

بزرگترین "بهبانۀ" امپریالیسم آمریکا برای فرستادن نیرو به منطقه و بویژه خلیج فارس، ابتدا انقلاب ایران و سپس تسخیر جاسو سخانه آمریکا بود.

یک سال و نیم قبل از "مسئله افغانستان" و چند ماه پیش از انقلاب اسلامی ایران، آمریکا تسلیح متحدان خود را در منطقه بار دیگر شدت بخشید.

ایران "یعنی" انقلاب ایران " به منطقه لشکر می کشند و بعد هم آن را به مرحله عمل در آورده اند:

... ناو هواپیمابر ۸۵ هزارتنی کانستلیشن، متعلق به ناوگان هفتم آمریکا، دستور یافت از آب های فیلیپین رهسپار آب های خلیج فارس شود. مقام های نزدیک به دولت آمریکا گفتند این دستور نشانه نگرانی آمریکا از اوضاع منطقه است... (آسوشیتد پرس ۱۶ اسفند ۵۷ - کیهان)

از همان زمان آمریکا مصمم بوده و هست که به "بهبانۀ" انقلاب اسلامی ایران که به منطقه هجوم بیاورد:

... جرج بال معاون پیشین وزارت خارجه آمریکا در روزگفت آمریکا و متحدانش باید برای حصول اطمینان از عرضه نفت پاسداری خاورمیانه را به عهده بگیرند... جرج بال گفت تا آنجا که به امنیت خاورمیانه و به ویژه خلیج فارس مربوط می شود، آمریکا و متحدان عربیش باید نقش صریح تری در پایداری منطقه ایفا کنند... (۲۵ اسفند ۵۷ - کیهان)

جرج بال در تشریح روشن تر این نقش گفت: "... ما (آمریکا) باید حضورمان را در منطقه افزایش دهیم و برای نشان دادن توانایی خود در این زمینه باید کلیه اقدامات لازم را به عمل آوریم..." (همانجا)

و این "اقدامات لازم"، که دقیقاً به دنبال انقلاب اسلامی ایران و بیرون راندن شاه ملعون، نوگر حلقه بگوش آمریکا، از ایران صورت می گرفت، از همان زمان و حتی پیش از آن مشخصاً مترادف با گسترش حضور نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس بوده است. یعنی دورنمای استقلال ایران بود که نیروهای نظامی آمریکا را به منطقه می کشاند و همچنین چشم انداز مبارزات رهایی بخش سایر خلق های منطقه، نه کمک اتحاد شوروی به افغانستان به منظور حفظ استقلال این

اولین "بهبانۀ" آمریکا: انقلاب ایران - توجه کنید! آمریکا سی ها رسماً اعلام کرده اند که به بهانه "بحران

اطلاعات تازه ای در دست زده است. مانور مشترک آمریکا، انگلیسی و استرالیا در آب های نزدیک خلیج فارس. فرمانده ناوگان هفتم آمریکا با سرپرست وزارت دفاع عمان ملاقات کرد. ۱۸ ناو جنگی در این مانور شرکت دارند. چند کشتی جنگی آمریکا اینک در خلیج فارس حضور دارد.

کشور: "... رویتر - والتر ماندیل معاون رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که آمریکا حق دارد به مبارزه طلبی - هایی که نسبت به تقویتش در خاورمیانه و خلیج فارس می شود، با تقویت حضور نظامی در منطقه عکس العمل نشان دهد... (۲۱ اسفند ۵۷ - کیهان)

آنها از این صریح تر می شد نیت توسعه طلبانه و تجاوزکارانه آمریکا را برای "مبارزه طلب" ها تشریح کرد؟ آن هم درست هنگامی که پاسخ به این "مبارزه طلبی" ها، بنا به نوشته هفته نامه "آمریکایی نیوز ویک"، با اعزام ناو هواپیمابر به منطقه و ارسال سریع اسلحه به یمن شمالی و اعزام دو هواپیمای شناسایی آواکس به عربستان سعودی... (همانجا) صورت میگرفت

و باز هم صریح تر و بنا به گفته ماندیل، دقیقاً به این دلیل که "... کاری که ما می کنیم عکس العمل مشروعی است... در مقابل تزلزل موقعیت مان در منطقه، دولت کارتر همیشه خواستار حفظ ثبات در منطقه بوده است. علاقه مایه ثبات منطقه با وخیم شدن اوضاع ایران آغاز شده... (همانجا)

آری، اگر قرار است برای گسترش حضور نظامی آمریکا در جهان خوار در منطقه "بهبانۀ" پیدا کنیم، قیل از همه باید شهدای میدان شهدا، سرچشمه، ۱۳ آبان ۱۶، آذر ۱۵، خرداد و... پیروزی ۲۲ بهمن را "بهبانۀ" به حساب بیاوریم، زیرا که آمریکا عیناً همین کار را کرد:

... رویتر - هارولد براون وزیر دفاع آمریکا در روز تائید کرد که جبران از دست رفتن پست های الکترونیکی جاسوسی آمریکا در ایران ۵ الی ۶ سال به طول می انجامد اما آمریکا طرف مدت یک سال می تواند وسایل دیگری... فراهم آورد... (۲۹ فروردین ۵۸ - کیهان)

و با اینکه: "... آمریکا به جای ایران، در قبرس، پایگاه جاسوسی ایجاد کرده است... (۱۹ فروردین ۵۸ - کیهان)

و همچنین: "... به گزارش روزنامه نیویورک تایمز، پنتاگون نقشه تشکیل یک سپاه اعزامی ۱۰۰ هزار نفری برای مداخله نظامی، به منظور دفاع از مصالح و علائق آمریکائی در مناطق دارای اهمیت استراتژی در جهان تهیه و تنظیم کرده است. نیروهای زمینی مسلح به تانک سنگین، توپ و موشک های ضد تانک جزو این سپاه اعزامی خواهد بود. قرار است که سپاه تازه ما مو سرگوب در ناحیه پهناوری از بخش شمالی غرب اقیانوس آرام گرفته تا خاور نزدیک فعالیت کند... (کیهان - ۱۹ اردیبهشت ۵۸)

"بهبانۀ" دوم: مبارزه خلق های منطقه توجه دارید که "سپاه واکنش سریع" دقیقاً و صریحاً به منظور محاصره انقلاب اسلامی ایران و سایر جنبش های مترقی در منطقه تشکیل شد و به همین منظور بود که آمریکا و متحدان اروپائیش به تسلیح نوکرهای خود در خلیج فارس و خاورمیانه به نوسازی و تجهیز پایگاه های خود در این نواحی پرداختند: "... یک هیات عالی مقام آمریکایی در روز وارد ترکیه شد. او ماورست دارد در حفظ پایگاه های نظامی ایالات متحده در ترکیه تلاش کند... (کیهان - ۸ اردیبهشت ۵۸)

و با: "... روزنامه الاهرام در بقیه در صفحه ۱۷



شعار تظاهرات میلیونی مردم در راهپیمائی علیه طرح فهد :

مرگ بر آمریکا ! مرگ بر صهیونیسم !

شعار "مرگ بر آمریکا" ، "مرگ بر صهیونیسم" را فریاد می کردند .

در این مراسم قطعنامه راهپیمایی قرائت شد که در آن از جمله آمده بود : "امریکا به دلیل خاصیت ذاتی خود نمی تواند دشمن مستضعفین نباشد و ... از امریکای جهانخوار جز قتل و غارت مکرر و جنایات انتظاری نتوان داشت ."

در موا د ۸ گانه قطعنامه ، ضمن تجدید بیعت با رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ، امام خمینی ، طرح فهد محکوم و برحق تعیین سرنوشت خلق قهرمان فلسطین پافشاری شده است . در ماده ۷ قطعنامه آمده است : "امریکای جنایتکار ، ای دشمن سرسخت انسان و بشریت ، ای شیطان بزرگ ، ای تجاوزگر به حقوق ملت مستضعف و محروم جهان ، ای آواره کننده مردم قهرمان و مسلمان فلسطین و لبنان ! تونیز بدان که تمامی تلاش های مذبوحانه ات جز در جهت هر چه زود تر نابودیست شمری نخواهد بخشید ."

در قطعنامه که بندند آن با فریاد های : "اللهوا کبر ، خمینی رهبر ، مرگ بر آمریکا" تأیید میشد تأکید شده است که مردم ایران : "همت گمارده ، که تا آخر با امریکای جنایتکار دست از مبارزه برندارد ."

بعد از قرائت قطعنامه ، مردم شعارهای ضد امریکائی و ضد صهیونیستی را ، که از تریبون داده میشد به زبان های فارسی و عربی تکرار کردند و آنگاه "حجت الاسلام ، هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران به ایراد خطبه - های نماز جمعه پرداخت و طی آن طرح فهد را محکوم کرد ."

بعد از قرائت قطعنامه ، مردم شعارهای ضد امریکائی و ضد صهیونیستی را ، که از تریبون داده میشد به زبان های فارسی و عربی تکرار کردند و آنگاه "حجت الاسلام ، هاشمی رفسنجانی امام جمعه موقت تهران به ایراد خطبه - های نماز جمعه پرداخت و طی آن طرح فهد را محکوم کرد ."

سپل جمعیت بعد از اقامه نماز به جانب جاسوسخانه سابق امریکاکرکت کرد . طی مراسم کوتاهی که در آنجا انجام شد ، مردم قهرمان ایران با شعار : "دانشجوی خط امام ، بر تو درود بر تو سلام" ، از این دانشجویان قهرمان سپاسگزاری کردند . سپس قطعنامه مراسم به زبان عربی خوانده شد و مراسم در میان شعارهای :

مرگ بر ایران !  
مرگ بر آمریکا ، مرگ بر صهیونیسم !  
پایان گرفت .

اروپائی ها با فعالیت خلاق روزمره خود و با تحکیم و بسط دادن مداوم روابط تشریح صلح آمیز بین ملت های قاره - روابط اقتصادی - علمی - فنی و فرهنگی ، تماس های بین پارلمان ها ، سازمان های اجتماعی ، ارگان های شهرداری والی آخر - سهم فوق العاده پرارزشی در امر تحکیم صلح داد میکنند . صرف نظر از با د های سرمایه و شعارهای زدائی می رسد ، بافت مادی همکاری مسالمت آمیز در اروپا همچنان استوارتر و غنی تر میشود . در اینجا چگونه می توان سخنان لنین را ، که قریب ۶۰ سال پیش از این ، در زمینه مناسبات روسیه شوروی نو بنیاد با کشورهای سرمایه داری گفته بود ، بخاطر نیارود :

... میتوان بحث کرد . میتوان مجادله کرد . میتوان به علت مواضع مختلف از هم جدا شد - و ممکن است همه اینها درست بنظر آید و به جدائی بیانجامد - اما با وجود این ، سرانجام ضرورت بنیادی اقتصادی راه خود را میکشاید . . . توسعه مناسبات صحیح بازرگانی بین جمهوری شوروی و تمامی بقیه دنیای سرمایه داری تا کزیر پیشرفت خواهد کرد . زندگی حکمت این سخنان را به اثبات رسانیده و در آینده هم به اثبات میرساند .

اسناد سخن

بقیه از صفحه ۱۶

شماره د بروز خود فاش کرد که قرار است یک هیئت عالیرتبه نظامی آمریکا یکشنبه وارد قاهره شود ، تا قرارداد مربوط به تحویل سلاح های مدرن و پیشرفته آمریکا به مصر را منعقد سازد . روزنامه الاهرام سپس می نویسد قرار است دولت آمریکا هواپیماهایی از نوع فانتوم ، موشک های دفاعی هوائی چند واحد نظامی دریایی و همچنین وسایل پیشرفته الکترونیکی جنگی در اختیار مصر بگذارد . اولین هواپیماهای فانتوم در اول اکتبر ارسال به مصر تحویل خواهد شد . . . ( ۲۹ اردیبهشت ۵۸ کیهان )

و : " . . . یک بندر مجهز به ۶۰ بارانداز در ساحل امارات متحده عربی در دست ساختمان است . این بندر برای پیاده شدن احتمالی سربازان آمریکایی . . . مورد استفاده قرار خواهد گرفت . . . " ( ۳۱ اردیبهشت ۵۸ - کیهان )

و باز هم : " . . . دولت آمریکا لایحه ای را امضا کرده که بر طبق آن آمریکا ۵ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی به اسرائیل و مصر خواهد کرد . . . " ( ۳۱ تیر ۵۸ - کیهان )

و : " . . . وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده که آن کشور به مبلغ یک میلیارد دو دویست میلیون دلار اسلحه و تجهیزات نظامی به عربستان سعودی خواهد فروخت . این اسلحه و تجهیزات برای چهار لشکر از نیروهای مسلح عربستان مورد استفاده قرار خواهد گرفت . . . " ( ۲۳ تیر ۵۸ - کیهان )

و اینها ۷ ماه قبل از کمک نظامی محدود اتحاد شوروی به افغانستان است ! و اخبار لشکرکشی ادامه دارد . تسلیم پاکستان ، کویت ، . . . هم سخنی نیست که در پس پرده مانده باشد . آمریکا امروز می کوشد تمام این اعمال تجاوزکارانه را در قالب "مقابله با نفوذ اتحاد شوروی در منطقه" و "ماجرای افغانستان بیوشاند ، اما همچنان که روشن است ، ۶ ماه قبل از "مسئله" افغانستان "لشکرکشی آمریکا به منطقه خاورمیانه آغاز شد و از همان ابتدا نیز به صراحت هدف آن روشن بود : " . . . روزنامه سووتسکایا راسیا در شماره د بروز خود از یک طرح مهم دولت آمریکا در خلیج فارس پرده برداشت . بر طبق این نقشه ، که در وزارت جنگ آمریکا طرح ریزی شده ، قرار است دولت آمریکا در صورتی که وضع در منطقه خلیج فارس بحرانی و به حالت استثنائی در آید مناطق و تاسیسات نفتی

و مادر باره آنچه که مربوط به نقش جمهوری فدرال در ایجاد این بافت روابط مسالمت آمیز در اروپا و اهمیت مناسبات میان دو کشور ما در این متن است ، من سخن گفتم .

سؤال : مرحله "تازه مسابقه تسلیحاتی نزدیک میشود . مسئله سلاح میان برد هسته ای ، چه جانب شوروی و چه امریکائی ، بصورت یکی از حادترین مسائل برای اروپا درآمده است . آیا شما امکان متوقف ساختن چنین روندی را می بینید ؟

جواب : برای من بارها اتفاق افتاده که بگویم : ما بر آنیم که چنان رشته ای از خلع سلاح و چنان نوعی از تسلیحات وجود ندارد که در آن نتوان به توافق رسید . مسئله سلاح های هسته ای یا برد متوسط در اروپا را میتوان به نفع تمام ملت های اروپا حل نمود . می توان و باید حل نمود . اما انجام این کار فقط در صورتی میسر است که تمام طرف ها نسبت به سازندگی صلح پایدار متابه یک وظیفه مشترک برخورد کنند .

مفهوم این سخن به طور مشخص چیست ؟  
محله شما "اشپیکل" ، یعنی "ثبته"

خلیج فارس را در اختیار بگیرد . (کیهان - ۱۹ خرداد ۵۸) و : " . . . آمریکا می خواهد میان ایران و عراق برخورد ایجاد کرده و خلیج فارس را به آتش بکشد . . . " ( ۲۷ خرداد ۵۸ - کیهان )

و اینها دیگر فقط طرح نبود بلکه طرح ها مرحله اجرا درآمده بود . مگر آمریکا جنگ علیه ایران را توسط رژیم صدام به راه نینداخت ؟

مگر به اینکه : " . . . نقشه های خطرناک ( آمریکا ) دیگر از مرحله مطالعه و بررسی گذشته است . بدر پایگاه های نظامی آمریکا با سرعت و شدت به تربیت افراد این نیروها مشغولند . تاکنون ۴۰ هزار نفر طرز اقدام و عمل در صحرا و چگونگی عصب و اشغال صنایع نفت را تمرین کردند . تانک ها و سایر وسایل جنگی ، که به رنگ صحرا رنگ آمیزی شده و برای انجام عملیات در شرایط صحرا مجهز شده اند و برای اعزام از طریق هوا به مناطق بحرانی آماده اند ، در حالت آمادگی جنگی دائمی قرار دارند . همچنین یک ناوگان جدید ، یعنی ناوگان پنجم آمریکا برای استقرار و جایگیری دائمی در اقیانوس هند ایجاد می شود . پایگاه نیروی دریایی آمریکا در جزیره دیگوارسینیا با سرعت فراوان مدرنیزه می شود . . . " ( ۱۰ تیر ۵۸ - کیهان )

"بها نه" سوم :

تسخیر جاسوسخانه آمریکا

"بها نه" امپریالیسم خونخوار آمریکا برای لشکرکشی به منطقه ، تسخیر جاسوسخانه آمریکا در ایران بود . بعد از قداره بندی ها ، رجز خوانی ها و لشکرکشی های یاد شده ، همینکه مرکز جاسوسی آمریکا در ایران به اشغال جوانان مسلمان انقلابی درآمد ، سپل نیروهای شیطان بزرگ به طرف خلیج فارس سرازیر شد . روز ۲۳ آبان ۱۳۵۸ ، یعنی ۱۰ روز بعد از تسخیر جاسوسخانه آمریکا ، مانور مشترک آمریکا ، انگلیس و استرالیا در آب های نزدیک خلیج فارس ( اطلاعات - ۲۳ آبان ۱۳۵۸ ) انجام شد . در این مانور ۱۸ ناو جنگی " ( همانجا ) شرکت داشتند . علاوه ، در همان روز اعلام شد که : " چند کشتی جنگی آمریکا اینک در خلیج فارس حضور دارد . " ( همانجا ) روزنامه ها مشخصات یکی از این ناوها را فاش کردند :

" ناو هواپیما بر ۶۴ هزار تنسی میدوی ، بندر مومباسا را در کوبا به سمت دریای عرب ( ادا مه خلیج فارس ) ترک کرد تا در این دریا در یک مانور نظامی با شرکت ناوها و هواپیماهای انگلیس و استرالیا شرکت کند . " ( اطلاعات - ۲۳ آبان ۱۳۵۸ )

هنوز چند روز از انجام این مانور نگذشته بود که : نقل و انتقالات نظامی آمریکا در حوالی خلیج فارس ( اطلاعات - ۳۰ آبان ۱۳۵۸ ) شروع نام دارد . باشد که این آئینه منظره واقعی را منعکس نماید . در آغاز بخاطر بیابوریم که چگونه حوادث گسترش یافت و سرانجام بوضع فعلی ، با سلاح هسته ای در اروپا ، منجر گردید . از سالهای دهه ۵۰ ایالات متحده آمریکا در اروپا و دریاهای پیوسته به آن ، به منظور وارد آوردن ضربه بر مراکز حیاتی اتحاد شوروی و متحدانش ، سلاح هسته ای مستقر کرد . این سلاح را بنام " وسایل پایگاه مقدم " نامگذاری کردند و کترینی که این وسایل در خدمت آن بود ، زمانی در واشنگتن دکتورین " موازنه در سرحد جنگ " نامیده میشد . در همان موقع با کمی دیرتر سلاح هسته ای در اروپای غربی ، در برخی از کشورهای عضو " ناتو " ، نیز پدیدار گشت .

لحظهای در تصور خود ، خودتان را جای ما بگذارید . آیا ما میتوانستیم لا قیدانه ناظر آن باشیم که چگونه از هر طرف ما را در میان پایگاه های نظامی قرار می دهند و چگونه از نقاط مختلف اروپا دم به دم تعداد بیشتری وسایل مرگبار هسته ای - فرقی نمیکند باجه شکلی - موشک از دریا یا خشکی ، بمب های

سد و در حالیکه با مودوی وجدگسی جنگی در نزدیکی دهانه خلیج فارس لنگر انداختند " ( همانجا ) وزارت دفاع آمریکا دیشب به ناو هواپیما بر سنکین " کیتی هاوک " ، که در فیلیپین مستقر بود ، دستور داد که بیدرتنگ به سوی اقیانوس هند حرکت کند . ناو هواپیما بر هشتاد و یک هزار تنسی " کیتی هاوک " هشتاد و پنج هواپیما ی اف - ۱۴ واف - ۴ حمل می کند و بیج ناو جنگی از نیروی دریایی آمریکا آنرا اسکورت می کنند . " ( اطلاعات - ۳۰ آبان ۱۳۶۰ )

چند روز بعد ، در حالیکه یک ماهه پیدایش " مسئله افغانستان " مانده بود : " . . . همزمان با نزدیک شدن ناوهای هواپیما بر آمریکا به آب های دریای عمان و خلیج فارس . . . دو ناو سرفرماندهی ناوگان دریایی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مستقر . . . شد . " ( ۲۳ آذر ۵۸ - اطلاعات ) و دو روز بعد اعلام شد که : " . . . یک گروه ناو هواپیما بر کیتی هاوک با ظرفیت ۸۵ هزار تنی و ۸۵ هواپیما ی مختلف ، که قادرند ۹ گونه عملیات جنگی در زمینه های مختلف انجام دهند . . . به طرف خلیج فارس در حرکت کنند . تا به گروه ناو هواپیما بر میدوی . . . در نزدیکی خلیج فارس بیبندد ، که البته این مجموعه نیروی قدرتمندی را تشکیل می دهد . . . " ( ۴ آذر ۵۸ - اطلاعات ) و : " . . . یک ناو هواپیما بر دیگر آمریکا عازم خاورمیانه شد . " ( ۱۶ آذر ۵۸ - اطلاعات )

و درست روز قبل از اعزام نیرو - های محدود شوروی به افغانستان برای کمک به این کشور در مقابل تجاوز امپریالیستی ، روزنامه ها نوشتند : " . . . آمریکا از هفته گذشته کشورهای ساحلی اقیانوس هند برای به دست آوردن حق استفاده از بنادر و پایگاه های نظامی آنها به گفتگو پرداخته است . ناوگان آمریکا در غرب اقیانوس هند اکنون از بیست و یک کشتی جنگی از جمله دوناو هواپیما بر با یکصد و پنجاه هواپیما ی جنگنده تشکیل می شود . . . " ( ۵ دی ماه ۵۸ - اطلاعات )

و چنانکه رسم شیطان بزرگ است ، به محض حضور نیروهای شوروی در افغانستان ، " امپریالیسم آمریکا همه این لشکرکشی را بحساب " خطر شوروی " نوشت و همه " بها نه " های یاد شده را به سود این حربه کهنه تبلیغاتی فراموش کرد .

اسناد یاد شده ، که مضمونی از خروار بود ، بوضوح تمام نشان می دهد که حضور شوروی در افغانستان تنها و تنها " یک بها نه " است ، مثل دهها و دهها " بها نه " دیگر ، که در قلب آنها " بها نه " انقلاب اسلامی ضد استبدادی ، ضد امپریالیستی و مردمی ایران قرار دارد ، بدین ترتیب ، تنها روزی موفق خواهیم شد ، " بها نه " ها را از دست آمریکا بگیریم که همه مردم دنیا غلامان دست به سینه یانکی ها باشند .

ادامه دارد .

# همه چیز برای اجرای قانون آماده است

گذار از رژیم طاغوتی گذشته به رژیم انسانی آینده است. هر قدر که دشمن در ایجاد ناامنی، هرج و مرج، قانون شکنی و متزلزل کردن اعتماد عمومی بیشتر موفق شود، به دریدن گسوی انقلاب بیشتر نزدیک شده است. موفقیت دشمن غدار در از میان بردن امنیت و قانون در جامعه چیزی نیست جز آستانه پیروزی آن برای تراشیدن جانورانی از قبیل رضاخان، محمدرضا، پهلوشه و... که گویا قصدشان برقراری امنیت در جامعه است، اما هدفی غیر از استقرار نظام سرنگون شده، گیرم به شکلی تازه نداشته و ندارند.

خوشبختانه به برکت حضور توده های میلیونی و رهبری قاطع امام خمینی جامعه انقلابی ما چندین توطئه خطرناک دشمن را برای رسیدن به این هدف شیطانسی پشت سر گذاشته است. اکنون می توان گفت که تا دشمن شکست خورده نیروی خود را مجدداً گردبیاورد بهترین فرصت در اختیار است. همانطور که رئیس مجلس گفته است، برخی از قوانین - علیرغم نقایص آنها - از تصویب گذشته است. باید بیدارنگ آنها را اجرا در آورد. باید به احزاب و سازمانهای طرفدار انقلاب اجازه فعالیت داد. باید راه را برای انتشار روزنامه - های انقلابی باز کرد. باید با استفاده از لایحه اراضی با بر شهری برای مسکن محرومان برنامه ریزی کرد. لوائح محوری چندی، از جمله لایحه اصلاحات ارضی و دولتی کردن بازرگانی خارجی، در دستور کار مجلس است. باید با استفاده از تفویض اختیار امام به مجلس، آنها را سرعت تصویب و اجرا کرد. لوائح حیاتی دیگری باید در دستور کار مجلس قرار گیرد، که از آن جمله است حدود مالکیت ها. باید هر چه زودتر آنها را تهیه کرد و به مجلس فرستاد. باید اکنون که همه شرایط فراهم است، از فرصت سود جست، دوستان و دشمنان انقلاب در جریان رویدادهای سه سال گذشته در عمل شناخته شده اند، باید دشمنان را طرد کرد و دست دوستان را فشرده و سرعت بجلو رفت.

هرگز نباید فراموش کرد که این تنها شرایط آماده نیست که زمینه اجرای قانون را فراهم می سازد. کوشش پیگیر برای استقرار قانون نیز زمینه را آماده تر می سازد. وقتی در حدود تعیین شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت های سیاسی و اقتصادی شکل گرفت، هیات تازه ای هم برای شناخت بیشتر دوستان و هم شناخت دشمنانی که هنوز نقاب از چهره برداشته اند، در دست خواهد بود. آنان که به هر بهانه با استقرار نظام نو مقابله می کنند، دشمنانند و آنان که به پیشبرد انقلاب یاری می رسانند و مدافع آنند، دوستانند.

در این شرایط که دشمن غدار در خارج مرزهای کشور لشکر کشی می کند و دوستانش در داخل در کار تجدید قوا هستند، باید با استقرار قانون و ایجاد جو اعتماد بر قدرت انقلاب افزود و کشور را برای نبردهای سترگی که بیگمان در راه است، آماده کرد.

همه چیز برای اجرای قانون آماده است. جای درنگ نیست...

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و امام جمعه موقت تهران در خطبه های نماز جمعه این هفته در مورد ضرورت حاکمیت قانون به تفصیل سخن گفت.

# در هفته ای که گذشت:

## روز شهیدان پاسدار گرامی باد

هفته گذشته، روز ۲۵ آبان، روز شهیدان پاسدار نامیده شد. مردم مادر این روز که زنده کننده خاطره پاسداران قهرمانی است که با نثار خون خود سبب آزادی سوسنگرد از اشغال متجاوزان صدامی شدند، با برگزاری مراسم ویژه ای خاطره شهیدان پاسدار راگرامی داشتند. در این روز چنانکه، شایسته پاسداران جان بر کف انقلاب است، از فدائیکاری های پاسداران در حبه های نردانقلاب باضد انقلاب و به ویژه حبه های جنگ با متجاوزان صدامی تجلیل به عمل آمد. سگمان نام این عزیزان قهرمان که جان برکف در تمامی حبه ها حاضر هستند و با ایثار و قهرمانی توطئه های ضد انقلاب را در کنار دیگر نیروهای مردمی درهم میکوبند، در تاریخ معاصر ایران با برجسته ترین حروف ثبت خواهد شد. مردم دلاور ایران، که خود این فرزندان برومند را در دامن پرورده اند، خاطره جانبازی ها و فدائیکاری های آنان را در راه سهروری خلق از یاد نخواهند برد.

"اتحاد مردم" نیز همراه دیگر مردم قهرمان وطنمان به روان پاک این قهرمانان درود می فرستد و خاطره ارجحند آنان راگرامی می دارد.

## سخنان وزیر کشاورزی درباره لایحه اصلاحات ارضی

آقای محمد سلامتی، یکشنبه شب گذشته، در یک مصاحبه تلویزیونی با برنامه دهقانان سیمای جمهوری اسلامی شرکت کرده سئوالاتی درباره اصلاحات ارضی پاسخ گفت.

آقای سلامتی در پاسخ این سئوال که: "لایحه ای که از طرف دولت به مجلس شورای اسلامی تقدیم خواهد شد، آیا تفاوتی هم با آن طرح شورای انقلاب خواهد داشت یا نه؟" گفت:

"هیچ تفاوتی ندارد. همان است به خصوص که ما دیدیم که آیات عظام جناب آقای منتظری، شهید دکتر بهشتی و آقای مشکینی آن را امضا کردند و تاکید کردند و بخصوص که جوابگوی آن چیزهایی که مورد توجه ما، که یک ارگان اجرایی هستیم، هست. ضرورتی برای تغییر و اصلاحش ندیدیم. روی این حساب همان را،

همان شکلش که در شورای انقلاب تصویب شد، ما به هیئت دولت ارائه کردیم، که انشا الله به مجلس هم ارائه بشود."

وزیر کشاورزی درباره طرحی که ۱۶ تن از نمایندگان به مجلس داده اند، گفت: "این طرح متأسفانه چیز جدیدی ندارد" و افزود:

"اما باید ببینیم که این لایحه اصلاحات ارضی اسلامی، که در هیئت دولت دارد بررسی می شود و همینطور به تصویب شورای انقلاب رسیده، محور آن چه است؟ ما باید به آن مینا و اساس کار توجه بکنیم. آن لایحه برای مینا ارائه شد که یک عده زمین های زیادی دارند، که اینها در واقع عصب گردند، اما از لحاظ ظاهری اینها سند دارند. ظاهری می گویند ما وجوه شرعی را پرداختیم و اثبات این قضیه، با توجه به سندها و مدارکی که ارائه می دهند، مشکل است و حتی غیر ممکن. اما قرائن و شواهد و برخوردهای اینها و اظهار نظر زارعی که روی زمین ها کار کرده اند، مبین این قضیه است که اینها غاصبین این زمینها هستند و زمین ها باید از آنها گرفته بشود. علاوه بر اینها، در جامعه احتیاج زیادی داریم که سطح تولید کشاورزی بیش از پیش بالا برود که به حد خود نیاز مندیهای کشاورزیمان را از خارج وارد می کنیم. اما این کار بوسیله این افراد زمین داران بزرگ و فئودالها امکان پذیر نیست، چرا که تجربه ثابت شده اینها پولدار هستند، املاک مختلف دارند، احتیاج به این ندارند که نیروی زیادی روی زمین بگذارند. ما باید به حد خود کفایتی برسیم. ما نمی توانیم همینطور وابسته به خارج باشیم. این یک احتیاج جامعه است. از طرفی فئودالها اینطور رفتار می کنند و ضرر می زنند به این احتیاج، به این خواست جامعه که نامشروع است. در نتیجه قاعده لاضرر حکم می کند که این زمینها از دست اینها گرفته بشود و به کسانی داده شود که تمام هم و غمشان تولید است. این شیوه برخورد در رابطه با طرحی که از طرف برادرانمان در مجلس ارائه شده جوابگو نیست."

وزیر کشاورزی افزود: "ما امیدواریم بتوانیم با تصویب این لایحه در مجلس شورای اسلامی مقابله بشود، با این کسک هایی که فئودال ها و زمین داران بزرگ و با سوء استفاده هائی که از اصل مالکیت می کنند."

## سرگذشت رنج و رزم خلق قهرمان فلسطین (۴)

# زندگی اقتصادی فلسطین پیش از دست اندازی بریتانیا بر سرزمین فلسطین

پس از آن، سرمایه داران کارخانه های کوچک صابونری، آردکنی و مجتمع صنایع غذایی ایجاد کردند. در مجلد "و باریکه غزه" چند دستگاه کوچک بافندگی و در بیت المقدس چند کارگاه قالببافی در کار بود. روغن گیری از زیتون و کنجد، بویژه در شهرهای نابلس، یافا، حیفا و بیت المقدس، رواج بسیار داشت. در یافا و حیفا دو کارخانه کوچک، افزارهای بدکی گوناگون موتور آب و آسیاب و روغن گیری تولید میکردند. در سالهای جنگ، میانگین شمار کارگران سرگرم کار در کارگاهها و کارخانه های فلسطین، بین ۶ تا ۱۰ بود.

آهنگ پیشرفت صنعت کند و بازده کشاورزی ناچیز بود، از اینرو کشور کسربودجه بازرگانی داشت. در سالهای ۱۳۰۰-۱۲۹۸ (۲۰-۱۹۱۹) این کسربودجه به ۳/۴۵۷/۶۰۰ لیره فلسطین رسید. در سالهای بعد نیز این کسربودجه افزایش یافت.

فلسطین کشوری کشاورزی و دارای نظام واپس مانده مالکیت فئودالی بر بنیان کلان - زمینداری بود. شصت و هفت درصد ساکنان فلسطین روستا نشین بودند. کشاورزان عرب عموماً تحت مناسبات بهره کاری به کشت و کار می پرداختند، بدین ترتیب، که یک پنجم غله را - که در عمل دوسوم محصول برداشتی بود - به صورت جنسی به "اریاب" می دادند.

تحت این شرایط، هر روز شکاف طبقاتی فراختر و تضادهای طبقاتی ژرفتر می گردید. نظام طاقت شکن مالیاتی از سوی و بهره مالکانه از سوی دیگر، روستائیان زحمتکش را در فشار و تنگنا می گذارد. آنها نیز با رها کردن زمین کوچک خود، بدنبال دستیابی به بخور و نمیر، یاتن به کوچ از روستا به شهر می دادند و یا کار دیگری را بر میگزیدند. به این ترتیب زمین آنها بدست بزرگ مالکان می افتاد.

پیش از جنگ اول جهانی، کارگران و پیشه ورانی که در کارگاه به کار سرگرم بودند، کمتر از ده درصد اهالی را تشکیل میدادند. نخستین مجتمع های صنعتی در سالهای ۱۲۷۹-۱۲۶۹ (دهه ۱۸۹۰) در فلسطین بر پا شد. در منطقه "جلیلیه" یک کارگاه کوچک ابریشم بافی و یک کارگاه عمل آوردن کشمش و ادویه (فلفل، زردچوبه، دارچین و...) گشایش یافت و در "طنزوره" یک کارخانه شیشهگری تاسیس شد.



نخستین رزمندگان عرب فلسطینی (۱۳۱۷-۱۹۳۸)

ادامه دارد

# از ساواکی ها...

بقیماز صفحه ۱

مستولان را از غفلت نسبت به آنها بر حذر می داریم، بهیچوجه از محکم گاری و ملاحظات مشابه بر نمیخیزد. این هشدار نسبت به خطری است که متاسفانه ریشه کن نشده است، زیرا ساواکیها هنوز بعنوان یک نیروی ضربتی خطرناک در دست عوامل توطئه - گر "سیا" علیها انقلاب و جمهوری اسلامی ایران عمل می کنند.

با پیروزی انقلاب، سازمان جنبشی ساواک نخست از جانب مردم انقلابی و سپس از طریق قانونی منحل گردید، اما این اقدام برای خنثی ساختن و بر طرف کردن خطر توطئه های ضد انقلابی و براندازی ساواکیها، که با تمام وجود خویش با فساد و جنایت و غارت رژیم سرسپرده و ضد مردمی پهلوی پیوند داشتند، کافی نبود. اما از هزارها مزدور ساواک، که به اشکال مختلف برای این سازمان جنبشی و علیه مردم ایران عمل می کردند، تنها گروه معدودی باید دست مردم و یا توسط دادگاه های انقلاب مجازات گشتند و باقی - که بخش عمده را تشکیل می دهند - گریختند و پنهان شدند.

در خارج شدن ساواکیها از زیر ضربه خشم مردم - که نه مضمونی انتقام - جوینان، بلکه بطور عمده هدف حفظ و حراست انقلاب از توطئه های این جنایتکاران را تعقیب می گرد - لیبرال های دولت موقت و عوامل ریز و درشت امپریالیسم آمریکا، که در حاکمیت سیاسی پس از انقلاب نفوذ جدی داشتند، نقش مهمی ایفا کردند. مهندس بازرگان رئیس دولت موقت گوشتد تا سه هفتاد مقدم معدوم، رئیس ساواک، را به ریاست رکن ۲ ارتش بگمارد. لیبرالها و عوامل شیطان بزرگ نهایت تلاش خود را در گند کردن تیغ دادگاه های انقلاب بکار بردند، تا ساواکیها بدینسان دشمن سوگند خورده ای که بر اثر انقلاب عظیم مردم، ضربه مهلک خورده بود، امکان یافت تا نیروهای خود را جمع کند و بار دیگر

سازمان دهد. تظاهرات صدها ساواکی در مقابل نخست وزیری برای دریافت "حقوق" در زمان دولت موقت، نخستین وجدی ترین علامت سازمان یافتگی مجدد ساواک و خطر مهلک آن بود. تعلل دولت موقت در سرکوب قاطع دشمنان انقلاب تا بدانجا رسیده بود که، دشمن گینه توز و تشنه خون حتی تقاضای رسمیت یافتن و قانونی شدن می کرد!

هسته اصلی ساواک را کارشناسان اطلاعاتی و سیاسی، متخصصین بمب گذاری و ترور و تخریب تشکیل می دادند، که در مگتیب "سیا" و "موساد" و "اینتلجنس سرویس"، آموزش دیده بودند و در پیوند با این سازمان های جاسوسی عمل می کردند. بر گرد این گروه اصلی - که متاسفانه بطور عمده دست نخورده باقی ماند - گروه بزرگی از جنایتکاران حرفه ای، شکنجه گران، مامورین حفاظت و... قرار داشتند، که مجری طرح های گروه نخست بودند و بیشتر از همه خشم مردم را بخود متوجه ساخته بودند. از این جنایتکاران نیز - هر چند بخشی از آنها مجازات شدند - گروه بزرگی گریختند. گروه سوم خبر چنان ساواک بودند، که گتیرالعهده - ترین گروه های ترکیب کننده آن را تشکیل می دادند و گروه اول و دوم از میان آنها سر باز گیری می کردند. این گروه تقریباً بطور کامل از مجازات و پیگرد مصون ماند.

در ماههای نخست پس از انقلاب این واقعیت تلخ آشکار گردید که هیولای ساواک بار دیگر، و این بار به عنوان اهرمی برای تخریب و توطئه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، آغاز به فعالیت کرده است. خود این امر گواه بر آن بود که هسته اصلی جنایتکاران ساواک و مغزهای متفکر آن دست نخورده مانده اند و بسرعت کار بسنج بقایای گروه دوم و سوم را سازمان می دهند. در تمامی اقدامات قانون شکنانه، چون حمله به دفاتر احزاب و گروه های مدافع انقلاب، دست عوامل هر سه گروه آشکار بود، یکبار رسولی و از قندی، از گردانندگان ساواک، به هنگام رهبری عملیات حمله به یکی از دفاتر گروه های مدافع انقلاب دیده شده بودند. افشین، شکنجه گر ساواک، در مقابل لانه جاسوسی آمریکا علیه شوروی شعار می داد. عوامل ریز و درشت

سال آینده موکول شده است. تعلل و تاخیر در اجرای این گام - ها، که بطور عمده هنوز در سطح وعده باقی مانده اند و در صورت اجرا کمکی به تسریع بازگشایی دانشگاه ها و دفع پیامدهای خطرناک توقف آموزش عالی خواهند بود، بیانگر آن است که مسئولین و دست اندکاران "انقلاب فرهنگی" هنوز به عمیق رهنمودهای امام خمینی مبنی بر بازگشایی دانشگاه ها - ها و "انجام اصلاحات لازم در حین فعالیت آن" واقف نیستند و یادست - هایی در کار است که آگاهانه در اجرای این رهنمودها کار شکنی می کند، تا روند بازسازی مبنی انقلابی را به تاخیر اندازد.

در عین حال، برخی اقدامات نشان می دهد که مسئولین "انقلاب فرهنگی" به توان شگرف بکارگیری همه نیروها در بازگشایی دانشگاه ها و در انجام تغییرات بنیادین در نظام آموزش عالی، بهای کافی نمی دهند. از جمله، طرح پذیرش استاد و دانشجو در دوره انتقال و "طرح گزینش دانشجو در بردارنده" برخی نکات منفی است، که نه تنها به درگرونی بنیادین در نظام آموزش عالی بیاری نمی رساند، بلکه زمینه ای برای اخلاص در آن فراهم می آورد.

برخی ضوابط مبهم، قابل تفسیر و تنگ نظرانه در این طرح ها راه را بر بکارگیری همه نیروهای مومن به انقلاب و متعهد به جمهوری اسلامی ایران - صرف نظر از اعتقادات مسلکی - و بهره گیری از حداکثر نیروی موجود می بندد و دست کسانی را که زیر پوشش قشری در دروند انقلاب و بازسازی مبنی انقلابی خرابکاری می کنند، علیه نیروهای دیگر - اندیش انقلابی و متعهد به انقلاب و

ساواک بارها و بارها در جریان حملات به دفاتر و اماکن و کیوسکهای روزنامه فروشی مشاهده شدند. در جریان کشف گروه تروریست فرقان، وجود یکی از عوامل ساواک در آن فاش گردید. موج بمب گذاریها، که تنها توسط گروه - های مجهز و کارگرفته امکان وقوع داشت، از نقش فعال ساواک سازمان یافته خبر می داد.

پس از شکست تجاوز نظامی طیس، وجود ۶۰۰۰ مزدور مجهز و آماده، که قرار بود در پیوند با تجاوزگران عمل کنند، از جانب مقامات آمریکائی فاش گردید. پس از شکست توطئه کودتای نوزده، همین اعترافات از وجود گروه های مسلح و توطئه گریخبر می داد.

بارها و بارها از جانب مسئولین جمهوری اسلامی ایران وجود گروه های سلطنت طلب و بمب گذار مورد تأیید قرار گرفت و... اما متاسفانه نام ساواکی ها و جنایتکاران سرشناس آن هر چه بیشتر به فراموشی سپرده شد و هیچ برنامه جدی برای کنترل، شناسائی، پیگرد و دستگیری عوامل اصلی این سازمان جنایتکار بعمل نیامد.

بمب گذاریها، ترورها و خرابکاری های اخیر بار دیگر ضرورت توجه جدی به عملکرد ساواکیها را مطرح می سازد. هر چند بسیاری از این اعمال توسط تروریست های پیرو رهبری خائن "مجاهدین خلق" انجام می گرد، ولی توجه به این مسئله که، تمامی شواهد از توجه به حرفه ای بودن برخی از این عملیات خرابکاری و جنایت، - که بارها از جانب دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی مورد تأکید قرار گرفته است - مسئولین جمهوری اسلامی ایران را ملزم می سازد که در عین توجه به تروریست های پیرو رهبری ضد انقلابی "مجاهدین خلق"، عوامل جنایتکار ساواک را نیز، که بدون تردید در حوادث اخیر دست دارند، باز شناسند و به مجازات شایسته برسانند.

چنین برخوردی نه فقط به هشیار شدن هر چه بیشتر هواداران ناآگاه "مجاهدین خلق" کمک خواهد کرد، بلکه انقلاب را از خطری که واقعا وجود دارد و با تمام نیرو علیه آن عمل می کنند، رهایی خواهد بخشید.

جمهوری اسلامی ایران باز می گذارد، همان طور که هم اکنون در برخی موسسات آموزشی پزشکی شاهد آن هستیم. این ضوابط با رهنمود صریح رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، در مورد بهره گیری از کار و تخصص ساتیدی که حاضرند در خدمت انقلاب باشند، صرف نظر از اعتقادات مسلکی آنان، و نیز با اصل ۲۳ قانون اساسی که: "هیچ کس را نمی توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرارداد"، منافات آشکار دارد.

همانطور که وزیر فرهنگ و آموزش عالی بیان داشته است:

"در ارتباط با گزینش استاد و دانشجو شرایطی را قابل بشویم که اساتیدی که متعهد به انقلاب هستند و در جهت انقلاب حاضرند که اقدام بکنند و همچنین دانشجویانی که لااقل پس از فراغت از تحصیل، در خدمت کشور حاضر باشند عمل بکنند و عنادی بانظام جمهوری اسلامی نداشته باشند، در این دانشگاه این عده را فارغ التحصیل بکنیم". (دانشگاه انقلاب - شماره ۱۳۶۰)

مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران می طلبد که معیارهای واقع بنیان و منطقی جایگزین ضوابط ابهام برانگیز شود و راه بهره گونه بهانه جویی و خرابکاری در بهره گیری از همه نیروهای انقلابی بسته شود.

ما امیدواریم که هر چه سریعتر وعده های داده شده در ارتباط با طرح اتمام تحصیل دانشجویان سال های آخر عملی شوند، و این گام حداقل، در جهت بازگشایی کامل دانشگاه ها و مدارس عالی برداشته شود.

ما جدا از مسئولین آموزش عالی

# استفاده از...

بقیماز صفحه ۱

با پیروزی انقلاب بهمین، این بخش از روشنفکران یا از کشور گریختند و یا به کفر خیانت به خلق رسیدند. آن عده قلیلی هم که در کشور ماندند، طبعاً نتوانسته و نمی توانستند در خدمت انقلاب باشند، زیرا که سینه شان مالک مال از خصومت و کین نسبت به انقلاب است و با هزاران رشته مرئی و نامرئی با گذشته پیوند دارند. به این گروه از روشنفکران، در هر درجه تخصص که باشند، انقلاب نیاز ندارد.

اما بخش عمده روشنفکران و متخصصان یا معتقد و مومن به انقلابند و یا به سبب بخرنجی های روند انقلاب، از درک اهداف انقلاب عاجز مانده - اند. انقلاب باید از استعدادها، و تخصص این عده از روشنفکران، که از نظر عقیدتی و مسلکی طیف گسترده ای را تشکیل میدهند، بسود خود بهره گیرد و نه فقط قشر مومن به انقلاب را به دایره فعالیت عملی جلب کند، بلکه حتی قشر بیطرف و غیر فعال را به حقایق اهداف خود قانع سازد و آنرا به مومن پشتیبانی فعال از انقلاب بکشاند.

متاسفانه باید گفت که انقلاب تا کنون در جذب روشنفکران و متخصصان قصور داشته است. حجتاً اسلام خامنای در سخنرانی خود بعنوان کاندیدای ریاست جمهوری، در بیان این واقعیت اظهار داشت:

"... کشف و بکارگیری تمام استعداد های انسانی در همه میدان ها از تکنیک تا هنر، حقیقت اینست که در این کار در دوران دو سال و نیم بعد از انقلاب تلاش کمی انجام گرفته و جنگ ما را تا حدودی به توجه به این امر ناگزیر کرد. اما باید این توجه را چند برابر کنیم و استعدادها را پیدا کنیم و آنها را بکار گیریم و استقلال ما جز از این راه تأمین نیست".

طرح شعار نادرست تخصص یا ایمان، که گروه های افراطی هر یک بر حسب منافع خود تعبیر غلطی از آن داشته اند، موجب شده که هرگز به مسئله اساسی ضرورت جذب متخصصان مومن به انقلاب توجه نشود.

در دوران دولت موقت با مطلق کردن مسئله تخصص، هر متخصص ضد انقلابی نظیر مولویها، ایزدیها و امیر انتظامها در راس مقامات حساس قرار گرفتند و ضربات سنگینی بر پیکر انقلاب وارد آوردند. صدماتی که انقلاب از این گروه از متخصصان فاقد ایمان انقلابی دیده بود، سبب شد که این بار نظریه افراطی دیگری امکان عمل یابد و ضرورت استفاده از متخصصان مومن به انقلاب یکبار به فراموشی سپرده شود.

این نظریه، با مطلق کردن مسئله ایمان، تخصص را نفی میکرد. نتیجه آن شد که جمع کثیری از متخصصان، که پشتیبان انقلاب بودند و یا حداقل، فعالیت ضد انقلابی بهیچوجه نداشتند، به بهانه "غیر مکتبی بودن از موسسات دولتی و خصوصی پاکسازی و خانه نشین شدند و انقلاب از دانش و تجربه آنان محروم ماند.

انتظار داریم که هر چه زودتر مشکلات موجود در ثبت نام دانشجویان سالهای آخر پزشکی در سراسر کشور بر طرف شود. باشد که این بخش فوق العاده اندک از دانشجویان بتوانند در محیطی فارغ از بیم محرومیت از تحصیل و تصفیه تحصیلشان را به اتمام برسانند.

\* \* \*

میلیون ها جوان و نوجوان و هزاران خانواده نگران وضع مبهم نظام آموزش عالی هستند. مبنی انقلابی ما تشنه دست ها و مغزهای متخصصی است که باید چرخ های بازسازی آن را به حرکت در آورند و بر انبوه کاستی ها و نابسامانی های بهار رسیده از سال ها سلطه امپریالیسم و نظام ضد مردمی گذشته نقطه پایان نهند. در چنین شرایطی، تعطیل دانشگاه ها، همان گونه که فقیه عالیقدر

برای مشخص کردن صفها، تنها و تنها یک معیار وجود دارد و آن موضع گیری افراد نسبت به انقلاب است. با بکارگیری چنین معیاری، ضد انقلاب در یکسوی مرز قرار خواهد گرفت و عناصر انقلابی و هواداران غیر فعال انقلاب در سوی دیگر، دو گروه اخیر را باید جذب کرد و گروه نخست را طرد. هر کسی که خواهد عوامل دیگری و از آنجمله نحوه تفکر و اندیشه افراد را ملاک قرار دهد، چه خواهد و چه خواهد، به انقلاب زان رساند است.

خوشبختانه دیده میشود که فکر استفاده از متخصصان مومن به انقلاب، عمومیت می یابد، چون رئیس مجلس شورای اسلامی در خطبه های نماز جمعه ۱۵ آبان ماه اعلام کرد که:

"من به آنها (نیروهای متخصص و تکنوکرات) این بشارت را می دهم که مسئولان کشور هم به این نتیجه رسیدند اند که بدون حضور شما نیروهای متخصص و نیروهای انسانی و کسانی که حاضرند مخلصانه به این کشور و انقلاب و مردم خدمت بکنند، کارها به پایان نمی رسد... به شما نیروهای انسانی تحصیل کرده و دوره دیده و مجرب اطلاع میدهم که امیدواریم با جوسالمی که بوجود می آید... میدان فعالیت در همه ابعاد اقتصادی و اداری و فنی برای شما و ما باز شود.

آری، در دوران بازسازی انقلابی ما به هزارها متخصص در رشته های صنعتی کشاورزی، نظامی، آموزش و پرورش نیاز مندیم که مسلماً در یک قالب نمی اندیشند و نحوه تفکر واحد ندارند. اما این گونه گونی طرز فکر نه فقط مانعی در اعتقاد انقلاب ایجاد نمی کند، بلکه همزیستی آنها به غنا انقلاب بیاری می رساند. ما نه تنها باید از متخصصان موجود به شرط ایمان انقلابی استفاده کنیم، بلکه باید چندین برابر آنچه را که داریم، در دورانی کوتاه پرورش دهیم. نه فقط باید متخصصان مومن به انقلاب را از عزلت باز نشستی به عرصه فعالیت زنده فراخوانیم، بلکه باید دانشگاهها را هر چه زودتر برای پذیرش صدها هزار جوان آواره، خیابانها آماده کنیم، تا بیاموزند و آموخته های خود را در خدمت انقلاب قرار دهند.

شرط استقلال کامل ما تأمین استقلال اقتصادی است و در این راه دشوار به میلیون ها بازوی کار، صدها هزار مغز مبتکر و میلیونها استعداد و تجربه نیاز داریم. برخورد قشری با این مسئله مهم انقلاب و تقسیم افراد به "مکتبی" و "غیر مکتبی"، جز محروم ساختن انقلاب از صدها هزار مغز اندیشمند نتایج ای به بار نخواهد آورد. باید گفت که رئیس جمهور حجت الاسلام خامنای را بکار بست و تمام استعداد های انسانی در همه میدان ها از تکنیک تا هنر را کشف نمود و به کار گرفت. باید وعده، رئیس مجلس شورای اسلامی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی را عملی ساخت و میدان فعالیت را در همه ابعاد اقتصادی و اداری و فنی برای نیروهای متخصص و همه کسانی که حاضرند مخلصانه به کشور و انقلاب و مردم خدمت بکنند، باز کرد، زیرا اگر چنین نشود، کارها به پایان نمی رسد.

آیت الله منتظری گفته اند، "اگر طول بکشد معلم و دانشجو در دانشگاه ها نباشد، فاجعه است برای کشور ما". از این "فاجعه" باید جلوگیری کرد.

باید بر رهنمودهای ارزنده امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، جامعه عمل پوشانید و دانشگاهها، مدارس عالی را هر چه سریعتر گشود. باید با واقع بینی و ژرف اندیشی اشتباهات گذشته را مورد مذاقه قرار داد و برای آینده برنامه ریزی کرد، برنامه ای بنیادین، واقع گرایانه و مبتنی بر نیازهای انقلاب و مبنی. باید با سه صدر و به دور از انحصار طلبی و تنگ نظری از همه نیروهای مومن به انقلاب بهره جست و همه دست ها و مغزها را در ساختمان ایرانی مستقل، آزاد و آباد به کار گرفت.

# وقایع مهم جهان در یک هفته

## ستاره درخشان: تمرین آمریکائی ها برای اشغال خاور میانه

مانور ستاره درخشان روز شنبه ۲۳ آبان ماه ۶۰ با پیاده شدن چند صد نفر جترباز سیاه واکش سریع آمریکا در مصر آغاز شد. این مانور بطور عمده در خاک مصر صورت خواهد گرفت و دو هفته به درازا خواهد کشید. اما مانورهای کوچکتری نیز در سودان، سومالی و عمان در جریان است. بیشتر کشورهای عرب این مانورها را محکوم کرده اند.

در مانور ستاره درخشان ۶۰۰۰ سرباز آمریکایی شرکت دارند. مانور نامرده از نظر وسعت در ۲۵ سال گذشته در منطقه بی سابقه است. روز دوشنبه ۲۵ آبان ۶۰، پروادا در تفسیری درباره جنگ بازی های ستاره درخشان این مانورها را تمرینی برای اشغال کشورهای خاور میانه از سوی آمریکا خواند.

عمیدی، دبیر دفتر مردمی لیبی برای مناسبات خارجی، گفت: "اگر حطری متوجه خاور میانه باشد، از ایالات متحد هاشی می شود."

### تشکیل فدراسیون سنگامبیا

سنگال و گامبیا اعلام کردند که قصد دارند فدراسیونی بنام سنگامبیا تشکیل دهند. این نقشه در اعلامیه مشترکی اعلام شده است که پس از دیدار روسای جمهور دو کشور انتشار یافت. به موجب این نقشه، ارتش و نیروهای امنیتی سنگال و گامبیا نیز یکی خواهند شد. گفته شده علامه مشترک نامبرده، سنگال و گامبیا در عین حال استقلال خود را حفظ خواهند کرد. رئیس جمهور سنگال ریاست کنفدراسیون را بر عهده خواهد داشت.

# جبهه پایداری حضور نظامی آمریکا را مسبب تشنج در منطقه خواند

ادامه گسترش نفوذ اسرائیل در خاور-میانه سخن گفت. وی در پیامی به خالد شاه عربستان، یادآور شد که "تل آویو" قصد دارد "مناطق اشغالی خود را توسعه دهد و کشوری صهیونیستی، از فرات تا نیل و از قدس تا مکه برپا سازد." به گفته معمر قذافی اسرائیل، برای این منظور قصد حمله به اردن را دارد. وی خالد و دیگر رهبران عرب را به مقابله با گسترش طلبی اسرائیل فرا خواند.

حداد، مخزن آت این نیروها را نابود ساختند. حدادی خواهان خواستار خروج نیروهای سازمان ملل برای دست-یابی به برتری نظامی هستند. آنها، که در واقع مزدوران اسرائیل به شمار می-روند، به تشویق رژیم صهیونیستی به این اقدام گستاخانه دست یازیده اند. معمر قذافی، رهبر لیبی، از خطر

کنفرانس وزیران خارجه "جبهه پایداری عرب" اجلاس خود را در عدن پایان داد. این کنفرانس وضع انفجار-آمیزی را، که در نتیجه حضور نظامی فزاینده ایالات متحده و موضع گیری تجاور کارانه اسرائیل در منطقه پدید آمده است، بررسی کرد.

از سوی دیگر، در جنوب لبنان، نیروهای جدایی طلب به محاصره نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد دست زدند. آنها به دستور سرکرده خود

## ضیاء الحق پاکستان را به زندانی بزرگ تبدیل کرده است

ضیاء الحق، دیکتاتور نظامی پاکستان، هرگونه امکان تشکیل یک دولت غیر نظامی را در آن کشور رد کرد. وی در یک کنفرانس مطبوعاتی در اسلام آباد گفت که وضع فوق العاده تعدید خواهد شد.

ضیاء الحق اعتراف کرد که قوانین فوق العاده شمرخس نبوده است. ظاهراً منظور او آنست که این قوانین نتوانسته است مردم را به پشتیبانی از او در صورت برگزاری انتخابات برانگیزد. این قوانین مدت هاست که با اعتراض مردم و شخصیت های پاکستان روبرو شده است. به گفته مخالفان رژیم ضیاء الحق کشور را زندانی تبدیل کرده است. بر پایه اطلاعات "حزب مردم پاکستان"، در این کشور هزاران زندانی سیاسی وجود دارد.

از سوی دیگر یان داچ جی رئیس ستاد ارتش چین با ضیاء الحق دیدار کرد. درباره محتوی مذاکرات میان آنها تنها گفته شده که "درباره مسائل مورد علاقه طرفین" به گفتگو هستند.

## نقشه تجاوز آمریکا به نیکاراگوئه بر ملامت

سیاری از نمایندگان پارلمان مکزیک در پیامی به همتاهای خود در کوبا همستگی خویش را با کوبا در مقابل تجاوزات آمریکا اعلام داشتند.

دولت نیکاراگوئه اعلام کرد که از نقشه ای برای حمله مسلحانه به کشور آگاه شده است. آلوارو امیریس گونسالس سفیر نیکاراگوئه در برلین، پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان، این موضوع را در مصاحبه ای مطبوعاتی فاش ساخت.

به گفته وی، قرار است افرادی در لباس مدلسریازان نیکاراگوئه ای در ۲۹ نوامبر ۸۱ (۲۸ آذر ۶۰) در مرز هندو-راس بر روی سربازان مرزی این کشور آتش بکشند. بموجب این نقشه، آنگاه ارتش هندوراس و مزدوران آمریکایی به نیکاراگوئه حمله خواهند کرد.

توطئه های تجاوز کارانه آمریکا علیه کوبا خشم جهانیان را برانگیخته است. سفیران مکزیک، برزیل، ونزوئلا، آرژانتین، یاناما، کستاریکا، اکوادور و پرو در نیکاراگوئه اظهار داشتند که دولت های آنها با هر گونه مداخله مسلحانه در آمریکا مرکزی مخالفند.

در یاناما "کمیته ملی دفاع از حاکمیت صلح" تظاهرات وسیعی راه هواداری از کوبا فراخوانده است.

ژوآوینو برناردو پوپه را، رهبر جنبه سیاسی، تهدیدات "واشینگتن" را علیه کوبا محکوم کرد.

"شورای همستگی محارستان" در تلگرامی به "کمیته دفاع از انقلاب کوبا" تدارکات نظامی ایالات متحده را علیه "جزیره آزادی" بشدت محکوم ساخت.

## کوشش سازمان های جاسوسی امپریالیستی برای رخنه گری در لهستان

"پروادا"، ارگان مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، نامه هایی چند از خوانندگان خود منتشر ساخت، که در آنها از اوضاع کنونی لهستان ابراز نگرانی شده است. نویسندگان این نامه ها خواستار دادن جواب دیدان شکن به نیروهای ضد انقلابی گردیده اند. آنها نوشته اند که رهبران "همسنگی" هر روز برخواست های خود می افزایند و می-کوشند تا کشور را به راه سرمایه داری بکشند. خوانندگان "پروادا" معتقدند که "سیا" از نیروهای ارتجاعی لهستان پشتیبانی می کند. آنها از جار خود را از باصطلاح فراخوان کنفرانس همسنگی در گداسک به "خلق های اروپای خاوری" ابراز می دارند و آن را "سخنی گستاخانه" می خوانند.

از سوی دیگر، روزنامه لهستانی "ژول نژول نشنی" نوشت:

"بحران لهستان به رخنه گری سازمان های جاسوس غرب در کشور انجامیده است."

این روزنامه از فعالیت فزاینده وابسته های نظامی کشورهای "ناٹو"، "توریست" ها و "روزنامه نگاران سخن می گوید."

به گزارش "ژول نژول نشنی"، بسیاری از سفارتخانه های غربی در ورشو سنادهایی برای ارتباط با "همسنگی" تشکیل داده اند.

## آمریکا در السالوادور هم به جنگ میکوبی-شیمیایی دست زده است

در السالوادور، "خونتا"ی وابسته به آمریکا در جنگ با انقلابیون از جنگ افزارهای میکروبی و شیمیایی ساخت ایالات متحده استفاده می کند. در نتیجه بیماری های خطرناکی در السالوادور شایع و به مرگ بسیاری از غیر نظامیان منجر شده است. این خبر را رئیس "کمیسیون همسنگی کستاریکا" با السالوادور "در سان خوسه" فاش ساخت. به گفته او، هواپیماهای "خونتا" به سبک آریابان آمریکایی خود در وینتام بر جنگل ها و کشتزارهای السالوادور سم می پاشند.

## مردم شوروی به تحول اقتصادی-اجتماعی کشور خود باخوشبینی می نگرند

روز دوشنبه ۲۵ آبان ۶۰ پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. پلنوم خطوط اساسی پیش نویس برنامه اقتصادی-اجتماعی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ و هم-چنین برنامه اقتصادی بودجه کشور را برای سال آینده تصویب کرد. پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، علاوه بر این، فعالیت هیئت سیاسی را در زمینه اجرای مشی استراتژیک کنگره بیست و ششم حزب در زمینه های داخلی و خارجی مورد تأکید قرارداد.

لئونید برژنف در پلنوم کمیته مرکزی حزب درباره پیش نویس برنامه اقتصادی-اجتماعی اتحاد شوروی تا سال ۱۹۸۶ سخن گفت. در این برنامه درباره رشد توان اقتصادی، چگونگی نیل به هدف های اجتماعی، گسترش پویای صنعت و اقتصاد دو تا مین نیازهای دفاعی کشور سخن به میان می آید. در دوران نامرده درآمد ملی اتحاد شوروی ۱۸ درصد و درآمد سرانه سالانه ۱۶/۵ درصد افزایش خواهد یافت.

لئونید برژنف خاطر نشان ساخت که برنامه پنج ساله اتحاد شوروی در شرایطی نه چندان آسان به مرحله اجرا در می آید، زیرا اقتصاد کشور سه سال پی در پی با خشکسالی در کشاورزی روبرو بود. اوضاع بین المللی پیچیده تر شده است.

لئونید برژنف اظهار داشت: "مسئله خواربار مسئله مرکزی دوران

پنجساله خواهد بود. برنامه پنج ساله راه حل آنرا ارائه می کند. تولید غلات، گوشت سبزیجات و مواد غذایی، افزایش خواهد یافت.

اتحاد شوروی صدور سوخت راهبه کشورهای سوسیالیستی برادر و بازار جهانی به مقدار کافی تامین خواهد کرد.

لئونید برژنف از وزارت خانه-هایی که در اجرای تصمیمات اهمال نشان می دهند، انتقاد نمود و آنها را فراخواند، تا بیدارنگ در این باره اقدام کنند.

به گفته رهبر شوروی: "مردم دوران پنج ساله را باخوشبینی و اعتماد کامل به توان خود آغاز می کنند. آنها اعتقاد عمیق دارند، که به هدف های بزرگ و پیچیده شان در زمینه ساختن جامعه ای کمونیستی دست خواهند یافت."

در بودجه سال آینده ۱۱۰۰۰۰ میلیون روبل به توسعه کشاورزی و تنها ۱۷۰۵۰۰ میلیون روبل (۵/۳ درصد بودجه) به مصارف دفاعی اختصاص داده شده است. بدین ترتیب، هزینه نظامی اتحاد شوروی ثابت خواهد ماند.

از سوی دیگر، اجلاس "شورای-عالی اتحاد شوروی" در مسکو برگزار شد و به بررسی پیش نویس برنامه اقتصادی-اجتماعی اتحاد شوروی برای سالهای ۱۹۸۵-۱۹۸۱ و هم-چنین برنامه اقتصادی بودجه کشور برای سالهای آینده پرداخت و پس از پاره ای اصلاحات آنها را تصویب کرد.

## دولت افغانستان مداخله در امور داخلی خود را رد کرد

نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد بحث درباره به اصطلاح "مسئله افغانستان" را در "مجمع عمومی" مداخله در امور داخلی کشور خود خواند.

محمد فرید ظریف در "مجمع عمومی" گفت که افغانستان "آماج کار زار گسترده جهانی" شده است، که ایالات متحده آمریکا و چین آنرا طرح ریخته-اند. به گفته وی:

"چنانچه به اشرار ضد انقلابی از خارج به ویژه از پایگاه های پاکستانی کمک می رسد، مدت ها پیش نابود شده بودند."

از سوی دیگر، نماینده ویتنام در "مجمع عمومی" دسیسه های تجاوز-کارانه ایالات متحده آمریکا و چین را علیه افغانستان "علت عمده تشنج در این غطه جهان" خواند. وی گفت که پیش نویس قطعنامه "مجمع عمومی" درباره با اصطلاح "مسئله افغانستان" نقض منشور سازمان ملل متحد است، زیرا که در مسائل درونی کشوری مستقل دخالت می کند.

نماینده لهستان پشتیبانی دولت خود را از پیشنهاد دولت افغانستان درباره مذاکره با پاکستان و ایران اعلام داشت.

از سوی دیگر، نماینده افغانستان در سازمان ملل متحد قطعنامه مجمع عمومی را درباره با اصطلاح "مسئله افغانستان" "غیر قانونی و بی اعتبار" خواند. وی افزود که: "حتی بحث درباره این موضوع مداخله در امور داخلی کشوری مستقل است."

افغانستان اتهام پاکستان را درباره اینکه هلیکوپترهای افغانستان به حریم هوایی پاکستان تجاوز کرده اند، بی پایه نامید. یک سخنگوی وزارت خارجه افغانستان این ادعا را "کوشش برای منحرف ساختن افکار عمومی از پیشنهاد دولت افغانستان درباره عادی سازی مناسبات میان دو کشور" خواند.

## استفاده از همه استعدادها در همه میدانها

میهن انقلابی ما که وارث یک اقتصاد وابسته از هم گسسته، کوهی از دشواریهای ناشی از سیاست غلط اقتصادی دولت "گام بگام"، زبان های ناشی از محاصره اقتصادی امپریالیسم و خرابیهای جنگ تحمیلی است، نیاز وافر به بازسازی انقلابی دارد. این باز-سازی صرف نظر از منابع مادی، در درجه اول به نیروی انسانی نیازمند است که باید کشور را در راستای سازندگی به پیش برد، نیروی متخصصی که باید بر حسب تخصص خود اجرای کوشش های برنامه های اقتصادی و عمرانی کشور را بر دوش گیرد.

تردید نیست که سلطه فرهنگ نو استعماری طی سالیان دراز، بخشی از نیروی تحصیل کرده و متخصص کشور را بری از عواطف میهن پرستی و مردم دوستی، خود محور بینی و شیفته جامعه مصرفی غرب، پرورده است. این بخش از روشنگران جدا از مردم، در دوران سلطه طاغوت-آرایشگر رژیم، سانسور عیوب آن، و آذین بند مفاسد آن بودند. اند، با امپریالیسم ددمنش میوند دوستی داشتند و رژیم دست نشانده آنرا در طمع

کسب مال و منال، نردبان ترقی خویش قرار دادند، اینان در هر مقامی که بودند وظیفه ای جز حفظ رژیمی که سرکوبگر خلق بود، برای خود نمی شناختند.

بقیه در صفحه ۱۹

اتحاد مردم

ارگان اتحاد دموکراتیک مردم ایران

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمود اعتمادزاده (م. ا. م. ۱۰۰۰۰۰۰۰) آدرس: تهران، منطقه ۱۳، پستی صندوق پستی ۱۱۱۷/۱۱۴